

شوندون

Ketabton.com

بنیاغای رئیس دولت و صد راعظ  
شنه آخرت حق تعیین  
سر نوشت اسسه قلال  
و حاکمیت ملی  
هدم فلسطین را  
قبو یک گفتند

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر  
داد که از طرف بیانگرانی محمد داود رئیس دولت  
و صد راعظان به نسبت تصمیب فیصله قاءه شدنی  
خبر مجتمع عمومی ملل متعدد درباره شناخت  
حقوق تهیین سر نوشته استقلال و حاکمه است  
ملی و حق انکار نا پذیر باز گشست مردم-  
فلسطین به وطن و ملکیت های شان و فیصله  
نامه اربوط به دعوت موسسه آزادی بخواست جهت  
اشتراك در جلسات مجتمع عمومی و کنفرانس  
های بین المللی بعثت مشاهد تلگرام تبریکیه  
عنوانی بیانگرانی یاسن عرفات رئیس آزادی بخش  
فلسطین مخابره گردیده است

شناختنی رئیس دولت و ضد راعظم تصویر  
ین فصله نامه هزار ایندیزی های بزرگی برای  
مسارزات مردم قهرمان فلسطین در راه حق  
عدالت دانسته و اطهار آرزو کرده اند که مردم  
برادر فلسطین به زودی یا موفقیت های  
رخشناسنی به اعاده کامل حقوق غصب شده  
خود نایل گردند

بنغالی رئیس دولت و صدراعظم عنگا میکه سفیر کبیر پاکستان رادر قصر ریاست جمهوری برای تقدیم اعتماد نامه اش  
پذیرفته اند

دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که بهنگلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم رئیس دفتر ریاست جمهوری نیز حاضر بودند.  
بنگلی علی ارشد سفیر کبیر پاکستان در در قصر ریاست جمهوری تقدیم نوود.  
کابل ساعت یازده قبل از ظهر روز ۶ فوس درین موقع بنگلی و حید عبدالله معین اعتماد نامه اش را مطابق مراسم معمول سیاسی وزارت امور خارجه و بنگلی محمد اکبر



یا نکنوت ۵۰۰ افغانیگی به چندین می افتد

با انگلستان ۵۰۰ افغانی گی به چلند می‌افتد.  
وزارت املاک به تعقب ابلاغه قلم خوش

به اطلاع عموم هموطنان عزیز میرساند که  
دالفا نستان را نک علاوه بر بانکنوت های  
هزار افغانی، صد افغا نیکی، پنجاه افغا نیکی  
بیست افغا نیکی و ده افغا نیکی جمهوریت که  
بدوران چلنده قرار دارد بانکنوت نوع پنجصد  
افغا نیکی آرا که از نگاه رنگ و سایز  
و دیگر مشخصات با بانکنوت های سابقه  
متفاوت است و مزین به فوتوفی بنگالی رئیس  
دولت و موسس نظام جمهوری میباشد، تهیه  
و عنقریب در پیشوای دیگر بانکنوتها به دوران چلنده



بوت حدید پتحصہ افغانیگی کے مسودہ جلتہ قرار ہیگیرد۔

# جهان در هفت مارک گذشت

تیاهجی موافقه رسیدند.

دوشنبه ۴ قوس

در امراه طولانی دبودن یک طیاره مسافر بردار بر تابوی با آمادگی تونس مینی برداخت بناهندگی سیاسی به رایانه مکان طیاره مذکور خانمه یافتند.

مبارزین عربی که طیاره مسافر بردار بر تابوی را چند روز قبل اختطاف نموده و در

تونس طور گروگان آرا باست نشیان آن را برای اینکه آنها ملتی هستند. تایید کردند و خواهان باز گشت آنها به خانه وطن شان تونس در زمینه از طیاره خارج شدند.

خبر نکاران گفتند چار مبارز عربی در حالی از طیاره خارج کردند که سلاح و یا مواد منفجر با خود نداشتند.

سه شنبه ۵ قوس

کشتی طیاره بردار که به کامستانیشن موسوم است هر راه با مخرب دارای راکت های

رهبری شده آنجه را که مقامات امریکایی علیه آشناشی با آنها بین المللی خوانده است وارد خلیج کردند اند و تا کمتر از یکیلته در آنجا توقف خواهند داشت.

این کشتی با مخرب های هر آن قبل از تیریات قرای بحری سنتو در بحر هند حصه گرفته بودند این تطبیقات شامل طیارات و کشتی های امریکا، انگلستان، پاکستان، ترکیه، و ایران بودند و در ۱۹ نوامبر شروع شده بود.

چهار شنبه ۶ قوس

دکتر والد هایم سر هنر موسسه ملل متعدد مطابق یک اطلاع موافقه سوریه و اسرائیل را در بازه تهدید دوره خدمت شورای صلح ملل متعدد در جمهوری جولان حاصل کرده است.

والد هایم که اکنون در اسرائیل است قرار است در زمینه مذاکرات پیشتری انجام

داده و بعد بصر سفر کند و از آنجا به نیو یارک باز گردند.

تا حال اکنون بیانیه رسمی در زمینه انتشار داده نشده است اما تماشنه در بیت المقدس از قول منابع ملل متعدد و متابع اسرائیل گفت که صلاحیت کار قوای مذکور بدون قید و شرط تائشیمه دیگر تدبیخ خواهد

پنجشنبه ۷ قوس

قبس دیشب لندن را بزم آن تراک گردید کلت که قصد استغلال از مقام ریاست جمهوری قبرس راندارد.

موجه اوضاع در قبرس غلا آرام است اما مقامات ترکیه باعوادت میگاریوس شدیداً مخالفت کرده و اعلام کردند که این امر دوامر استقرار واستحکام مسلح کمک نمیکند.

شنبه ۲ قوس

مطلوبه ملیت خواهی مردم فلسطین دیشب

توسط موسسه ملل متعدد تائید گردیده و قرار است موسسه آزاد بخش ملت فلسطین در ملل متعدد موقف ناظر دائمی را احراز نماید.

جمعیت عمومی ملل متعدد دیشب بحث خود را در بازه فلسطین بعداز تصویب دو فیصله نامه

خاتمه داد.

درینکی ازین فیصله نامه ها حق مردم فلسطین را برای اینکه آنها ملتی هستند. تایید کردند و خواهان باز گشت آنها به خانه وطن شان تونس در زمینه از طیاره خارج شدند.

خبر نکاران گفتند چار مبارز عربی در حالی

از طیاره خارج کردند که سلاح و یا مواد منفجر با خود نداشتند.

شنبه ۳ قوس

رئیس جمهور فوره و بریزیف رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی امروز روی یک پیمان

هر بوط بمحدود گردن تعداد راکت های سترا

تیزیک ذریعی تعریض موافق شدند.

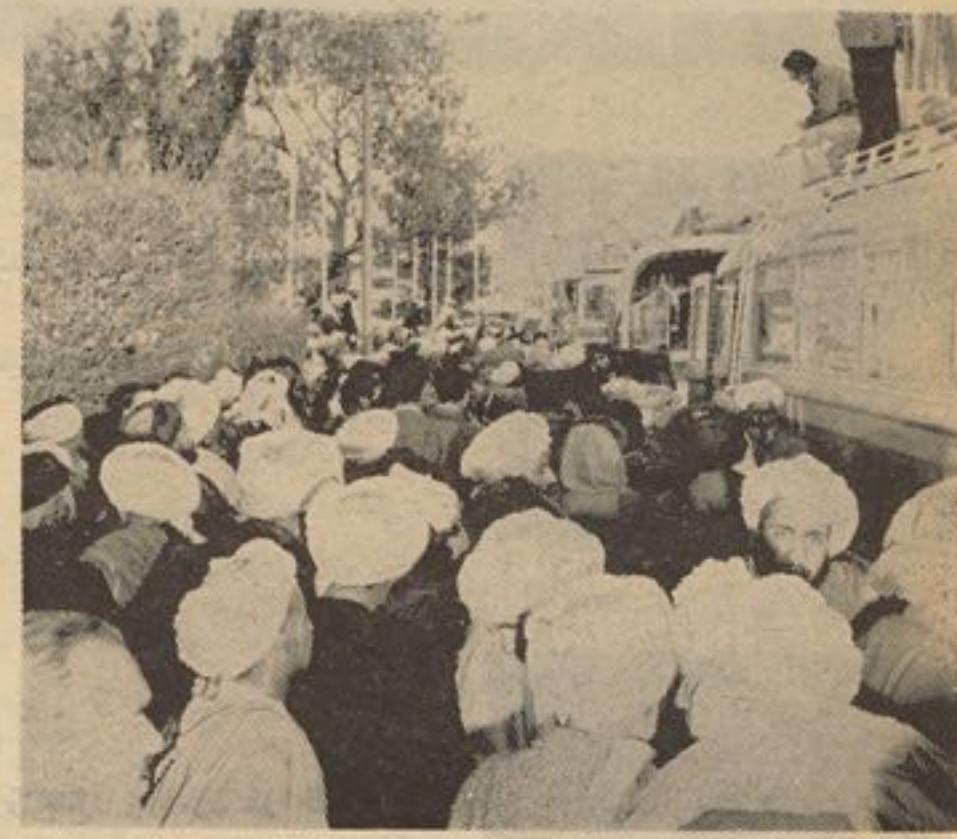
رادیوی بی بی سی بعداز ظهر امروز خبر داد که در حالیکه مذاکرات ولادی واستکروبه

پایان میروند کسینجر اعلام نمود که بالآخر هر

دو طرف روی تعداد راکت های سترا تیزیک

# نشرده اخبار کشور

عزیمت اولین کاروان حجاج افغانی  
به بیت الله شریف



اولین کاروان حجاج افغانی قبل از عزیمت جانب بیت الله شریف.

اولین کاروان حامل حجاج افغانی ساعت

هفت و نیم شام پنجشنبه ۷ قوس رسپسرا

بت الله شریف گردید.

درین کاروان هفت سرویس یکصد و سی

نفر حاجی رایه شمول هیات محی و اداری

اوکاف حمل نموده است.

قبل از عزیمت حجاج جانب مکه مظلمه

آیاتی چند از قرآن مجید فرانت شده دکتور

عبدالمجید و زیر عذر لیه و بنالله

سید حکیم اکمال رئیس عالی اوکاف

محبت باعافتیت رایه حجاج از بارگاه خداوند

پنجشنبه ۷ قوس

امسال پنج هزار حاجی از طریق فضا و

زمین عازم بیت الله شریف شوند.

یک مربع ریاست اوکاف گلستان: هشت

کاروان حجاج افغانی رایه بیت الله شریف

انتقال خواهد داد.

## اخبار جالب

بعد ازین از مصارف کموشکن عروسی  
در اندر خودداری بعمل خواهد آمد

بعداز این مصرف ازدواج در ولسوالی اندر

باشترک علماء و منورین تعین گردید تائمازدی

عاییکه قبل از صورت گرفته نیز باسas همین

ازده هزار افغانی تجاوز نکرده و از مصارف کمر

شکن عروسی خود داری بعمل می آید.

اهمی ولسوالی اندر از این فیصله با

فیصله شد که تحت ریاست حاجی محمد

کرمی استقبال نموده آمادگی شانرا برای

آصف والی غزنی به اشتراک علمای از علماء

علوم اسلامی از علمای اسلامی از علماء

ولایت غزنی اطلاع میدهد که قبل از مصارف

عمارت آن ولسوالی دایر شده بود.

عروسی در این ولسوالی به بیش از پنجاه

همجین در این جلسه یک کمیته هفت نفری هزار افغانی بالغ میگردید.

# مطہر عمد

## لیک شنگاره



اشتراک خارندویان افغانی در  
هفتمن جمیوری هند



میز هدایت زوندون در خدمت  
خانواده ها



امتحانات سالانه شاگردان مکاتب  
سرد سیر کشود شروع شد.



پیوگو سلاویا کی کلیوالی زوندون

# زوندون

شنبه ۹ قوس ۱۳۵۳ مطابق ۱۶ ذیقعدہ الحرام برابر ۳۰ نومبر ۱۹۷۴

## رسم و رواج‌های اضافی

افغانستان عزیز که از جمله کشورهای کمترین انکشاف یافته جهان محسوب میگردد به تلاش‌های پیشنهاد و همه جانبیه که سطح زندگی مردم ما را از حالت کنونی تغیر دهد ضرورت دارد. چون منشاء اصلی چنین تلاش‌ها دریک جامعه به مردم آن ارتباطمیگیرد از یعنی بر همه هاست که در راه پیشرفت و ارتقاء کشیده خوش از هیچگونه زحمت و عرق ریزی درین نکرده و نظام مردمی خود را در ایجاد یک جامعه مرفقه که آرامی اکثریت مردم ما دران تضمین شده بتواند یاری نماییم.

بادگر این مطلب نکته همیشه را نباید فراموش کرد که اکثر ممالک عقب مانده جهان در پهلوی سایر پرابلمهاییکه موافع در راه پیشرفت شان خلق نموده است بیک سلسله پرابلمهای اجتماعی نیز دو بروهستند که اگر جلو این پرابلمهاییکه گرفته نشود و اکثریت مردم در همچو جوامع با حکومات شان در راه چاره جویی چنین پرابلمهای همایی نمایند بدون شک فرقی که اکنون بین سطح زندگی مردم کشورهای پیشرفت و ندار وجود دارد بحال خود باقی خواهد ماند.

یکی ازین پرابلمهاییکه اکثر کشورهای عقب مانده بشمول افغانستان به آن مواجه است همانا پا بندی مردم از رسم و رواج‌های بیهوده است متناسبانه این مرض مهملک اجتماعی ریشه های عمیق خود را در جوامع مانند ما پیش نموده است.

طوریکه مشاهده میکنیم هنوز هم رسم و رواج‌های کهنه در میان مردم مانفوذ دارد. تقلید های کورکورانه از چنین رسم و رواج‌ها بدون درنظر داشت شرایط اقتصادی محیط ماساکنون شکل رقابت را بخود گرفته است. باز اینچنین رسم و رواج‌ها در مورد برگزاری محافل خوشی وسیع و چه در مورد مراسم تعزیه‌داری روز بروز سنتگیتر شده همیزد. در زمان صدارت رهبر انقلات مایک سلسله اقداماتی در راه تقلیل یافتن مصارف گزاف چنین رسم و رواج‌ها صورت گرفت اما متناسبانه چنین اقدامات در دهه اخیر دنبال نشد.

اکنون باروی کار آمدن نظاهم مردمی جمهوریت در کشور همانطوریکه در سایر رشته های حیاتی مردم ماتحولات مثبت رو نما گردیده است یقین کا مل داریم این هو وضع مهم نیز توجه دو لت جمهوری را بخود جلب خواهد کرد زیرا دوا ه چنین وضعی از نظر بنیاد اقتصاد خانواده و مسائل عاطفی هضر تمام میشود اما قبل از اینکه دو لت درین مورد اقدامی نماید باید مردم در قبول شرایط مطابق به خواسته های زمان اظهار آمادگی نمایند. در قدم او لباید قشر روش‌نگار و چیز فرم جامعه ما در جمیعت از بین بردن رسم و رواج‌های اضافی پیشا هنگ شوند. خوشبختانه این نوید هم میسر شده است زیرا در یکی از شماره های هفته گذشته روز نامه ها خبری داشتیم که مردم ولسوالی اندرونالیت غزنی بصورت داوطلبانه فیصله نموده اند که مصارف برگزاری محافل عروسی را به ده هزار افغانی تقلیل دهند که البته این خبر در اکثر حلقه ها به گر مجوشی استقبال شده است.

امیدواریم مردم دیگر ولایات کشور ما بشمول کابل ازین اقدام هفید پیروی کرده و بکوشند هرچه زود تر باز سنتگین مصارف اضافی برگزاری محافل خوشی و تعزیه‌داری سبک گردد.



# وقایع هم سیاسی هفته

از : کاظم

## فلسطینی‌ها در مبارزه خود برای احراق حقوق پیروزی بزرگ بدست اوردند

تصویب فیصله نامه‌های اخیر رای ممتنع داده اند نه کشور جامعه و مغلوب میکردد چنانچه همزمان مجبور بوده رای مخالف دهد ، رای اقتصادی اروپا نیز شامل میباشدند . با پیروزی فلسطینی‌ها در موسسه ادلات متحده امریکا قبل درین نخست از همه تعداد کشورهاییکه ملل متحده موسسه یونسکو در زمینه روشن گردیده است چه هنگام رای موافق داده اند مسلماً اکثریت کنفرانس عمومی سالانه خود فیصله میکه برسر موضوع اشتراک نماینده فلسطین در مجمع عمومی موسسه بوده عده زیاد آنها کشورهای روبه کرد که معاو تهای خود را بر ملل متحده رای گیری شد در آنوقت اکتشاف و جهان سوم اند . که این اسرائیل متوقف میسازدچه اسرائیل پیروزی را نه تنها به نفع موسسه در تغییر دادن خصوصیات فرهنگی آزادی فلسطین کمایی کرده اند بلکه و تاریخی شهر و مقامات مریوط خود شان هم بعیث یک قوت نیروی بیت المقدس به اعمالی دست میزند از خود رای مستقل ندارند بلکه کشور دیگر در مورد اکثر آنها نظریات و عقاید سیاسی این است که شاید در اخذ تصا میمی در آینده هم خود را تبارز دادند . چنانچه این امر ابراز رای و عقیده خود پرداخته شاید در این میانه هم در آینده هم مقابله گردیده است .

یکی ازین فیصله نامه‌ها از طرف ظاهر شود از جمله همین اکتوبر فیصله نامه‌های مجمع عمومی ملل بیست کشور عربی و هفده کشور مجمع عمومی ملل متحده راجع به متحده خوشی و رضا نیت خود را امثال آن ازین قبیل اند . واما راجع به آن نماینده گانی که ابراز کرد و وطی جلسه ایکه تحت چوکی کمیود یا بران موسسه بحث رای مستنکف داده اند مخصوصاً صادر و مذاکره می نماید با این معنی که ریاست یا سربرا فات رهبر آن که با ۸۹ رای موافق ، هشت رای عده‌ای در صدد آنندتا رژیم لون‌نول موسسه در دمشق صورت گرفت از ملل متحده خارج ساخته شده و در علاوه از ابراز خوشی و خرسندی مخالف و ۲۷ رای ممتنع به تصویب جامعه اقتصادی اروپا قابل تامل نماینده فلسطین در مجمع عمومی میتوانند رسماً حکومت کمیود یا یعنی طرفداران حکومت مستقلی از خود ترتیب و تشکیل جلدی وطن نوردم سپاه نوک رویکار خواند و علاوتا درین جلسه را جمع دهنده و علاوتا پاساں این فیصله آمده و کرسی کمیود یا را در آن به میانه حق حاکمیت ملی و تها میست موسسه اشغال نماید . شاید کشور فلسطین رای موافق دادند اما هنگام ارضی فلسطین تایید و تضمین شده هی جهان سوم درین مورد هم مذاکراتی صورت گرفت . رهبر رای گیری در مورد این دو فیصله نامه رای میاننده فلسطین در مجمع عمومی میتوانند دادند .

موقف خود را به نفع رژیم سپاه نوک موسسه آزادی فلسطین به سایر درینجا موضوع قابل تأمل این رهبران و زعمای مبارزان فلسطین تثبیت نمایند .

ازین مسائل که بکذریم با تصویب اخطار داد که از پروز جنگ دیگری است که نماینده گان نه کشور مذکور این فیصله نامه‌ها موسسه آزادی از طرف اسرائیل بر حذر باشند چه قبلاً اصرار داشتند که در مسوده فیصله نامه‌ها بعدی بالای مقامات فلسطین و نماینده کان مبارزی‌ترین فیصله نامه‌ها بحث و مسؤول اسرا نیلی تأثیر منفی نموده اسرا نیل نذکری بعمل آید ولی فلسطین بعد از این میتوانند وسیعاً مبارزه سیاسی خود را از طریق است که امکان دارد جنگ را آغاز چون چنین تذکاری داده نشده است آنها رای ممتنع دادند اما جالب این مجامع بین المللی دنبال گشته جهراه نمایند .

شان در بزرگترین موسسه جهانی راه و طریق آناییکه درباره فیصله است آن عده از اعضای جامعه باز شد و علاوتا در موسسات نامه‌های مربوط به فلسطین رای اقتصادی اروپا که در گذشته هم این هر دو فیصله نامه رای مخالف داده اند روشن و واضح است رای ممتنع داده بودند درین بار باز داده اند عبارت انداز اسرا نیل ، کشانید .

ایلات متحده امریکا ناروی، آسلیند، قابل مسرب است که هر چند مخالف و ممتنع داده اند .

بولیویا، چیلی، گوستاریکا و - بیشتر فلسطین‌ها به موقیت نایل نخست از همه اسرا نیل که موجودیت اسرا نیل در فیصله نامه اینکار اگوا و در جمله کشورهاییکه میشوند در مقابل اسرا نیل محکوم مخالف جدی و اساسی مساله است بقیه در صفحه ۶۲

# شاگردان در پشت میز

مکتب و تعلیم و تربیت از دامان خالیه واده و محوطه مکتب آغاز میگردد و بالاخره با مبارزه و بیکار باستختی های زندگی در اجتماع بحلو رانده میشود و باز تاب زندگی میگردد و همچنان به پیش در مسیر تحول قانو نهضتی اجتماع نازیخ را میسازد.

جوانان باحرکت طلب نمون و پیشنا زانه در ساختن تاریخ سوم میگیرند و هر حرکت و عمل شان از نظر تین بین و نقا دانه گردش سرخ تاریخ دور نمیماند - همراه بازیکه ما امروز از سازندگان تاریخ دیروز و شرایط سازندگی شان میامو زید - نکات بر جسته و بارز آن را باز تاب و برداشت می نماید همان انسان آینده کان نیز برگردان پندارما داوری و قضارت خواهد نمود.

نامقایسه شرایط ساخت سازندگان دیروزی تاریخ که رنجهای بیکران را تحمل گردهاند و برها که در شرایط یک تهدیت القابی جمهوری قرار داریم نیاید چنان اعممالی از ما سر برآید که نسلهای آینده بدان بنتظیر شک و تردید بینگرد و یامقایسه گذشته های دور پیش افکندگی بی مثالی و غفلت مشتم گردید.

سخنان های پر امون امتحان مکتب و امتحان زندگی کمی طولانی شد درین فکر واندیشه لغزیم که شاگردان از سر میز یکن دنیال دیگر بر می خیزند - عده بیا چهار کشند و عدد محدودی باقیانه های درهم و قشرده با همسایقا نش در

همانطوریکه خوانند گبان عزیز اصلاح دارند امتحانات سالانه مکاتب شهر کابل و دیگر مناطق سرد سیر بتأثیر ۲۷ عقرب آغاز یافت و لعلا در جریان دارد نامه تکار ها از یک عدد مکاتب نسوان دین نهود فرادر بود گزارش از جریان امتحانات تمام لیسه های نسوان اتبیه و تربیت نماید و ای جون اینکار حدت زیادی را دارد بر میگرفت و هم در جریان امتحانات باشگردان پیراهون درسها و بعضی موضوعات دیگر تبادل افکار نمودن گاریست دسوار سر برادر وزیر های امتحان که در واقع سر نوشته یکساله شاگردان را مینماید - متعلم باید با افکار منسجم و خاطر از امتحانات را میگذراند پادر تقریباً این مشکلات نامه تکار مادر باره امتحانات بعض موضوعات جالب با شاگردان یکی از لیسه های نسوان تعامل گرفته، و رای بود مفعلي ترتیب داد البته در شماره آینده راپور های امتحانات لیسه های پسران مطالعه خواهد گرد.

بعیت معلمان آن لیسه داخل میشویم .

شاگردان پاشتا بوعجله مشغول حل کردن سوالات امتحان سالانه هستند، یک عدم معلمین از شاگردان مراجعت مینمایند سهمه درد نیای حل کردن سوالات خود غرق هستند .

وقار و ممتازت خاصی در صنف حکمفر هاست سجنه امتحان محلی است که قلب شاگردان را در وقت امتحان سال دوبار به تپی الملاخه سخن بان آن را نموده و جریان خون را در شرایین شاگردان تین تربیت میکند .

ایست و شکوه پیش میز امتحان بالای شاگردان سال دو مرتبه سایه هایاند از سوی موقق گذشتن از امتحان - پیروزی انسان را در صحنه دشوار زندگی آینده تامین و تضمین مینماید .

ساعی هیئت صبح است سرهیار مکاتب میشوم . شاگردان پاشتاب و عجله جانب مکاتب شان روان هستند در قابله های شان هیجان و اضطراب بخصوصی مشاهده میشود .

به عمارت لیسه آمنه فدوی که در شاهنشاهی (علیه الرحمه) موقعیت دارد سر دیگر میشوم .

تمبر لیسه در همین اوخر نظریه پلان اکتشافی معارف در دوبلک دو طبقه و بطوریخته و کاتکریتی اعمار شده است سر داخل مجموعه مکتب شاگردان از یکسو بدیگر سو شتابزده را زیارت میکنند به یقین در راه ترقی و اعتلای فردای میگردند به یقین در راه ترقی و اعتلای فردای کشور تین پیروزی متدانه و مو فقانه گام های متدانه همای کامیابی را باشند کشیده کسانی اند که مسامع دامنه دار و بیگرید را بری آموزش و علم و دانش صرف نموده اند .

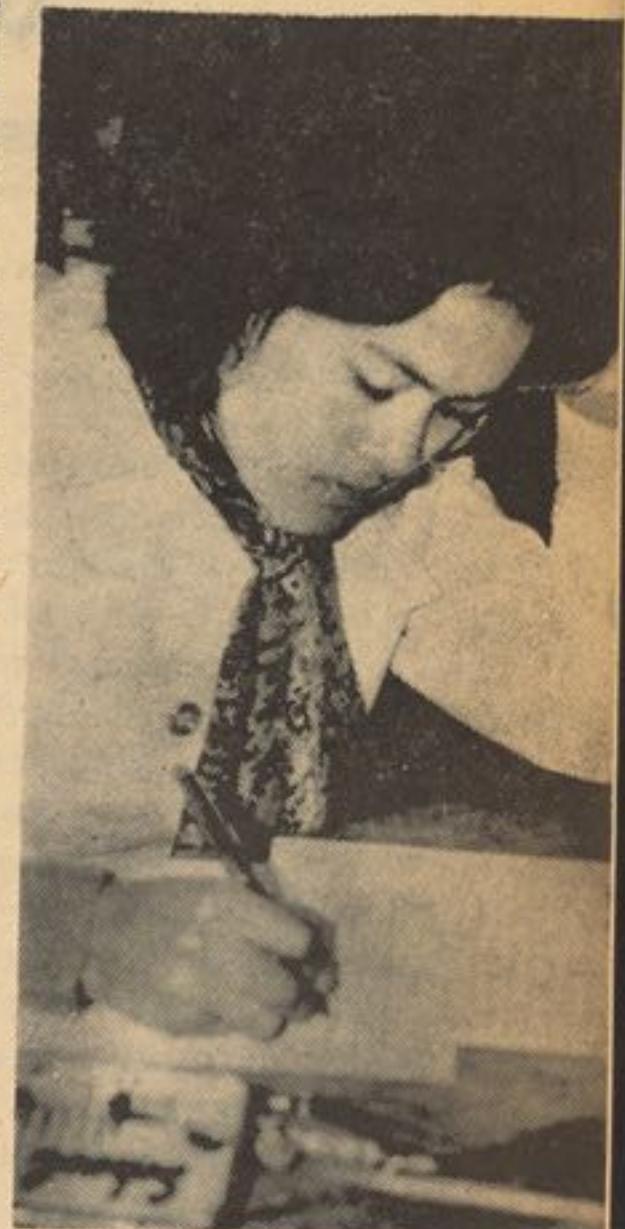
ساحه معرفت خویش را گسترش و فتحایسر معنو خویشتن را افزایش داده اند . البته موققیت و پیروزی همیشه با آنان بار خواهد بود .

جوایانیکه امروز در امتحانات مکتب پیروز را زیارت میکنند میکنم و منظور خویش را از تهیه گزارشی باطلع شان میرسانم معاونه مکتب بایدند مملکه دیگر یا مسیر یانی مرا همراهی مینمایند تا جریان امتحانات را از نزدیک مشاهده کنم .

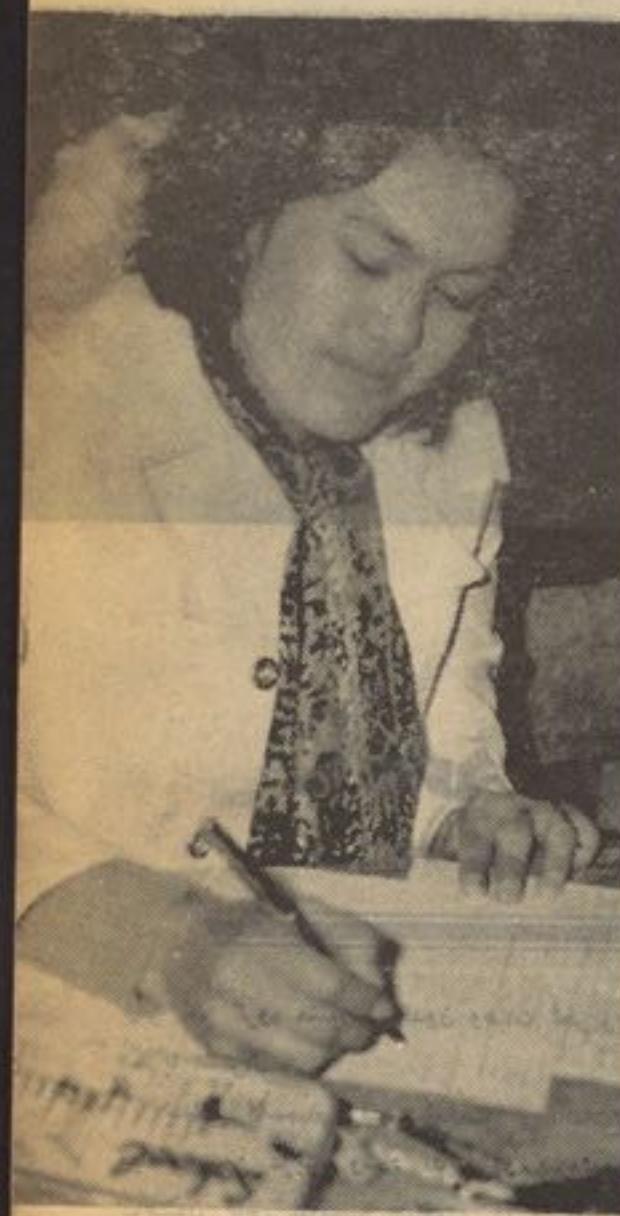
درینکی از صنف های لیسه آمنه فدوی شود در واقع وظایف و مسؤولیت های اجتماعی صفحه ۶



عدد از شاگردان قبل از ورود در صنف امتحان روی مشکلات درسی باهم تبادل نظر مینمایند .



# امتحانات سالانه



لیختن و تبسم دد چهره‌افن ظاهر شده  
و گویای آنست که ب محل سوال موفق  
گردیده است.

پیغمه ۶۲

تعیاذه اینست که در آوان امتحان دچار  
مشکلات نمیگردم \*  
درین بحث جالب نایک عده معلمین هم  
زیاد شد س صحبت هاهم پراگنه سدر ینصوت  
باد داشت گرفتن نیز مشکل است از آنان  
شان کادر بحث ها اشتران کرده بجوابی  
نظریات یکی از معلمین میشون ساختگش و  
مساعی شاگردانش را تحسین مینماید و از  
کوشش پیگیر شان در درس خواندن و گذشان  
موقوفه امتحانات با غرور خاصی اظهار رضایت  
مندی و خشنودی مینماید \*

شاگرد دیگر که قیافه محظوظ و معصومانه ای  
دارد شعرده در باره این سوال چنین حواب

من پاسخ دهنده بیک عده از معلمین نیز این  
متاظره را نهاده میگند هی بیشم که گیر و بار  
درین بحث جالب نایک عده معلمین هم  
باد داشت گرفتن نیز مشکل است از آنان  
میخواهم تالحظه در منطق پیشنهاده تسا  
سوالات من بالنوبه پاسخ بدهند در همان  
منف می شنیم به صحبت های خویش ادامه  
میدهیم \*

همه کسانی که به صحبت های ما دلچسپی  
و علاقه نشان داده بی صبرانه منتظر آند تام  
چکونه سوال رامطروح میسازم تا آنان جواب  
های لازم را از اله بدارند \*

سوال نخستین را تکرار میکنم از قیافه  
های شان چنین استنباط میشود که در هورد  
این سوال همه آمادگی گرفته اند یکی از آن  
میان بیشتر دشمن گردد میگوید :

سخن در درس خواندن روش مخصوصی  
برای خود دارم که البته همیشه کامیابی هم  
باید همراه است سهیجوقت در سهای روزانه  
که افکار شان فریب مظاهر زندگی را  
را برای روز های مایعه تعبیه کارم تاز آموختن  
خواهد داشت یه هنگل درس و آموزش مکتب در  
جهت گردن آن عاجز بماند در خانه درس را  
معز و عمن شان جایگیر استقرار پیدا میگند  
اینچین دختران و جوانان عوض رقابت مشروع  
که برای عده منظرانی هنرمندان ساخته بخش  
و تعریف ادامه میدهم که تا هنگام امتحان همان  
زمینه امتحان را در درسها مکتب و کسب علم را  
درس در ملزم نقش مینماید که البته بعد از  
دانش راهنمایی را اگرچه رفاقت های مود و دوست  
و موجه میگردند همچنانش میگردانند همان  
یکمین به مرور هیچ نقطه مبهم در نزد باقی  
و میتوانند این سهیجوقت میگویند تا این ساعت

باره چکونگی سوالات و اطمینان یافتن از حل  
درست سوالات داخل هذا کرو صحبت میشوند.  
و من هم موقع راعتمم شعرده به اولین شاگرد  
دیگر سر راهم قرار میگیرد سپس :

از چهاره خندان تان معلوم میشود که همه  
سوالات را درست حل کرد اید ?

بدون تأمل شتابزده میگوید :

- درست خدم زده اید سپس این هم  
- و الات را درست و صحیح حل میگردم سزیرا  
در طول یکسال زحمت کشیده ام در واقع  
یکسال عمرم دنبال آموختن همین درسها  
گذشته امیت .

اگر حل صحیح سوالات امتحان جیسره  
گذشت یکسال گرایهای زندگی ام را نمیگرد  
پیش وجدان خود سر از گند و خجل فیضدم  
چه رسید که با خانواده و همسرانم روز رو  
میشدم .

- از جواب منطقی وی خوش میاید - باز هم  
میپرسم :

آیا تمام هضامین را یهی نحو آموخته اید  
یا نهایا آمادگی تان روی مضمون امروز بود؟

- اگر من تمام درسها امسال را یهی  
ترتیب زمینه مختص - بخاطر آموختن بیشتر همین  
یکدرس اینقدر خوشحال و مسروز نمی بودم  
معلو مدار است که بالای همه هضامین تسلط  
کامل دارم سه گاه اسان بالای خود اعتماد  
و اطمینان نداشته باشد باید باید ادعای بیجاوردور  
از منطق نکند .

- هنگام میگه صحبت ماید ینجا میرسد  
متوجه میشوم که بیک عده شاگردان دیگر نیز  
اطراف هارا احاطه گردد و به همایه ما با  
علاوه اند خاصی دلچسپی گرفته اند .

متلمعه مورد نظر که امسن عزیزه است  
و فتن سخنا نش بینجا میرسد سری خود را  
بطرف همسنایش میگرداند سو آنان را شاهد  
رحمتگشی و لیاقتمنشان میدهد همه شاگردان  
دور و اطراف هارا بانکان دادن سر گفته وی را  
اصدیق مینمایند .

سر صحبت را با شاگردان دیگر باز میگیرد  
و میپرسم :

شما گفته میتوانید که ازان موقعيت و کامیابی  
یک شاگرد در چه نهفته است ؟

یکی از دیگری سیقت میجوید تا سوالات



درینجا شاگردان لیسه آریانا هنگام ورود در صفا دیده میشوند . عیجان و ذوق در چهره های شان بمشاهده میرسد .



تبیه و تنظیم: رؤوف راصع

# میز مدور زندون در خد

واکنون هدف زندون از دنبال نبودن این

باشد از رقابت های امیریه میگردد و موجب شده

بحث و تدویر میز مدور امروز بیشتر از آنکه

پخش شعار های فورمولی و کلیشه ای باشد

و تعزیز هر روز گرانتر و سنتگین تر گردد که

این است که نخست علم یابی نزدیک به ماقعیت از

دوم چنین وضعی جهاز نظر پسند اقتصاد

خانواده و چه از نظر مسائل عاطفی افسرار

زیادی یدنیال دارد و کانونهای خانوادگی دایا

چاره و پیشگیری آن با توجه به تمام شایطه ها و

شرایط خاص زندگی مردم مایه شکل بیشتر

دارد از روز افزون مواجه میگردد.

و آنچه بیشتر در این بحث جالب است اینکه

در این بحث ماروی قشر روشنگر تکیه

بیشتری خواهیم داشت و دلیل آن هم اینکه

داعیه مجادله باجذب متنی را دارد بیشتر در

گرداب این مشکلات می چرخد و در زندگی عینی

آن ساده تر و آسانتر خواهد بود از رخدنه کردن

در عقایدی که در طول قریبها اطاعت گردیده و

ناتوانی از عمل زیاد اجتماعی است.

امید و از این بحث مارا نتیجه بیشتر دو

بیشتر بادات جمع شما مورد تطبیق قرار

گرفته بتوالد اکنون صحبت را شناسایی کارم.

بنگاهی قاسیمار ساختکوی نخست مدعاوین

است. او بعد از اشاره کوتاهی به پیلوهای

نکام کوتاه به چگونگی مراسم عروسی

در هتل های هوجة اول، تبیه لباس های

گرانقیمت و رقابت برای تبیه وسائل مدون به

عنوان جیز یا مهریه های سنتگین و کفرشکن

در همین رده نبودی دارد از این قبل مصارف

و گرانخر جی ها.

درده قبیل از این در زمان تصدی صادرات

بنگاهی علی محمد بربالی مدیر مسول مجله بیشتر مربوط میگردد.

**زندون آزادگر جلسه است او میگوید:**

رهبر انقلاب مایا طرح یک پروگرام همه جانبه

ازدواج یک پدیده طبیعی است، پدیده ایکه

تلاتهای سوت گرفت که پرسم و رواجها

نم و دوام اجتماع را تضمین میکند از نظر

شرافی محدود گردد و اقتصاد خانواده هایی

من خانواده خوب می ازدواج خوب زاداردو

با توجه باین نکته که خانواده خود اجتماع

کوچک محسوب میگردد و چگونگی شرایط آن به

زیر نظر گروه مشورتی زندون و هیات تحریر  
با اشتراک :

بنگاهی قاسیمار رئیس تدقیق و مطالعات وزارت عدیه میرمن نماینده عباس هدیره

مجله میرمن عزیزه و شاد مدیر در میرمنتوونه بنگاهی طیف نائم تویسته استاد

یوهنتون کابل تایته فاضی در دیوان حقوق عامه و داکتر اسد الله حبیب تویسته  
و استاد یوهنتون کابل.

به نظرات :

علی محمد بربالی مدیر مسول و مریم محبوب اسری و ظاهره نوشین اعفای مسلکی

زندون

محل جلسه : سالون هوتل سین ند

در زمان تصدی صدارت رهبر انقلابها تلاش های بیگیری برای رسیده کن

ساختن عننه های مضر اجتماعی آغاز گردید و بعد دوام نیاورد

ازدواج خوب معنی خانواده خوب را دارد و خانواده خوب معنی اجتماع

خوب را.

تمام محافل عر و سر با یادگزار شود و هیچ خانواده حق

نداشته باشد از حد معینی بیشتر مشرف نماید.

بنگاهی علی محمد بربالی مدیر مسول مجله بیشتر مربوط میگردد.

**زندون آزادگر جلسه است او میگوید :**

متاسفانه همانطور ریکه آکاهی داریم

شوابط و قرارداد های اجتماعی و رسیده و اجهای

کبه و فرسوده که گاه در حد شرافی بودن لیز

قرار میگیرد در میان اقسام و گروههای متفاوت

هم بیشتر در خدمت خانواده ها باشد و محتوى

اجتماع مانند زاده و تقلید های کورانه

مقایل و سلسله بحث های همارا موضوع عاتی

بیشتر از آنکه تابع شرایط والتصاد خانواده

تشکیل دهد که بدلندگی عینی و والتمی مردم ما

باشند از آنکه تابع شرایط والتصاد خانواده

و بار مشکلات سبک تکرید.



# دست خانواده‌ها

گوناگون اجتماعی از شرایط خاص اقتصادی و  
فرهنگی مردم در طول زمان مایه می‌گیرد و در  
مجموع خود از تباطع نجیبی اش را در طول  
قریباً حفظ می‌کند.

فشر روشنگر نیز به همین دلیل که خارج

از شرایط زندگانی اجتماعی نیتواند زنده‌گشتن

قرار دادهای قبول شده اجتماعی را ناگزیر

یکی از عللی که کار مجادله باقراط ددهای

است بیدیرد فقط شکل فرم و روکش آرایه‌گیر

میدهد و متلا جای جاروی عادی را حرزندگی او

که هریک از این قرار دادها از مناسبات

لطفاً ورق بزنید.

یاد داشت این هفته برای خانواده‌های افغانستان

گروه مشورتی زوندون به همراهی عیات تحریر مجله در این هفته جلسه پرسش و پاسخ داشت که اجنبای بعث آرا ارزیابی و رسیدگی به نامه های وارد دردادهای درزینه مشکلات خانوادگی تشکیل میداد. جالب توجه این بود که اکثریت نویسنده‌گران و تنظیم کنندگان یاد داشت هاکه از گروههای متفاوت اجتماع نمایندگی می‌گردند بیشتر روی برآبلم حاد مصارف کمر شکن محلل عروسی هر اسم نکاح ورسم ودواجیه تعزیه مرگ و میر ها اشاره نموده واز ها خواسته بودند که یکبار دیگر این موضوع رادر مجله مطرح سازیم و با علت یابی عیش از مشکلات و بادرگی عیش تراز شرایط متفاوت زندگی مکروهی و شناخت انگیز موافقی بدجنبن گرایش‌ها طرق مجادله ای دا پیشنهاد نمایم تا مورد مطالعه و تحقیق شعب مربوط قرار گیرد. محتوی این نامه ها از آن جهت توجه گروه مشورتی زوندون را جلب نموده که هر هفته در تعداد آن افزایش می‌افکر و درخواست و انتظار خانواده‌ها در دوام این بعث‌الزونی می‌گرفت.

به همین دلیل بود که گروه مشورتی و هیأت تحریر بادر نظر داشت اینکه زوندون اینه زندگی مردم است و در خدمت مردم تصمیم گرفت یکبار دیگر پی‌رامون این مشکلات دستگمی در سلسله بعث‌های میز مددود صحبت نماید و درچار چوبه امکانات و شرایط موجود زمینه سازنده‌گی کانون های گرمتروسا لهر خانوادگی را ابراهیم آورد.

مالز فرد فرد شما دوستان مجله و خانواده‌های عزیزی که این مجله را از خود و در خدمت خود میدانند بخاطر محبت و صمیمت شما سپاس‌داریم و باز هم و عنده میدهیم گروه مشورتی ماهیم چنان گلشته در خدمت شما خواهد بود و در دل ها و یادداشت‌های شما با علاقه موردن مطالعه قرار خواهد گرفت.

صفحات خانوادگی زوندون نیز باطری جالبتر و محتوای امولانه تری به همین منظور دنیا خواهد شد.

دروتیقه شرعی نکاح تعهد گرفته شود که لباس عروسی از تکه وطنی باشد و از موسسه نسوان خریداری گردد قبول کنید که همراه باریش اولین قطرات اشک از چشم مرده‌دار لست مخارج کمر شکن نیز مقابل چشم‌ش قرار می‌گیرد و آن دو هش را دوچند آن می‌سازد.

امروز مردم ما بامیل و رغبت از قوانین اطاعت می‌کنند و دلیلش هم این است که میدانند این قوانین کاملاً به نفع شان است.

تبليغ از راه مساجد به منظور تغيير عنونه‌هایی که مسار اجتماعی دارد موثر ترین راه و روش است.

باید ثابت ساخته شود که خيلي عنونه‌ها ريشه هذ هبي ندارد.

مهریه زن در حقیقت تضمین است مالی برای زن دو مقابل حق امتیاز طلاق برای مرد.

منبوم بزر گتر و شرایط جامعتر دختر و پسر ماقرار میدهد، میتوان گفت که سازنده‌گی مینماید، برشاد است ما از این ارتباط خانوادگی و نحوه عاطلی آن روی اصل بیدیده باید عیشی تر باشد و علمی تر. اقتصاد استوار است و دوام مناسبات زن و شما از منهن خرافی نام گرفتید که در اقتصاد شوهر و چکر نکی آن در نحوه تربیت کودکان خانواده نقش اساسی دارد، این موضوع کاملاً و ساختمان عاطلی آنها نقش بارز و حساس دارد درست است ورسم و رواج‌های در میان خانواده واز همین جاست که ضرورت تأمین اقتصادی مایه مهایع است که از همان آغاز زندگی نو عمان آغاز تشکیل خانواده بیان می‌آید.

دور نمای مشکلات فراوانی را در پشم الماز

پیامهای کوشا

سالنی محترم م. از کابل

برای ها بسیار عجیب است و باور نکردنی  
نه جوانی بالا ۱۸ سال تحصیل و دیدگیری روش نظر کارانه  
باز هم سالها فقط و فقط به چشم انداخته  
بنده شد که یکروز اورا برای دیده است و  
سوای آن نه اورا من شناسید نه باو آمیزش  
دارد و نه هم به خصوصیت های او اشتراحت  
آقای محترم! عشق فقط نوعی عادت میتواند  
باشد و از جمیت دیگر نیز مولود یا کسلسله امیال  
و خواست های سرگوب شده و پر آورده تکثنه  
چرا شما باید شش سال تمام اساس زندگی  
خود را بخاطر یک جفت چشم سیاه و بقول خود  
نمایلکش درهم بپریزید و جرات روپر وشن  
باو و پا خواستگاری راند اشته باشید و چرا  
اکنون باید از یک بورس تحصیلی بخاطر  
او چشم بپوشید؟ شما در حقیقت با تلقین های  
خود اورا برای خودتان بزرگ ساخته اید،  
خوبی بختنی هم آنطور ایکه شما نوشه اید  
در وجود آن دختر خلاصه نمیگردد، بهتر  
است از تو مطالعه کنید و اگر باین نتیجه  
رسیدید که او قیتواند با شما توافق داشته باشد  
مردانه ازاو خواستگاری کنید. اگر جواب رده  
هم شنیدید متأثر نباشید چه آینده پیش دوی  
شما است و شما خود با گذشت هدت گمی به  
عشق آتشین امروز خود خواهید خنید از  
بورس خود استفاده کنید و موقوفانه بازگردید  
شایستگی شما تضمین موفقیت شمارا می  
نماید همین و پس، آن دیار تان.

بنagli معتبر ج ۰ ۴ . از خیرخواه  
نواب ها و پندار شاهنشاهی کوچکتر  
نقشی در زندگی آیینه شخص نداشت  
و حقیقت تجلی و تبارز یا نسلسله  
یادآور فراموش شده است که از  
خرود تبارز هیکندوشکل بیگرد،  
بخت رادوست دارید و تخصیلاتتان  
نمودم نموده اید بهتر است موضوع را  
خود در میان گذارید و اورا خواه  
را اخراج وقت داشته باشد یکروز شری هد  
ونهادن زند تشکر و خدا حلال

جغرافیا

داهی که درپیش دارید شهارا به تباہی  
میکشاند همین و پس «فراموش نکنید»  
تجابت و حیثیت دو عنصر اساسی شخصیت هر  
انسان است و اگر این دو عنصر بیازی گرفته  
شود، مغلن خاتمه شخصیت را ازارد توسعه خود  
انسان باراده شخص مشوره ها همین است  
اند یار تان •

اتخه ، شب جمعه شب چهل شب سال، عید  
ول و ۰۰۰ درینش چشمش فراز من گیرد و گاه  
اتفاق میافتد که غم تهیه بول جانگاه ترازلم  
صلن میشود من میگویم باید شکل تعزیه  
داری، بعد از مطالعاتی تنظیم قانونی بباید و مقرره  
های وضع خود را که با شرایط زندگی مساوی  
بیشتر داشته باشد امروز مردم به میل از  
قواین کشور اطاعت دارند و آنرا احترام  
میدارند و دلیلش هم اینکه حال خلاف گشته  
مردم اعتماد دارند و میدانند که قوانین و شایطه  
های قانونی به نفع شان است و همین است که  
تنظیم یک قانون مدنی هم در تشکیل خانواده بشكل  
سالم نقش ارزشمند دارد و بار عشكلاط مردم را  
سیک میگرداند .

بیشترها دوم من این است که مجله‌مردمی ویدون باید این گونه مسائل را در صحبت خود باقتراح گذارد تا صاحبینظر آن و آنایکه درز عینه مطالعاتی دارند به شکل گستردگی تر نظرات خود را بنویسند خایده این اقدام این سبب است که در موقع تدوین و انتظیم قانون خانواده و یا قوانین فرعی برای مراسم تکاح تعزیه و غیره میتواند از این نظرات استفاده گردد و در آن صورت معنی آنرا دارد که تمام گروه روشنفکر در تدوین قانون موثر بوده‌اند.

عزیزه رشداد :

من به تائید معرفته های آفای-قائمه‌یار میافزایم که در پیلوی تدوین قانون مدنی که صورت معرفته باشد مسائله تبلیغات و لزوم

من به تائید معرفته های آفای-قائمه‌یار  
می‌باخرازیم که در پیش‌لوی تدوین قانون مدنی که  
صورت معرفته باشد نساله تبلیغات و لزوم

آنرا نباید از یاد برد .  
تبليغات از راه راديسيو ، تبلیغات از راه  
مطبوعات ، تبلیغات از راه سینما و تیاترو و حتی  
تبليغات بوسیله گروپ های سیار در همه جا  
در شهر ، در ده در ولایت و حتی تبلیغات از  
داخل مساجد و آواز زبان و اعظام و شخصیت های  
که مورد احترام مردم قرار دارند یا که علت  
بزرگ نفوذ بیش از اندازه عرف های خرافی  
در میان مردم ماین است که بیشتر این عادات  
به غلط باعث گردید مذهبی مردم اختلاط با هم است  
و اکنون راه مجادله این نیز همین است به مردم  
کابت ساخته شود که بیشتر این عادات  
شان نه تنبا و چه مذهبی ندارد بلکه خد مذهبی  
نیز میباشد و به همین دلیل نیز مخصوصاً  
موسسه نسوان تبلیغات جامع اجتماعی را از  
طریق مساجد پیشنهاد نموده است که از  
مطالعه قرار دارد .

در سخنران شما اشاره  
موسسه نسوان در زمینه  
سهم موثر داشته است  
سالها است این کار را  
داده و در زمینه مطالعه  
صورت گرفته است.

ساغلی محترم م. ع دمن

از نظر من و با تجارت موسسه نسودن مشکلات مورد نظر شما در میان همه طبقات مردم علم است و با توجه پایین نکته که استفاده از رسانی‌های سمعی و بصری عام نیست و همه مردم

مطالعه و پژوهش در آن عقاید ها در میان طبقات ناهمگون جامعه و اقسام اجتماعی و سنجش در سوم و خرافات ناهمگون یک اهرالتزامی است.

جازوی بر قبی میگیرد و همین است که شرایط این عرف خارعات میتوانند زیر یک زندگی این گروه مشکل تر میگردد. فشار قانونی تغیر شکل دهنده مسروط باینکه

برای جایگزین ساختیق یاکنفرت بجای غرف تمام موسسات بزاروالی بتوسنه نسوان و دیگر راهی نیست جزو مطالعه بیگزیر خنثه غلل مطربرات ورادیویی کشور هم آهنگ باآن پیلان وانگزه هاو شناخت قطبی ساختخان اجتماعی مرتبی وضع نمایند ویگزینایه دنبالش گنتد . باهمه بعد هایش کهاین کاری است مشکل که یکنی از راههای مسکن کهاین مشکل ر آسان مسازد این است که دولت به همین احباب سالها تحقیق دا مینماید .

اما این بدان معنی نیست که شرایط موجود صورت اجازه انعقاد مخالف عروضی و نکاح را

حال خود باقی بماند وحدائق تلاش برای بصورت شب نشینی تهدید و تمام کلوب هاو اصلاح آن صورت نگیرد، همین اکنون از دور هوتل ها باوضع مقررات تازه در همین راه مکلف اختلاف نرین روستای کشنود تا شهر های گردنه جن در محدوده معین که تعداد هیجانات بزرگ ما و ولایات رسم و رواجها در میان نوع پذیرایی و مقدار مصارف در آن تعیین شده خانواره هانفوذ دارد که به هیچ وجه تعیتواند باشد دعوت هارا! نیز برای موتام اینگونه محاذ پسندیده باشد و این خاص یک گروه یا گشتر نیز عوض شب نشینی بشکل عصریه انقاد و یک طبقه لیست علم است هنگامی است و به پایان

شکل قرار دادهای قبول شده باشگال گونه درو تیله شرعی نکاح از ناکھین تمدید گون و متفاوت اختزام میگردد.

یک پیراهن غروری از شش تا دوازده هزار باشد و موسسه نسوان نیز شعبه خیاطی خود را  
افغانی فقط اجرت ۲۰۰ زمینگذاریم از قیمت فعال تر سازد تا پس کوته لباس هارا بسے  
سر سام آور نکه ها یک شب نشیمنی ساده‌هار قیمت ارقان و به شکل خوش دوخت و مطابق  
۲۰ تاجپیل هزار افغانی خرج دارد که برای مدتبه نماید در موضوع مراسم تعزیه باید  
اکتریت مردم مارخانواده های ماغیر قابل تحمل بگویند و سع طوری است که همراه باریزش  
است و اجتناب از آن نیز اگر نمیتوانند اولین فطرت استک از چشم مرده دار ناگفته  
لست مصارف کمر شکن تمیزیه داری مشکل خواهد بود.



میرمن نفیسه عباسی و عزیزه رشاد منتظر هستند تاسخنان شانرا ۴ برآور نهایتند.

نمیتوانند از آن بپرسه گیرند فقط تنویر از راه  
بلیغ نمیتواند موثر باشد مگر اینکه نخست  
تنظیم قانونی یابد و بعد تبلیغ از راه جسم  
وسایل ارتباط جمعی و همانطور یکه گفتیم از  
راه مساجد نیز عملی گردد دوام یابد و در نوع  
و تأثیر تبلیغات تحقیق گردد.

#### نقیسه عباسی :

هر یک از عادات و عرف های که در میان مردم  
درایج است و شما از آن نام گرفتید نمیتواند  
به تنهایی به حیث یک پرونده جدا اورده مطالعه  
قرار گیرد مگر آنکه دیشه های تاریخی آن  
مورد ارزیابی قرار گیرد و مخصوصاً رابطه  
اقتصادی آن کشف گردد هیچ یک از این همه  
سنت بحال خودبخودی درشون زندگی هردم  
راه نیافته است یه عنوان مثال اشاره  
میکنم به لزوم مهربه های سنجکن و خارج از



اشتراک گفندگان مجلس به بسیار دقت و توجه به صحبت های جالب موضوع مصارف اضافی مراسم خوشی و تعزیه داری گوش فرا  
میدارند.

امروز ساز بدانستن قانونی مترقبی در زمینه  
درایط موجود و با توجه به عیشه های اصلی  
سنت در میان مردم مانیتوان بصورت مشخص  
طرح و بایشیداد را از آن نمود که با بکار  
برنامه میتوانند هم به جرات ازدواج نمایند  
هم به جرات بپرسند.

میتوان سنت ورسم و رواج های را که بارز نمیگی  
مردم ماست بدو گونه توجیح نمود یک بخش  
از این سنت باز آن دیشه هردم ماست و بخش  
دیگر آن باز اقتصاد نامیتواند ما مهو هات و  
سنت خرافی که حاکم آن دیشه ماسته آن دلایل  
در بر گیر خطرات کمتری برای اجتماع است  
در حالیکه نقش اساسی را در یک غلبه بر اجتماع  
بازی میکنند و بالا قل جلو خیلی از انکشافات  
نهنی و عینی را بدند می آیدند.

باقیه در صفحه ۵۵

زن در مقابل حق امتیاز مطلق برای مرد گفون  
بنی نیز ازان حق برخورد از گردد لزوم مهربه  
های سنجکن نمی ماند تمام سنت های دیگر را  
نمی بخواهیم شکل میتوان از اساس آن تغیر داد  
اسد الله حبیب :

میتوان سنت ورسم و رواج های را که بارز نمیگی  
مردم ماست بدو گونه توجیح نمود یک بخش  
از این سنت باز آن دیشه هردم ماست و بخش  
دیگر آن باز اقتصاد نامیتواند ما مهو هات و  
سنت خرافی که حاکم آن دیشه ماسته آن دلایل  
در بر گیر خطرات کمتری برای اجتماع است  
در حالیکه نقش اساسی را در یک غلبه بر اجتماع  
بازی میکنند و بالا قل جلو خیلی از انکشافات  
نهنی و عینی را بدند می آیدند.

آن تدوین یک قانون مترقبی را که بآبسطهای  
قانونی تطبیق سر تامی آن ممکن باشد در  
پیش از تبلیغات گسترده تراز این که  
هست توسعه همه شبکه های مطبوع عاتی کشور  
و مخصوصاً نقشگری های میار مطلع و تبلیغات

گسترده از طریق مساجد را بیشتر در این  
داد های اجتماعی کشیده شده است. برای  
دختر مهربه طلب میگردد تامرد با استفاده  
از امتیازات حقوقی خود نتواند آسان از زندگان  
که بود.

گردد و زن آسانتر زندگی این بیاد رود.  
به عنوان ترتیب هر یک از سنت های دیگر  
پایه اقتصادی دارد و در چگونگی شرایط خاص  
اقتصادی جامعه خلاصه میگردد برای همین  
است که تا شرایط زندگی باز سازی و نسخه  
سازی نگردد و تا امکانات تازه جایگزین  
امکانات قبلی نگردد نمیتوان عادات مردم را در  
مهربه زن در حالت تضمیم است مالی برای

## در سو اشیب اشتباه

### گروه محترم مشورتی زوندون!

این نامه را دختری برایتان میگاردم که در سپاهه دم بهار زندگی برگزین آرزو هایش  
الغاز گر انجامد همیشگی است که شادی های خیالی را از او میگیرد و سرایشیب تنی که  
تابیت هایت زندگی از دوام میباشد، بدروه عایز زرف و سیاه غم های ابدی آشناش میکند.  
اکنون که من این فریب خورده سرایهای کویر گسترده زندگی این غمنامه را برای شما  
نتیجه میکنم، بار کشنده اند و هم بی پایان در قلبم چنگ میزند و فشناد آن احساس گرم  
و داغی را که زمستان جاویداش را لغاز نموده است به بازی میگیرد. در حالیکه لبغند است هر ز  
آمیز گزشته های نه چندان دور قصه بادی را می خواند که بیاد رفته و جز ندام و افسوس  
از خود بچای یکداشته است.

نمیدانم شما - شما گروه محترم مشورتی زوندون بدنختر جوان که الفسون مردی او را راه  
دبار نا آشنای پدیده عاطلی بنام عشق نموده و بعد ناگهان دو یافته است که آن همه انسانه  
های پر شور از سرگشتن های بی ایشی که در گوشش فرو خواهه شده جز فریب و دروغ  
و نیز تگ تبوده چه گفتنی ای خواهید داشت و قضاوت شما دد این ماجرا و حادثه چگونه  
خواهد بود؟

ولی من آنروز که باین مرد رو برو شدم و جادوی کلام و شخصیت گذایی او بدهم کشیدم،  
با هر سخن او، با هر تoid او و با هر ترسیم هادرانه او از آینده، اتفاق روش و تابانگی از  
روز های خوش ویگانه از اندوه در چشم اندام نش می بست و من عشق دا کلیست  
طلایی تعبیر میکردم که دروازه کانون گرم و لبریز از محبت زندگی خانوادگی با آن  
گشوده میگردد و من با گرمی احساس خوداین کانون و دادلی بیرون و خواستی تو میسالم.

در تدوین یک قانون مترقبی پاساں شما

اسلامی و مدنی حقوق زیادی را برای بقای

خانواده و اجتماع زن و اکدار خواهد گردید و

از همین جاست که اساس مناسبان اجتماعی

است که تا شرایط زندگی باز سازی و نسخه

سازی نگردد و تا امکانات تازه جایگزین

امکانات قبلی نگردد نمیتوان عادات مردم را در

مهربه زن در حالت تضمیم است مالی برای

دریگری قرار داده امروز این شرایط در

مهربه زن در حالت تضمیم است مالی برای



بانگلی قا سپهار حین صحبت در مورد جلوگیری از مصارف اضافی عروسی و امثال آن



عده‌ای از شاگردان در هیز پروگرام جوانان پسرا مونه موضوع مورد بحث، نظریات شان را ابراز میدارند.

عکس‌ها از- ظاهر

از- سلطانعلی دانشور

# پروگرام دنیای جوانان

پروگرام حتی المقدور بکوشید تا

همچنان رادیو افغانستان پروگرامی تنوع، نوآوری و دلچسبی مطالب برای جوانان دارد که در هفته و موسیقی مراعات گردد تا سیل انتقادات متوجه اش نشود، زیرا یکمرتبه انتشار می‌باید. درین گزارش شمارا باطرز نشرات شنوندگان مشکل پسته و سخت این پروگرام آشنا می‌سازیم.

پرو دیو سر سازنده اصلی و مطالب و مواد پروگرام باید تو سط

مسوول درجه اول یک پروگرام پرو دیو سر حداقل یک هفته قبل

می‌باشد. پرو دیو سر رول بارز و از تاریخ نشر تهیه و ترتیب گردد و

عمده‌ای در تنوع و دلچسبی پروگرام از لحظه

دارد، پرو دیو سر مکلف است کیفیت و کیفیت باید از هفته پیش

مطلوب پروگرام را تهیه نماید، در بهتر و خوبتر باشد. مصاحبہ عا

نوشتن مضامین و تهیه آن ذوق و وزابور تازه‌ها نیز بدین منوال می‌باشد.

نداشته باشد، مبتکر باشد و در هر و تهیه شده، باشد.

ژوندون

مقدمه بی پر این گزارش: در حساسترین لحظات تاریخی با

جوانان یعنی نیروی پیشنا هنگ و اینبار و جانبازی شجاعانه ای از میهن دورانساز یک جامعه نیرویی که خود دفاع - پاسداری و صیانت نموده

اهمیت عمل و پر اتیک آنها از لحظه اند درس بزرگی که ما امروز از خود گذری آنان می‌گیریم قوت قلب

تائیر مثبت پرسوئنات مختلف اجتماعی از هر لحظه ارزش دارد و مستر گ

بیشتر و احساس توانایی بهتر بما می‌بخشد و رهتمون ما بسوی آینده است.

جوانان دو شا دوش اجتماعی تابناک است . . .

در رمجله ژوئن صفحه‌ای درادوار مختلف تاریخ بمنابع

نیروی پیشناز مترقی و پیشگنده کار اختصاصی برای طبقه جوانان پیش رو

نامه‌های عظیمی از خود بجا گذارده داریم که دران به نیاز مند یهای اند. پیکار بی امان و دامنه دار آنها

در برابر تهاجم استعمار گران‌اجنبی زمان شان، بخواسته‌ها، ازمانها و مشکلات جوانان نوشتند، اندزه‌ها

و در مقابل نیروهای متخصص و اشغالگر بیگانه با حرف درشت ثبت خود جوانان نیز عملاً سهم فعال

تاریخ پرافتخار کشوند است آنان

حالا میرویم بسراح پر و گرام  
جوانان رادیو افغانستان که بنام  
پر و گرام ( دنیای جوانان ) شام روز  
های چهار شنبه از ساعت ۹ تا ۱۰  
شب منتشر میشود . این پر و گرام  
به مدیریت تربیوی اداره روزنامه  
رادیو افغانستان مربوط است .  
این پر و گرام درین اواخر نظر  
بعلاقمندی و استقبال جوانان از نیم  
ساعت بیکساعت تحول یافته و  
گنجایش مواد و مطالب بیشتر  
و موسيقی زیاد تر را بینا کرده است  
که محتوى آن نیز برای جوانان  
آموزنده و سرگرم کننده میباشد .  
درین پر و گرام بسیاری از مشکلات  
و نیازمندی جوانان انگشت گذاشته  
میشود و هم جوانان رامنوجه و ظایف  
سنگین و خطیر شان که نسبت  
بگذشته در برابر اجتماع مسود لیست  
عظیمی بعده دارد ، میسازد .

بنگاهی فریاد پر دیو سر پر و گرام  
جوانان است .

در اتاق کارش یک عده جوانان  
مصطفوف صحبت هستند ، یقین دارم  
که در پر و گرام خود شان مسهم  
دارند ، جای نشستن در اتاق موجود  
نیست ، دهن کلکین می نشینم ، از  
یکرنگی و صمیمیت جوانان احسان  
شادمانی و غرور بمن دست میدهد .  
بعد از چند لحظه واضح میشود که  
آنها بدعوت پر دیو سر پر و گرام  
دنیای جوانان جهت اشتراك در میز  
گرد ، آمده اند تا پیرامون از هانها  
(طفا ورق بزنید)



متعدد جوانی که مقاله اش را از طریق (مکروفون) پر و گرام جوانان) قرانست  
میخواهد .

پر دیو سر هنکا میکه مساد  
پر و گرام را تهیه نمود و آن را  
منسجم ساخت ، جهت اصلاح ، تدقیق  
و بررسی به آمرین مسؤول شعب  
خویش میسپارد تا از لحاظ نوعیت  
مواد و پالیسی نشراتی ارزیابی گردد  
البته مواد بدون امضاء آمر مسؤول  
ثبت و نشر شده نمیتواند . بعد از  
تحقیق و ارزیابی و امضاء آمر اداره ،  
مواد پر و گرام آمده ثبت میشود  
درین وقت پر دیو سر با مواد  
پر و گرام و پارچه های انتخابی  
موسیقی که آنهم باساس یک  
سیستم معین از طرف اداره موسیقی  
تعیین میشود جهت ثبت ر هسپار  
ستودیو مربوط میگردد ، وقت و زمان  
ثبت هر پر و گرام باساس تقسیم  
اوقات معین و معلوم است .

نظافتیکه مواد پر و گرام را قرانست  
مینمایند باید بیش از همه دقیق  
و سعی بخرج دهنده تا مواد پر و گرام  
صحیح ، کلمات و جملات رادرست  
تلفظ و ادا نمایند . تکنیشن های که  
مسوول ثبت پر و گرام است ، تا حد  
نهایی میکوشند که ثبت پر و گرام  
بدون نقص و عیب تختیکی پر و گرام  
قیته ها ثبت شود ، تادر ارز یا بسی  
نهایی که توسط اداره مسؤول  
پر و گرامها صورت میگیرد ، انتقا دی  
متوجه آنان نکردد . از طرف اداره  
پر و گرامها قیته تیپ پر و گرام  
درین امواج رادیو میشنویم بعد از پر و گرام از خود همکارانی داردودر  
طی هر احل بالا انتشار میباید ، حالا یک پر و گرام چندین نفر سه  
یک روز قبل جهت نشر بشعب نشر  
بخوبی بی برده اید که پر و گرام چکونه میگیرند تا آمده ثبت و نشر میگردد .  
سپرده میشود .

# ت در خدمت جوانان

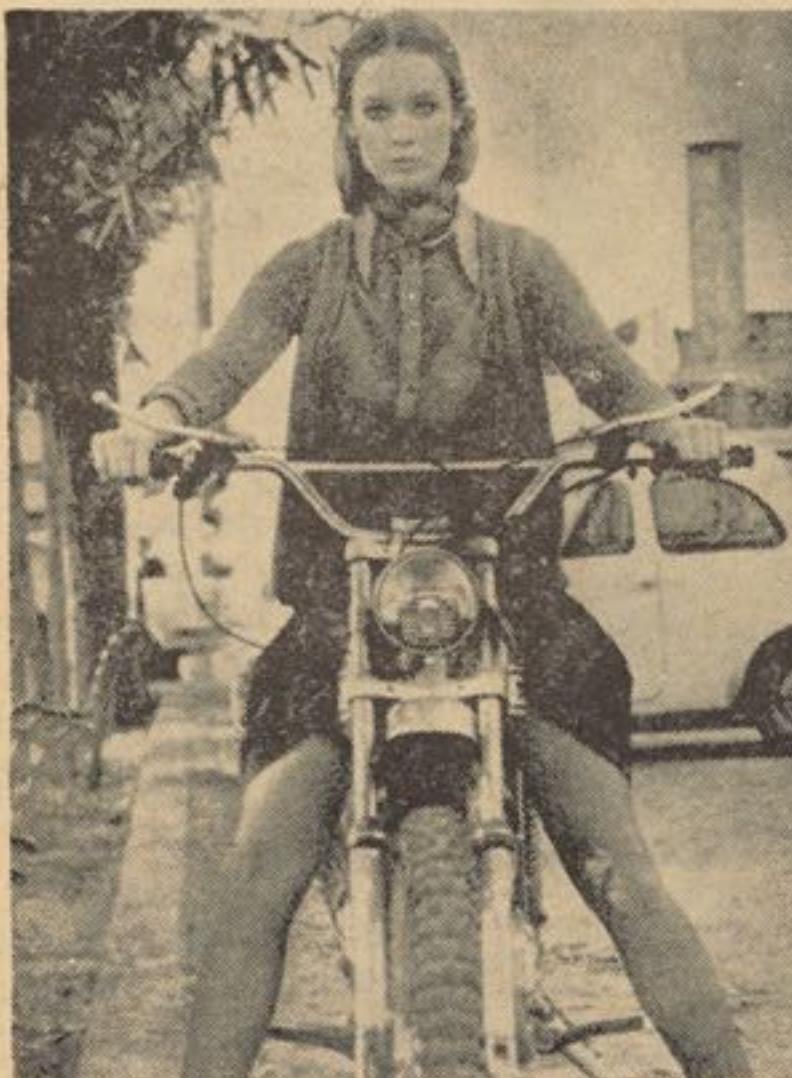


عنایت شریف ورشاد بهتر نظافان دری و بنیتو پر و گرام جوانان  
صفحه ۱۳



مامور فنی ستديو در حوال ثبت پر و گرام جوانان

# ستار گان افسانه‌ساز



کا میلا کا تون به موانع غالبے حاصل کرد واکنون مصروف کارهنجی خود میباشد



بار بارا هنگام خمیر کرد ن  
هنمند ییکه نان پزی میکند:  
«بازار با راروتنیک «ستاره فلم  
وتیاتر و تلویزیون آلمان که چهل و  
هفت سال از عمرش میگذرد و نام و  
عنوانی در جهان هنر حاصل کرده  
اخیراً برای اینکه ثابت نموده باشد



بار بارا وقتیکه نان های پخته رابه مشتریان عرضه میکند

از جهان مود بسوی سینما: بدایره سینما دراز کم و خودم تعجب میکیم که چگونه و بیک بارگی و سه ساله که مدت‌ها بحیث فوتو تصمیم و اراده ام در این مورد مدل کار میکرد و از این رهگذر متزلزل وعقیده ثابت من آنا عرض شبرانی هم بدست آورده بود اخیراً شد و نقش کوچک یک فلم را بعده از کار و بارش خسته شده و بسوی گرفتم و حالا که چنین شده است هنر پیشگی روی آورده است. مخالفت زامه از والدین در یافته «کامیلا» که خواهر زاده بوستر. داشته ام که باید جدا از شرکت در کیتون (کمپین مشبور سینما) فلم ها اجتناب نمایم. اما خودم در امریکا میباشد، بعد از یک سال برابر این موضوع دو گانه تکلیف زندگی در هیاهوی شهر روم بالاخره خود را نا معین میخواندم ولی بالاخره موفق شد در فلم (برای خوشبختی فیصله کردم که ایتا لیا وطن دومی عده گیرد که بعداز نمایش فلم موفق من است، اینجا در س گرفته ام و او چه باید کرد) نقش کوچکی را به پرگترين راه تبارز را در ساحه هنر از آب در آمد و پروردیوس فلم) موجود بی اصافی خواهد بود که در روز انو برآمی که از این مدارک بول بر تو استعداد خود برای ایتالیا و قابل توجهی بدست آورد در مورد (کامیلا) اظهار نظر کرد که او می تواند مثل نامايش مشبور شود. (کامیلا) در حال حاضر قرار داد برای اینکه استعداد او درخشان و سه فلم را در روم امضاء نموده تا دیده شود از آن چه نتیجه بی به گیرنده است. (کامیلا) طی یک مصاحبه کوتاه دست میاورد.

گفته است: تصمیم نداشتیم بای

از «ویتوریا» آخرین یاد گاره‌نری

که باقی مانده همانا فلم (مسافرت) است که در آن ریچارد برتسون دوفیا لورن نقش‌های اول را بدوسش دارند.

دنیای سر کس و بازی هفت ساله:

از عرصه یک سال و نیم با اینطرف «کاتی رو برس» طفل هفت ساله عمواره در بازی‌ها و نمایش‌های سر کس در خشن بخصوص داشته و غالباً با چهار فیل بزرگ توجه اکثریت بینندگان را بسوی خود جلب می‌نماید.

نام‌های این فیلم‌ها «جیتی، آنی ابیکا و مویرین» است که وزن هر چهار آن بصورت عمومی به ده تن می‌رسد و هر یک آن بین هفت تا سه سال عمر دارند.

«کاتی» طفلک کوچک انگلیسی در بازی‌های سر کس بقدر با این فیل‌ها به جرئت بازی می‌کند که فکر می‌شود او با گدی‌های خود مصروف بازی است.

گفته شده «کاتی» و یکی از فیل‌های ومصروف بازی در یک فلم انگلیسی است که ظاهراً برای اطفال تهیه‌می‌شود اما ناظران اظهار عقیده کردند که بازی‌های دلچسب «کاتی» جای آنرا دارد که فلم مورد دلچسبی و علاقه خاص بزرگ سالان هم واقع شود.

در آذربایجان دائر گتر شدند:

«ناصر خان» برادر دلیپ کمار که یکی از هنر پیشگان موفق و مشهور سینمای هند بود چندی قبل در ایران یک بیماری کوتاه جسم از جهان پوشید که در ایران این سا نجده صدمه بزرگی به صحت دلیپ کمار عاید شد و مدتی در شفاخانه شامل بستر گردید ناصر خان تقریباً بیست سال در سینمای هند بعیت ستاره درخشش داشت در چهل و پنج فیلم بعیت هیرو و ظاهر شده بود که از فلم‌های مشهور اویی توان نگینه خزانه، هنگامه ناز نین، جهانی لوترا، گنگا جمنا و یادون کی برای را نام برد.

«بیکم پارا» خانم‌شکه روز گاری از ستاره‌های معروف سینما بود اخیراً گفته است لو آرزوی ناصر خان شوهرش را بوره خواهد کرد و از این‌رو کار دائز کت فلم را به (سلطان احمد) برادر سایرہ بانو سرده تا باین وسیله بتواند فلم را تکمیل نماید.

ولی مادر هم آنرا نیز نیافت.

این اواخر تازه ترین اخبار میرساند که باقی مانده همانا فلم (مسافرت) است که هم‌وقتی برای تهیه فلم «جرس» به لندن رفته بود با جوانی بنام سوفیا لورن نقش‌های اول را بدوسش دارند.

آن دو توافق‌های هم حاصل شده است. مادر هم گفته است: امور قطع افواهات نا درست حاضر شده به ازدواج هم‌بارما جکروتی رضائیت بددهد.

### یک ضایعه هنری:

چندی قبل یکی از زیستوران نامدار جهان (ویتور یا دیسکا) که شهرت بین‌المللی را صاحب بود

بصورت ناگهانی بعمر هفتاد و سه نموده باشد از این جمهور خود ش خمیر میکند و بعد از این که این رهگذر مطمین شد خودش بست خود آنرا بفروش میرساند که تجربه چندین ماهه نشان میدهد نان های او علاوه‌قندان زیادی را بخود جلب نموده و ممکن است از این رهگذر بقدرتی بول بست بیاورد که کمتر از حق الرحمه فلم‌ها نباشد.

### هما مالینی در دایره ازدواج:

شایعات فراوانی بی‌امون ارتباط همامالینی با چتندر و دهرمندر و قسم ازدواج این ستاره با همین هنر پیشگان موجود است یکی از نزدیکان همایابیک خبر نگار گفته است.

دهرمندر بی‌ادر عیما پیشنهاد نموده که حاضر است تمام بول و دارائی و حتی خانه و مایملک خود را رسماً بنام عیما کند در صورتیکه اجازه دهد با او عروسی نماید.

مکر مادر هما چون میداند دهرمندر قبل ازدواج نموده و قعلاً بدر چهار طفل است باین پیشنهاد موافق است نکرد همچنان جتندر حاضر شد از نامزدش صرف نظر گند و هر چه

«ویتوریا» گذشته از هنر پیشگانی و ایفای نقش‌های برآزندگی کمدی در جهان سینما بعیت تهیه گشته، و دائز کنروايد یتور و حتی سناریوی نقش نهایت مشت و فعالی در بادی سینمای ایتالیا داشت که این خصوصیت فقط محدود و منحصر به سینمای ایتالیا نماید و از آنچه به قاره اروپا و امریکا نیز انتشار یافته است که بیوهین ملحوظ او را هنرمند بین‌المللی می‌گفتند و او هم بعیت یک هنرمند شناخته شده جهان در خشن عظیمی در سینما گرد.

«ویتوریا» جوان متعدد بست آورده که از جمله این جوان چایزه و پردویس فلم «ضدی» را شروع اسکار پرایش افتخار آفرین و دلچسب نموده که امور دائز گشتن را نیز بود که در طول عمر هنری اش سه خودش ایفا می‌کرد هنوز فلم نیمه شماره نیز نشده بود که اجل مهلتش نداد و است.

### هما مالینی

کاتی رو برس دختر ۷ هفت ساله با فیل‌های سرکس بازی‌های حیرت انگیزی را انجام میدهد.

آرزوی دائز کتر شدن را با خود بکورستان برد.

«بیکم پارا» خانم‌شکه روز گاری از ستاره‌های معروف سینما بود اخیراً گفته است لو آرزوی ناصر خان شوهرش را بوره خواهد کرد و از این‌رو کار دائز کت فلم را به (سلطان احمد) برادر سایرہ بانو سرده تا باین وسیله بتواند فلم را تکمیل نماید.

که استعدادش صرف در بادی هنر داشته هنر نمایی محدود نیست دست بیک ابتکار زده است و این اینکه خودش شخصاً نان پزی می‌کند و نان های نهایت لذیذ و با سلیقه تهیه و بدسترس علاوه‌قندان می‌نماید.

او بیک خبر نگار گفته است: امور موسیقی نان پزی متعلق نان پزی را شخصاً خودش انجام میدهد. او نمیخواهد ذوق و علاوه‌قندان خود را بددهد.

یک ضایعه هنری: چندی قبل یکی از زیستوران نامدار جهان (ویتور یا دیسکا) که شیرت بین‌المللی را صاحب بود بصورت ناگهانی بعمر هفتاد و سه نموده باشد از این جمهور خود ش خمیر میکند و بعد از این که این رهگذر مطمین شد خودش بست خود آنرا بفروش میرساند که تجربه چندین ماهه نشان میدهد نان های او علاوه‌قندان زیادی را بخود جلب نموده و ممکن است از این رهگذر بقدرتی بول بست بیاورد که کمتر از حق الرحمه فلم‌ها نباشد.

### هما مالینی در دایره ازدواج:

شایعات فراوانی بی‌امون ارتباط همامالینی با چتندر و دهرمندر و قسم ازدواج این ستاره با همین هنر پیشگان موجود است یکی از نزدیکان همایابیک خبر نگار گفته است.

دهرمندر بی‌ادر عیما پیشنهاد نموده که حاضر است تمام بول و دارائی و حتی خانه و مایملک خود را رسماً بنام عیما کند در صورتیکه اجازه دهد با او عروسی نماید.

مکر مادر هما چون میداند دهرمندر قبل ازدواج نموده و قعلاً بدر چهار طفل است باین پیشنهاد موافق است نکرد همچنان جتندر حاضر شد از نامزدش صرف نظر گند و هر چه



برگی از تاریخ کشور

# شهری با جاده‌ها و عمارات محل

## از قرن چهارم قبل از میلاد



از گ - سراب  
**خرانه با ارزش‌های عهد باستان از شهر آی خانم، کشف گردیده است.**  
**دفاتر دولتی؛ منازل شخصی؛**  
**حمام و عمارات باشکوه دیگر در شهر کهن آی خانم وجود داشته است.**

شهریست با شکوهمندی خاص و این دروازه مدخل شهر است،  
 عمارت، محل، باجاده‌ها سرای‌ها مدخل شهری که گردانده است،  
 در قسمت شمالی آبادات کمری آن بر بالای ۱۸ سنتون استوار است.  
 در مرکز آن دفاتر مرکزی شهر و صندوق‌های پایه برآورده های آن را نگاه داشته است، برآورده های که در گردانه حمام ها و...  
 درست در وسط دیوار شمال غرب سرک عمومی آن را به دو حصه تقسیم دیوار های عظیمی احاطه کرده و یک بقصد مترامتداد یافته و در آن قصر بزرگی قرار دارد. قصری که سقف آن دروازه بزرگی خود نمایی می‌کند نموده است.

دو دهليز از شهر باستانی قرن ۴ ق م از عاج برای مجالس مشوره تalar زیبایی دیگری که مرکز حکمرا نان شهر است، از عمارت این شهر زیبا بشمار می‌آیند.

این شهر باستانی «آی خانم» است، شهریکه از بزرگترین شهر های دوره یونانی است، که تا حال کشف گردیده است.

آی خانم در حدود قرن چهارم تا ۱۳۰ سال قبل از میلاد از محل عای بر تجمع و تمدن باستانی سر زمین مابوده است، که یکصد و پنجاه سال عمر گرده است.

این شهر در زاویه اتصال دریای کوکجه و آمو موقعیت دارد و درین سال‌های اخیر کشف گردیده است، طول این شهر به دو کیلو متر میرسد، در حفریات یکی از منازل شخصی این شهر که بنام کوکجه معین شده، معلوم گردید که در آن زمان همه منازل این شهر با پلان های بسیار مدرنی اعمار شده و همه ضروریات یک زندگی متمدن در آنها بیش بینی گردیده است، همچنان در اثر تحقیقات امسال



معبد شهر باستانی آی خانم

مصرع اخیر شعار فلسفی «دلفری» باستان شناسان، حمام بزرگی درین شهر کشف گردیده که سطح آن با درج گردیده است.  
موزاییک های از سنگ ریزه فرش (شعار دلفری یک سلسله نصایح فلسفی یونانی است) شده است .  
دکتر طرزی میگوید :

سطالعه آثار این شهر نشان میدهد که ساختمان محل و شرایط آرت یونانی را برای دیگری کشانده و در آن مخلوطی از هنر یونان و باخته بوجود آمده است .  
در عماری شهر آی خانم خشت خام و مقداری خشت پخته بکار رفته است و بیشتر تزئینات آن سنگی است .

دکتر زمربالی طرزی مدیر باستان شناسی وزارت اطلاعات و گلنوادر مورد کشفیات عمده دیگر درین شهر کهنسال ، میگوید .

از روی دیوار های عظیم آن که عرض یک قسمت آن نزدیک متراست معلوم میگردد ، که این شهر از مرکز حربی آن زمان نیز بشمار میرفته است .

یک مدل یاقاب سیبیل که ازین شهر بدست آمده ۲۵ سانتی متر قطر دارد و روی آن طلا کاری شده سیبیل را در روی عراوه بی پاتصویر چند فرشته بالدار و یک خادم نشان میدهد .

همچنان کشف سکه های نقره بی ازین شهر از نگاه باستان شناسی حائز اهمیت خاصی است و از عهد اسکندر ، تا آخرین شاه یونانی روشن میسازد .

در «آی خانم» بالا حصانی نیز وجود دارد ، تحقیقات علمی در آن شروع نشده است .

در شمه آینده گزارش دیگرها را درباره تپه باستانی (سردار غزنی مطالعه می کنید .

\*\*\*\*\*



نمایی از حفريات شهر آی خانم

«آی خانم» از شهر های کهن افغانستان است که کشف آن باعث شدت نظرات گروهی از دانشمندان را ، راجع به تمدن های یونانی و باخته در شمال افغانستان تغییر دهد .  
کاوش های این شهر به اثبات می رساند که بر عکس نظر باستان شناسان در گذشته ، تمدن یونان و باخته در شمال کشور ما مسکن گزین شده است .

دکتر زمربالی طرزی مدیر باستان شناسی وزارت اطلاعات و گلنوادر مورد کشفیات عمده دیگر درین شهر کهنسال ، میگوید .

در جناح شرقی سرک عمومی آی خانم ، معبد بزرگی کشف شده که از روی پلان ساختمانی آن معلوم میگردد که یونانی نبوده و شاید آریایی باشد .

وی می افزاید :  
به گمان اغلب این شهر به امریکی از شاهان قدیم ، سولیکوس اول ، یا سکندر آباد شده و مو سس آن شخصی است بنام «کنی آس» که قبر آن در خود شهر موجود است .

در کتبیه قبر این شخص پنج مجسمه یک عسکر جوان که از شهر آی خانم کشف شده است .



وکی چی و ناته دلچسپیه وی.  
—یاره تورلا لا که رشتیار اخچه یوبنستنی زهندوغه  
راز ولنسی پیشتو سر « چیره علاقه لرم » خنک  
چی دغه رازیبیشی زمودزوند سر « چیره اریکی  
لری یا یاهبله رزبه زعور لئنی زونددخه رازکیسو  
شخه جوییست موندلی دی ... نوبنیه بهداوی چه  
کیسه شروع کنی

سیزدهمین خویینه ده نوروز رانه و نیمه  
دهنه کلی یه لویدیخ یلوکی تقریباً پنجه هیله  
لیری یوسپی زوندگوی چنوروز تو هیزی.  
هدوخت چی دده بیلارمیرشو نویو یتی یوه  
زونده او دوه یاغونه یه هیراتوریانه شول.  
نوروز دیلار تر می یعنی وروسته دیوی پیغام

سره واده و که جی بدهیره خوبیسی او خوشحالی  
سره یعنی زوند کاوه، و روسنه له یو کال شخه  
خدای و دوی نه یو و چیره بنگلی لور ورکول،  
دلور نوم یعنی بختوره گیشیبیود، بختوری دخیل  
مورا و پلار یه غیره کی دور و کتوب او خایپوشو  
دحوب و خیال خوبه دوره تیروله میاشتی  
کلوته شول او کلونه یو به بیل پسی تیرشول  
بختوره هم دخوانی ایه سموریس لی را کینتو قتل  
هر چانه نوی فکرونه او زوندی احساس ور په  
برخه کوی . بختوری هم دخوانی یه تماشی کی  
دخان ، دکور کلی او دطن یه باب بل راز سوچ  
واحه . بختوری دخیلی مهربان هور ترلا بندونی  
لاندی ددغه کلی دوطن دغعنی، دودا و دستور  
سره سیم یو و کارمنده، چالاکه او نز به یوه پیغله  
شول یه لپ وخت کی یس دبکلا او کاریند توب  
اوازه یه تول کلی او وطن کی خبره شول مورا و  
پلاریس یه هر خای کی ویاپنه او سر لوبی پا  
کول ددغه کلی او نزدی وطن شوانانه چی دبختوری  
دبکلا او کارمیند ه توب صفتونه واوزیدل . تو  
هر چاهه کول چی دله بنایسه او کلامی پیغله  
تر کوتونه کی، شکه نود نوروز اکا دگاله و خواته  
دنزدی او لری خای پو شخه دمر کو پور شو، خو  
هره مر که چی به راتلل دبختوری دگاله شخنه با  
ذا مایه او ما یوسه تلل .

یهدی خای کی مادتور جان خبری پری و کپری  
او پویستنه من خنی و کپل  
تورو لالا.. داشه چل و چسی مرکی به دبوردز  
کا کا دکور شخه نامیده تللى. یوه نجلی خو  
ددمه لباره دمیچ سپری بی و یوه خوان تهوریه  
نکاح کنی او بیا نودھفه سره کدا مشترک رووند  
شروع کپری . یابه یه بله ژبه نجلی  
خو همیش دیل دگاله ده .  
خوانه ۱ ستاخیره سمه ده لارن زمود بھولس  
کپری دیری داسی خبری شته چسی سپری باید  
پری یوه شسی .  
- مثلثا شرنگکه خبری .

بورو ره ا ته بیا خومر مساده خوانی بی تراو سه  
پوری نه پوهیبی جن زمود به کلی او وطن کی  
خود اولاد دیسو په مقابل کی خوشبزی .  
عجمیه دهن اولاد خشیه بعثت شنگه .

-کیسته خودامی ده زمونه دولن په ڈیاترو  
خایرنو کي خلک خپلی لوئی دیوی الداڑی پیسو

درجهت خیر ذوی لیگه

# دھدپری لیونی

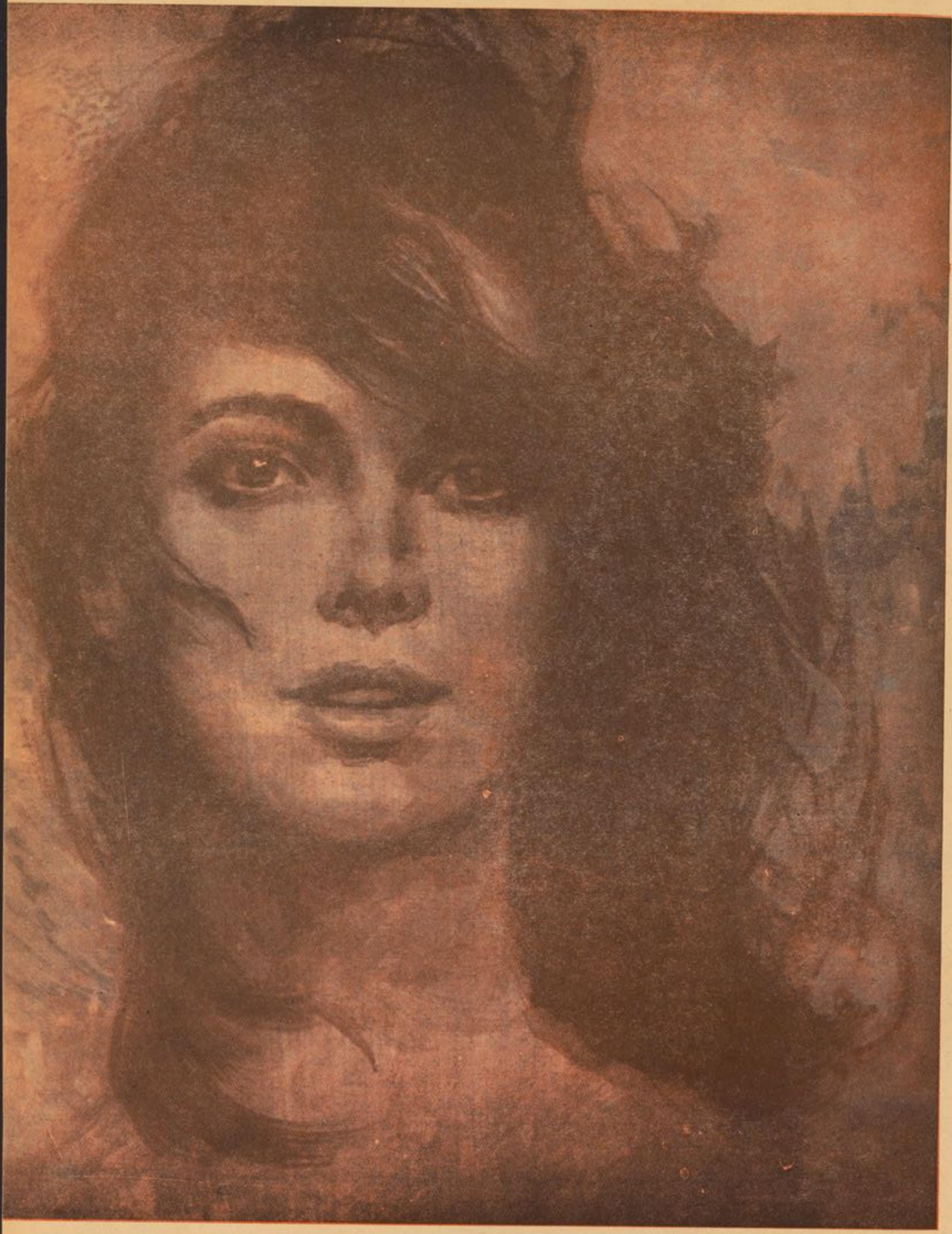
تودجان دخیل کور سره نیر میندرلوده هنگامه توره و او دکلی تول شوانان پری را پر کینه اسرار اعیزه دی .  
دده کور دستند پرغایه پریوت و تور جان ماتوه خینو بهین دخیل خخه خونه و پری او سرشیا هم ۰۰۰ دا خو نیر بنه خیال دی ،  
دختیل کور په مخکنیس یو بشنا یسته و رو کی خینوبه دخیللو کارونو په بازاره کی دهند دسلا حقیقتا چې طبعت پیر پیکلی اوژنه ورو نکی دی  
بن آباد کپری دوچی دخیل ذوق یه خوبه اومت بوری خخه استفاده کول .  
یعنی راز راز میوه داری او بی میوه و تی پیکنیس دغه کلی دکندهار دبار یه شمال لویدیخ یه ورخنی زونه کی پیری داسی بینی شنهاو  
کپنیولی وی . تور جان دگلانو سره هم هینه سیمه کی دخو کیلو مترو په فاصله پریوت دی بینی پیزی بری دلی او اوریدلو  
سائل او په دله بن کی یعنی دگلانو بیل بیل او تول خلک یعنی زمینداری او د بالغه یه سره په تعجب کی لو پیری .  
دولونه گرلی وه ددغه گلانو پیکلا او بیوی روزنه لگیادی او دزونه مايحتاج دده لیاري تورلا ... ستا یه خبره و نه پوهیدم ک  
دومنه پیازنه پوری و چې هر شونک یعنی خان خخه تامینوی .  
پنځلس کاله ینوا دیښونځی داوزی د شوانه زه پوهیدم چې ته تایپ لاتراوسه  
ته کشاده \*

دتور جان پیلار تقریباً پنځه و یېشت کاله  
مخکی دلوی تبی په ناروځي په شوی و هموري  
انه کاله کیده چن ددی تیمکري جهان خخه  
ستره کې په کړي وی وزوره په دلس کلښه من  
په ثابې په نومويی سند کې چې دده دکاله  
دمخ ته بیدی داو پاڼۍ په لو به کې خاندلاسه  
در کړي وو، اوسم تو تور جان پیکسه و میرعن  
مجلس ورسره کاوه ·  
په شله دانسان دنایو هم، خخه همېږي اوپاښ

شی هم نه درلوده . خو دیلار دهه ور پاشه خبله همدغه انسان برحاندی اوهم بربی خدمج  
شوی یتن اوین سرویی دیره دلچسپی سائل سره دده دکاله به مشکن ناستدم، هوا دیره  
اودهغه یه روزنه اوسر پرستی کی بی دیر شه لگیده . کله کله به دستند له پلوه دیره  
زیار یوسفت . تازه او خوشحالونکی شمال راولوت یعنی به

تورجان دوچه کلک په پیروونځی کې تر  
شپږمې ټولکۍ پوری لوست او لیک کپری وه  
خو دیلاز ده یېش او دکور ده سر برستي له کېلکې یېش  
نور = زده کپری ته دواه نه و ورکې یې  
تورجان دیرغت او تکه خوان و، یدرنګ  
سین او په قدېگ کوسن یې ددېر شوکالو ته  
رسیده خرنګه یې لعر دیر وهلى ونو دمخت او  
لاسو یوست یې خور کې اچولی وه = یه تندی  
کې یې ګنجي له ورا یه بشکاریدی. تورجان  
دیر هېره خواخوردی خوان و دیر ترهه لدېي  
غرضه طیعه یې درلودل لاکن کله چې به یې  
دیوی موضوع یې باره کې چوت واویست تو  
هنجا تهان اوطالبت نشمای ورته گولای.

تاره بیانی نودهنه پهنهداره کی وکتل اوپر خبلو بویتویی کوتی تیری کری اور وسته پرشنده اتو بشکاره شول نوزه جسی مخاطبین تو زما خواته وکتل اووی ویل : کرم اودارتکه بی په خبره شروع وکره سخوانه ! ولی بته خوله ناست بی خبری وکره - خواهه ... تقریباً دوکاله اودری هیاشتی مخه پهشه چرت کی ورک بی . به دله کلی کی یوه عجیبه ویرجنه ارز خودونکی بینه منخته راغله ، چن له یوازی شه بهووایم چرت اوخیال می دستد داربو بلکه دکلی اودجهن به گلالبو اوپنایستو گلالوکی و نزد دیر تجربه کاره او یوه شوان وویه تول کله گر س دمهه توب اوشه سیر بتوب که چری اوری زمه بی درته وکرم ... خدای د





ترجمه‌ی: رهبو

# تلاش بوای پیشی از کمودی عکاسی

که در نیمه دوم سده گذشته می‌آجیا کنند، بر پا شد. زیستند - جوانان زیاد را بخود در خزان سال جاری نمایشگاهی جلب نمود تا سفری به بادن با دن از آثار کامیر داوید فرد دریک در نمایند.

نمایشگاهی از نقاشی های پیروزی های نقاشی آلمانی که در آغاز سده نزدیک به روم تصویر گیری واقع گرا امریکا مصروف کار بوده و سعی می‌کردد تشویقی برای نقاشان جوان آلمان که نقاشی قرون وسطی مسیح دارا گردید.



اکنون سعی می‌شود به کمک عکاسی تصاویر بزرگ نقش باید.

اکنون سعی می‌شود تا از عکاس، نقاشی‌های بزرگی به میان آورند.

## در این شیوه اکنون دو مکتب جداگانه را دیده‌ی تو افیم

عدم رضایت از اثر ناگی قوی از عکاسی کار می‌گیرد علوم و فن (تکنو لوزی) در زمان ما، دو مکتب نو و جدید نقاشی بنام دو تمایل که در دو مسیر جدا گانه (عینیت نو) و (واقع گرایی معجزه گر) حرکت نموده یکی باشد این اثر رد پای همانهای را گرفته اند که پس ناگی غول آسا را زیر آتش انتقاد از جنگ جهانی اول، کارهای شان قرار میدهد و دیگری سعی می‌نماید را برای فراموش کردن مصیب‌ها با پای چوبین بر آن پیشی گیرد، و دهشت‌های جنگ، بوجود آوردن در همین زمان، آنان سعی کردن وجود آورده است.

زاده و رخداد دو می‌دانند تفاهم دست‌جمعی ای رابینیان بیاورند در وجود تصویر گیری واقع گرا (فو تو ریالیزم) دید. این جنبشی است جهانی، و در مجموعه‌ای آن دیده می‌توانیم که زیر دو مکتب جدا گانه نقاشی بنام (عینیت نو) و

«واقع گرایی معجزه گر» به میان آمد. تصویر گران او لی نقاشان بودند. واگو در فرانسوی که خودش صحنه آرا تیاتر بود او لین گام را در این ساحه برداشت و نمایشگاه «دید وسیع» در پاریس برای انداخت در این نمایشگاه بینندگان تصاویر یک بازگشت بسیار بزرگ را دیدند.

اکنون یک نیم قرن بعد روشن شد که نقاشان اهل مونشن چون لیباخ و دومی بارو مانتیسیم پیوند یافته و سنتک در اویل سده نو نقاشی‌های بزرگ نمای خود را از روی تصاویر خط فاصل روشن بین ایندو جریان عکاسی شده نقش نمودند.

ولی اکنون سور ریا لست های چون مان وای وهم چنان «سازندگانی» یک نمایشگاه نقاشی پیش از چون موهلی نگی برای کارهای شان برادران را فامیل - گروه از نقاشان



نقاشی در حال نقش نمودن تصویر بزرگنمایی از چهره انسان.

زانها موجودات پر قدرت، توانا و با اراده‌اند.

# گفتگوهای خاطرات فاضله یک پولیس جوان



ادامه میدهد:

- هنگام بررسی معمولی، مقداری (خشیش) از نزد زن توریستی که حامله بود، کشف کردم، این زن با حالت عجیبی در تلاش آن شده بود - مرا برحم آورد و او را رها سازم..

umantero ریکه گفتم و ظیفه را بالا تر از همه چیز می دانستم از همین سبب تحت تأثیر گپ ها و حالت آن زن نرفتم، بلکه به وظیفه ام عمل کردم.

میرمن فاضله ذهنی است ۲۴ ساله شش سال قبل ازدواج کرده و حال فرزندی دارد که تازه قدم به دو سالگی گزارده است...

از این میرمن که از خالکفته‌ها یافته میشود با مطالعه و پر معلومات است، یکباره می پرسم:

- تا جاییکه از حرف‌های شما معلوم بیشود، عشق در ازدواج شما... سختم را قطع میکند -

- بالا خره کشف کردم که در راستی زن‌ها کتر به عشق شان اعتراف میکنند - ولی فاضله می‌گوید:

- بلی من عشق را قبول دارم و ازدواج ما هم روی یک عشق روی تقاضم و روی یک درک منطقی استوار بود امروز زندگی سعادت‌مندی داریم...

به عقیده من هر ازدواجی که روی تقاضم و درک طرفین نباشد عواقب خوبی ندارد...

میرمن فاضله سکوت میکند و من به فکر پرسش دیگری می‌افتم.

می‌گویم:

- سال ۱۹۷۵ در تمام جهان بحیث سال بین‌المللی زن تعیین گردیده بحیث یک زن روشن‌فکر افغان، نظرت چیست؟

فاضله چشمان درشت‌ش را بمن می‌گوید:

دوزد و شمرده شمرده می‌گوید:

- باید کمی وسیعتر صحبت بقیه در صفحه ۶۲

ژوندون برای جلب رضا تیت بیشتر خواندن گان خود، در تلاش آن است تا در هر شماره مطالب جالب و خواندنی بی تهیه و نشر نماید...

اینک سر از این شماره به نشر گزارش‌ها و گفتگوهای اختصاصی می‌پردازد.

اداره مجله از عکاسخانه‌رنگ در تهیه عکس‌های رنگ پشتی مجله واژ بنگالی نزند عکاس با خطر آژانس که در قسمت عکس‌های دیگر این گزارش همکاری کرده‌اند، بدینو سیله تشکر می‌نماید.

\*\*\*\*\*

حرکاتش عادی بود و از ظاهر شیخی فرمیده نمیشند، ولی من یکنون اضطراب را در چشمان این زن می‌دیم، سامان و خودش را با دقت بیشتری بررسی کردم اما چیزی نیافتم.. اما روی احساس خاص مسلکی ام، میدانم که او با خود معکن اموال متنوعه داشته باشد، اینکه در کجا پنهان ساخته معلوم نمود...

میرمن فاضله

وقتی قدم به سالون میدان هوایی بین‌المللی کابل میگذارید، با چهره مصمم میرمنی که در یونیفورم پولیس زیبایی خاصی دارد، رو برومی‌شود او لبخند ملیحی بر لب دارد و چشمان در شتش با گنجکاری بسوی شما خیره میشود...

این میرمن درست یک‌سال است که درینجا خدمت میکند، او با فداکاری

برای خدمت بوطنش این شغل را ندادیم.. این مسافر خارجی با همان طیاره واپس پرواز کرد و از کشور ما خارج شد... هنوز یک‌روز نگذشته بود، که در یکی از پروازهای دیگر پولیسی است ورزیده وزنی است بر معلومات، مادری است مهر بان برای یکانه فرزندش و همسری است و فادر، پای بند و کمی هم حسود برای شوهرش...

میرمن «فاضله رامیگویم، ذهنی

که پس از ختم دوره لیسه، وارد اکادمی پولیس شد. تحصیل کرد، این باره مهارت عجیبی یک‌روز از پاسپورتش را از بین برده، طوریکه

همین چند ماه قبل بود، که در شعبه ویژه میدان هوایی، با زیرکی خاص پولیسی اش، آن مرد را

شناخت، بهتر است قصررا از بان خودش بخواهد میرمن فاضله می‌گوید:

- تازه درینجا موظف شده بودم، مسافرین چهارچه زنی توجه مرا جلب کرد... زن بسیار خونسرد بود، بعد

فاضله می‌افزاید:

- بالا خره کشف کردم که در آستر واسکتش و در قسمت دیگری از لباسش، مقداری چرس را دوخته بود، طوریکه به مشکل کسی می‌توانست آن را پیدا کند..

از این پولیس جوان می‌پرسم:

- زن‌ها عموماً یکنون عطوفت خاص زنانه دارند، آیا این احساس در وظیفه که برای خودش برگزیده ای، تأثیری ندارد؟

میرمن فاضله لبخندی می‌زند و اکثر این لبخند بر لبانش دیده میشود،

بعد می‌گوید:

این را همه میدانیم که زنان احساس لطیفتری دارند، اما زن‌ها هم اراده متینی دارند و قدسیت

وظیفه را، بالاتر از هر احساسی می‌دانند.

مشلا خودم، همین چندی قبل بود که با چنین صحنه بی مواجه شدم او لحظه‌یی سکوت میکند، بعد

آرزو داشتم که راستی وظیفه ام را

پنهان نمیشند، ولی من یکنون

بدهم و همیشه این آرزو یا من است

دیلم، سامان و خودش را با دقت

بیشتری بررسی کردم اما چیزی

نیافتم.. اما روی احساس خاص

سلکی ام، میدانم که او با خود

معکن اموال متنوعه داشته باشد،

اینکه در کجا پنهان ساخته معلوم

نیافتم..

فاضله می‌گوید:

- می‌دانم که زند و اکثر

این باره مهارت عجیبی یک‌روز از

پاسپورتش را از بین برده، طوریکه

هیچ دیده و فهمیده نمی‌شد...

میرمن فاضله از خاطرات دیگر شنیده و می‌گوید:

- ما مسافرین خارجی را در نهایت احترام، بصورت گروپ وار در سالون

گمرک میدان هوایی بررسی می‌کنیم

یک‌روز هنگام وظیفه، در بین

مسافرین چهارچه زنی توجه مرا جلب کرد... زن بسیار خونسرد بود، بعد

# عکسها و مطلب‌ها



## بزرگترین موسسه غذای سویس (نستله) است

میزان مقاد کار خانه «نستله» که تولید گننده شیر و چاکلیت و سایر مواد غذایی است، در سال ۱۹۷۳ شانزده میلیارد و چهار صد میلیون فرانک سویس بوده است. که ۹۶ درصد محصول آن در خارج بفروش رسیده است.

دو مین موسسه اقتصادی سویس از نظر میزان کار کرد در سال ۱۹۷۳ کارخانه های دوا سازی «سیبا» بوده است که هشت میلیارد و دو صد میلیون فرانک سویسی بودست آورده است.

با اینهم موسسه غذای «نستله» از نظر صنایع غذائی در جهان در مرتبه دو م قرار دارد. و بزرگترین موسسه تولید مواد غذائی جهان شرکت مختلط انگلیسی، هلندی است به اسم «اوئی لور».

## قام جو نز بازن زشتهش

تم جونز از جمله معرو فترین هنرمندانی است که بهنگامی اجرای کنسرتی، هزاران دختر زیبا و طناز می شکنند، خوب است بدائید که تم جونز شیفتنه زن زشتی است که بقرار گفته او:

یک لبخندش رابه هزارا ندلبر  
صاحب جمال نخواهد فروخت، این  
زن همسر تم جونز است که (لیندا)  
نام دارد و به چاقی، زشتی و بی نیکی  
شهرت دارد. اما تم جونز که مسائل  
عاطفی را بر مسائل مادی ترجیح می  
نماید میگوید، وقتی که من گمنام و بی  
پول بودم، لیندا یعنی بود و شانزده  
ساله بودم که با او ازدواج کرد  
اکنون که در سایه چتر و حمایت و  
مهر بانی او به همه چیز رسیده ام،  
دلرا به کسی تقدیم نخواهم کرد.



## علاقمندان سیر و سیاست

از قرار معلوم امریکا نی ها بیش از ملل دیگر شیفتنه سیر و سیاست اند. سالانه بیش از پنجصد میلیون دالر صرف سیر و سیاست در امریکا و کشور های مختلف جهان میگردد، که بدینترتیب هر امریکانی سالانه مبلغی در حدود ۳۰۰۰ هزار دالر را برای مخارج مسافرت خود تخصیص داده است. و حالانکه سه هزار دالر، عاید متوسط سالانه یک فرانسوی است.

# جزیره خاطره

بعش دوم

بدنیال آن گشت نارگیل و ساحه

(بلی، من ایودری بالمر هستم).

آن گستردہ تر شد تا کوه‌های آنطرف

خواه می‌توانیم برویم، به آنجا بر می‌گردید برايم آورده.

(اگر دو باره به آنجا که زمانی معلم یکی از رسید و همین قصر بیش از ۲۰۰

سال عمر دارد. او ادامه داد:

(افسانه) ثغیرین جادوگر افریقایی

پس از ساختن همین قصر پمیان آمد

حدود چهل سال نموده و نامش الن

و آن زمانی بود که مهمانی بزرگ

جنسن بود که کتاب تاریخی در مورد

در قصر براه افتاد.

تجمع مردمان در آن زمان چیز

کوچکی بود و سایل حمل و نقل خیلی در

مورد قصر والاس که تاریخ سحر

آمیز دارد، بگوید ولی این را به بعد

از دیدار از قصر والاس به تعویق انداخته

بود. آتشام بعد از اینکه دانست

دیداری از قصر نموده ام، یک عکس

زیبا و شکو هند که بفاصله دورترها

از قصر پرداشته بود، نشانم داد.

من از خوبی فریاد کردم.

(او، بسیار خوب است. از

کجا گرفته شده است؟)

جواب داد.

(به صورت عموم از اینکه دکتوری

چون شما دارند خوش هستند.)

(حتی اگر به خانواده‌ی والاس

متعلق باشد؟)

(چرا چنین حرف می‌زنید؟)

ولی اکنون در برابر خانه‌ای قرار

قضایی از میرمن دعفری که کسی

پر گوی بود. شینده بودم ولی

میخواستم مطالب بیشتر بدانم روی

همین دلیل پرسیم.

(خطر ناک! چرا؟)

تشریح داد: در زمان پر دیگی،

من چیز های در مورد (سنگلاخ

رقص‌ها و نوازندگی‌ها، پیکنی که

در مرکز توجه قرار داشت از مهمانان

برای چند لحظه استراحت عذرخواست

داشت، در مهمانی شرکت کردند و هم

تر ازیزی در اوج شادی مهمانی به

وقوع پیوست. بعد از یک سلسله

رقص‌ها و نوازندگی‌ها، پیکنی که

در مرکز توجه قرار داشت از مهمانان

برای چند لحظه استراحت عذرخواست

بعای رفتن به اتاق خواب برای قلم

زدن از قصر برآمد نور ملایم

ونقره فام مهتاب بر همه جا زیبایی

می‌بخشید. تنها به کنیز ش گفت

بود که کجا می‌رود. یک ساعت

گذشت و او نیامد کنیزش پریشا ن

شکر در چیزه بود. اسپانیولی‌ها

اویلن کسانی بودند که آن را بوجود

آوردنند. خانواده‌ی والاس زمانی روی

کار آمدند که اسپا نیوی ها توسط

انگلیسی‌ها از جزیره‌ی جامیکا رانده

در دورترین بخش با غمادر حالیکه

خنجری روی بدنش قرار داشت

شدنند.

از آن زمان تغیراتی در ساحه قصر

بیشتر افتاده بود ساعت‌ها گذشت

مادرانه و مهربان داشت و با خوش

بوجود آمد در اول هزارعه نیشکر و

تا او به هوش آمد و حاده را با ز



سنگ آن را بلدی بود چگونه می‌افتد؟)  
گذارند. از آن به بعد مردم محل که کت و الاس از سنتگلاخ افتاد،  
(طوریکه پیشتر گفتم. او را کسی عقیده یافتند که والاس را نفرین سر کنند، می‌دانست که او پدر  
تیله داده است. یک آدم واقعی نه یک کابوس)

من پرسیدم:  
(ولی کی؟)

سنگ از بین برده است.) کلان دکتوری بود که من صبح او را جادو گر از دیده بودم و این حادثه بسیار پیش‌ها  
عقیده یافتند که والاس را نفرین کردند. سر کنند، می‌دانست که او پدر جادو گر از بین برده است.)  
دیده بودم و این حادثه بسیار پیش‌ها اتفاق نیفتاده بود بتازگی بو قص  
باشد کدام دلیلی نیست که افتادن اینکه خود بروس والا آدم بسیار  
احتیاط بود و ممکن از بی مبالغه به بیوسته بود.

(کی می‌داند پیغله پالمر؟ یکی می‌داند دره افتاده باشد).

میرمن دمفری اعتراض کرد: (شما می‌گوید که او فقط افتاد؟) تعبی تواند چنین زمین و زندگی را کرد.  
علم سابق دستش را به علامه تسلیم دراز کرد. (خوب این بسیار یک مرد ۵۰ ساله که تمام عمر خود را اداره کند و دشمن نداشته باشد) معاشر تاریخی وجود دارد که پس از آن پیشترها بود. آیا این را هم منکرید در این محل تیر کرده و سنگ

بقيه در صفحه ۵۸

صفحه ۲۵

کو کرد.

کسی بر او حمله نموده بود یک برده بنام قوانی بود که کارهای با غ ها را رو براه و شبها برای نکپیانی در آنجا گردش می‌گردد.

آیا دختر غلط نکرده بود؟ نی او یقین داشت. با وجودیکه در همان لحظه نورماه را بر بازارهای یوشانیده و قوانی از پشت حمله کرده بود ولی دختر نکاهی به او انداخته بود.

وقتیکه قوانی رادر اتفاقش خوابیده یافتنند واژ او مطلب را پرسیدند، انکار کرد. گفت بهمین زودی ها خوابیده است و بیان داشت که او هرگز به چنین کاری اقدام نمی‌کند. ولی کسی گوش نداد.

یکی از جوانان پرایش جزا تعیین کرد. سپیده دم هنوز نزدی بود که قوانی را گشان کشان به سوی سنتگلاخی که بر لبهی پر تکاه قرار دارد، پردنند. او سعی کرد که آنان راقانع بسازد ولی موثر نشد. بعد از اینکه دانست که گفته‌اش اثر نمی‌کند از عندر خواستن دست‌کشید و شروع به نفرین کرد.

قوانی، یک جادوگر بود و این مطلب را برایشان گفت: «آن چیزی دانستند. بگذار که بدانند بسیاری نمی‌دانند راجع به برده های خود حقاً یق کسی میدانند و در می‌ورد سخا ری و قدرتی که این برده ها از افریقا آورده بود هیچ چیز نمی‌دانستند. ولی آنها خواهند دانست بگذار که بدانند.

او در حالیکه می‌لرزید فریاد نمود. اگر شما مرا بکشید بزودی جادوگر ام از شما ای خانواده والاس انتقام خواهد کشید، انتقام کشنه و شدید).

در جواب او را به لبهی پر تکاه گشانند و پیاپین سر نگو نشکرند الن جنسن ادامه داد: (از آن پس این محل را سنتگلاخ انتقام نام نگذارند بلکه پس از افتادن بروس والا اس از آن سنتگلاخ نامش را سنتگلاخ انتقام گذاردند در این موقع میر من دمفری اعتراض کرد. (اگر مطلب تان بروس والا اس باشد کدام دلیلی نیست که افتادن اینکه خود بروس والا آدم بسیار باشد کدام دلیلی نیست که افتادن او را ثابت کند)

جنسن در حالیکه متاخر بود اضافه پائین دره افتاده باشد). میرمن دمفری اعتراض کرد: (شما می‌گوید که او فقط افتاد؟) تعبی تواند چنین زمین و زندگی را کرد. او را در ته دره یافتنند و شاهد تسلیم دراز کرد. (خوب این بسیار یک مرد ۵۰ ساله که تمام عمر خود را اداره کند و دشمن نداشته باشد) معاشر تاریخی وجود دارد که پس از آن پیشترها بود. آیا این را هم منکرید در این محل تیر کرده و سنگ حادثه محل را سنتگلاخ انتقام نام

شماره ۳۷

# و باز هم راجع به دolfین

عدم کثیری از دولفین های جون دیواری در برایر دوره حمل دولفین در حدود ۲۲ روز ادامه من کشته صیادان قرار گرفته و یک عدد دولفین یا به بصورت عادی دولفین یک طفل می‌زاید و دیگر آن دولفین زخم و یا مرده را از منطقه طریق دم یا به عرصه وجود میگذارد و قنیک دور می‌سازند.

حادله ای در منطقه (مارین لیند) نزدیک آن یکمتر طول می‌داشته باشد مادر خودش لوس انجلس بوقوع بیوست دولفین نری را که معلق را (ناف) می‌کند سایر دولفین های ماده هر گام شکار زخم ساخته بودند و در آغاز بیوم درین الای وظیفه دایه را یافتا نموده از طفل نوزاد مخصوص دولفین ها فرار داده بودند با وجود یکه مواظبت می‌کنند آنها دور نوزاد دور خورد. دولفین مذکور زخم هم بودار واهمه خودرا اوراده منطبع آب بلند گردید برای آنکه او لین جان به دیوار الواریوم کوچت که از شدت دیوار بار تنفس کند حتی اگر طفل مرده هم تولد شود از هم شکست و زمانیکه دولفین در حال هر کسی مادر همراه بادایه ها جسد را به سطح آب بلند قدر دریا فرمی نشست دولفین هاده نماینده می‌کند و سعی می‌نمایند تا هم طوری هست حیات های دولفین های پسر الکامل بوده. این دولفین در برایر طفل نوزاد باز گرداند. دایه هر روز بسطح آب بلند گردید تا همراه بکرید ولی با وظیفه خودرا تازهان جوانی طفل ادامه میدهد و بسیار رحمات زیادی که این دودولفین متحمل آنها از طفل مواظبت می‌نمایند و همینکه مادر

شده متأمیانه دولفین نر مرد. دولفین دوست دارد نوازش شودوکسی که شده و دولفین ها برای نجات و کمک وی همت بپرس و رویش دست می‌کند باعث خود سندی می‌گمازند. موضوع جانب دیگر بصرت از توالدو تکنر - طفل صرف نظر من کنند ولی اگر کپدام حاده دولفین هاست: بطور مثال دولفین بوتل هایندرا غیر مترقبه رخ می‌دهد دایه ها به طفل و مادرش کمک می‌سایند. طفل از شیخین مادر تقدیر می‌گیریم. دولفین هایی که در مقابل کشی هائی که جسم شکار دولفین می‌باشد می‌درد و می‌توان داده و نمی‌گذارند دولفین های زخم و یا مرده دارند. و نمی‌گذارند دولفین های زخم شیری دولفین در قسمت می‌باشند که همین حس است که از بساط دولفین را با انسانها بیشتر تقویت بخشمیده است (زیسترا انسانها همیشه غذای لذیذ را به خود آورند و لذت آنها البته علاقه دولفین را به انسان بیشتر می‌سازد).

دولفین دوست دارد بازی کننده بسیار

سیروت مسکن است توب بازی را به آنها آموخت

و یا به آنها طرز تبله کردن بعضی اشیاء از آب

بسیار داد

این خصوصیت دولفین را برخی از علماء

مربوط به آن می‌دانند که دولفین بعضی اوقات در

آخر دیدن موجوداتی که در حال غرق شدن اند از آب بپرون کشیده و از غرق شدن نجات می‌دهند.

مثل در اوخر سالیان ۱۹۴۰-۱۹۳۰ میلادی

در سواحل فلوریدا دولفین زیرا که در حال غرق شدهند بود نجات داده و به آب سپاهن از آب

همجان حادله ای در زمان حرب دوم جهانی رخ داد.

بنیوت های امریکانی زمانیکه در آمریکا حادله

ای که میلیاره شیان خسارة برداشته بودند

پسر الکامل روی دوش های بادی قرار گذاشتند

درینه دولفین هایی به خشکه رانده شدند و به

این ترتیب از مرگ حتمی نجات یافتند.

دولفین قرار معلوم دارای احساس کمک و

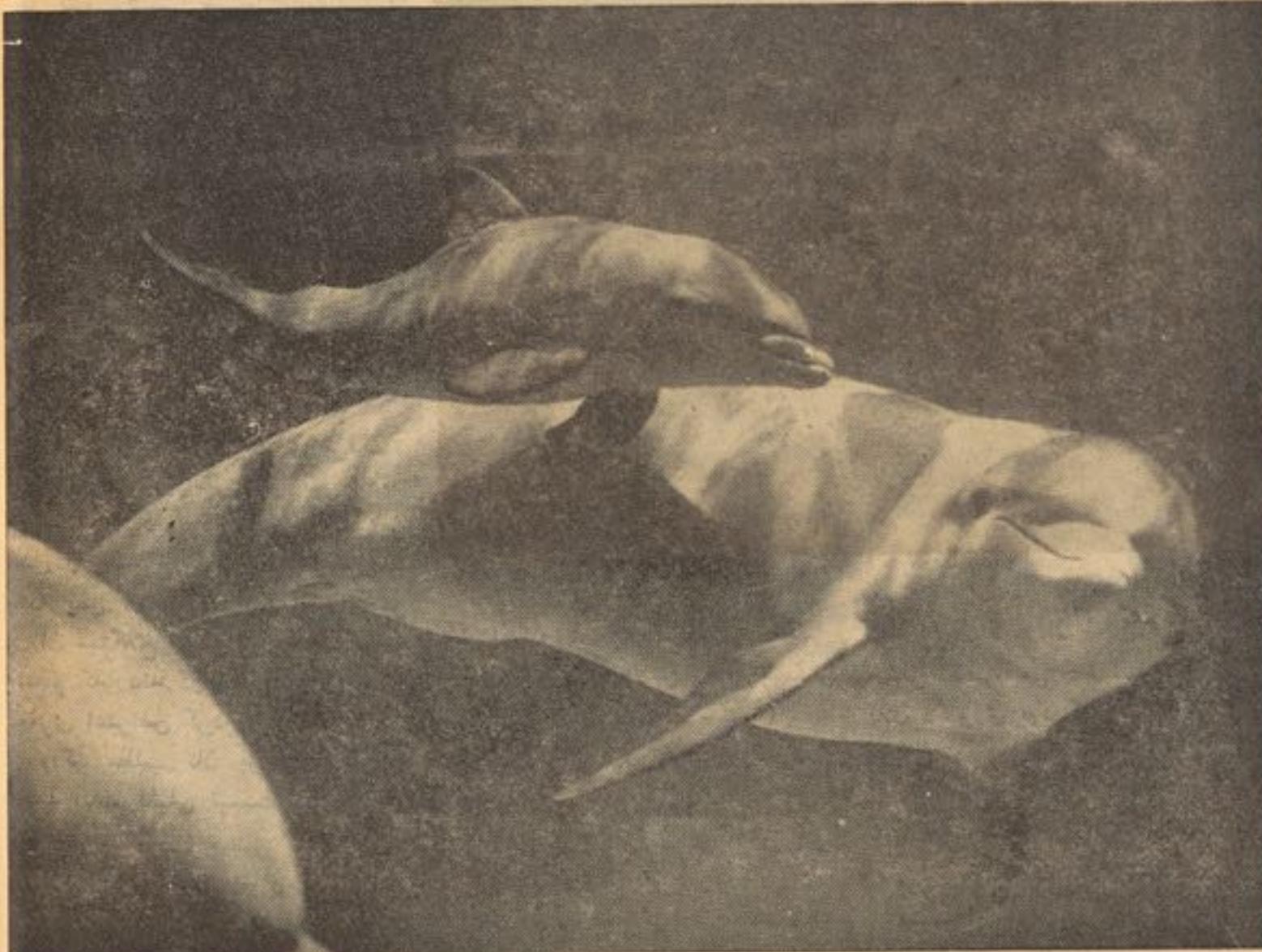
همکاری نیز بوده حتی سایر حیوانات بحری و لو

از جنس و خانواده دولفین نباشد اگر به کلام درد

و خطیری مواجه شوند از طرف دولفین معاون است

## دوفین بعد از شش سال به مرحله بلوغ میرسد

**دوفین جوان قا آنکه به سن هجده  
فو سد در هر دو سال یک هر اقبه  
تولید مثل می‌کند. طول عمر  
دوفین ۲۵-۳۰ سال است**



دولفین عموماً از ۲۰-۲۵ سال عمر می‌کند.



عکس دولین را درحال پنهان در داخل اکواریوم نشان میدهد.

نموده ازین می‌رود زخم های کوچک را جزوی کادر قبر دریا موقعیت دارد. کشف کند و این سقید رنگی پر می‌سازد که از قسمت های چرب خادمه به ترتیب صورت می‌گیرد که امواج آواز داخل وجود دولین ترشح کرده و به این ترتیب دولین به مواد ذیر آب برخورد کرده زما نیکه خونریزی وجود دولین قطع می‌گردد. انعکاس می‌کند دولین از حس ششم (سداقیر) استفاده کرده محل اشیارا ثابت می‌ماید. دولین مطلقاً غافل حس شامه می‌باشد بر عکس حس باصره فوق العاده قوی دارد و این خروک های بحری و دولین ازین خاصیت خود استفاده می‌کند که تا بحال علاوه قادر نشده است. ۱۵ متری خویش بیبینند و پس از قابو بر آن حمله کنند.

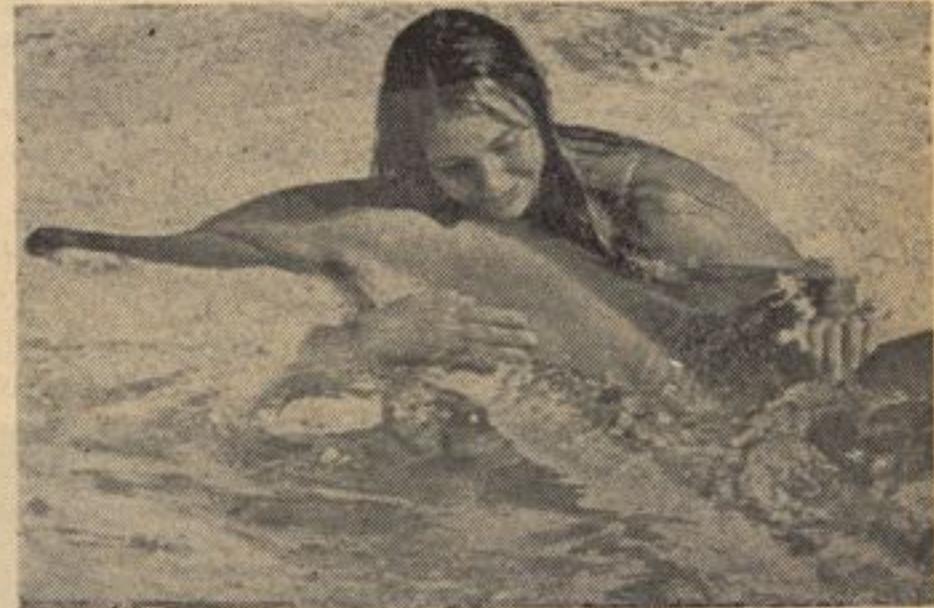
اورا درین مورد حس ششم که می‌کند (کنت نوریس) عالم حیوان شناسی زمانیکه با دولینیس بنام (کیتنی) کار می‌کرد در او اخیر دیگر (آنچه صدا) یا صداقیر نیز نامیده می‌شود سالهای ۵۰ نشان داد که این حیوان با چشم ان دولین باکشیدن صداقیر شبلان قادر است مواد پر از ۵۶

هزار سطح آب حرکت می‌کند و هردو یکی با هم جمیعت کرفتن هوا به سطح آبدیلند می‌شوند از جدار گله و پرست دولین سبیله شود تا مقاومت آب را در برای دولین ازین بین دو این خود شدید شیر را در دهن طفل یعنی می‌کند.

این طرز تغذیه طفل چند نانی ای بیش را احتوا نمی‌کند و بعد مادر و طفل دوباره روی آب بلند شده هو ا می‌گیرند. مانند سایر نهنگ های بحری دولین به سرعت نش و نماید. درین هنگ خودخواهی ۷۵ کیلو گرام وزن می‌باشد دولین بعداز شش سال به مرحله بلوغ می‌رسد.

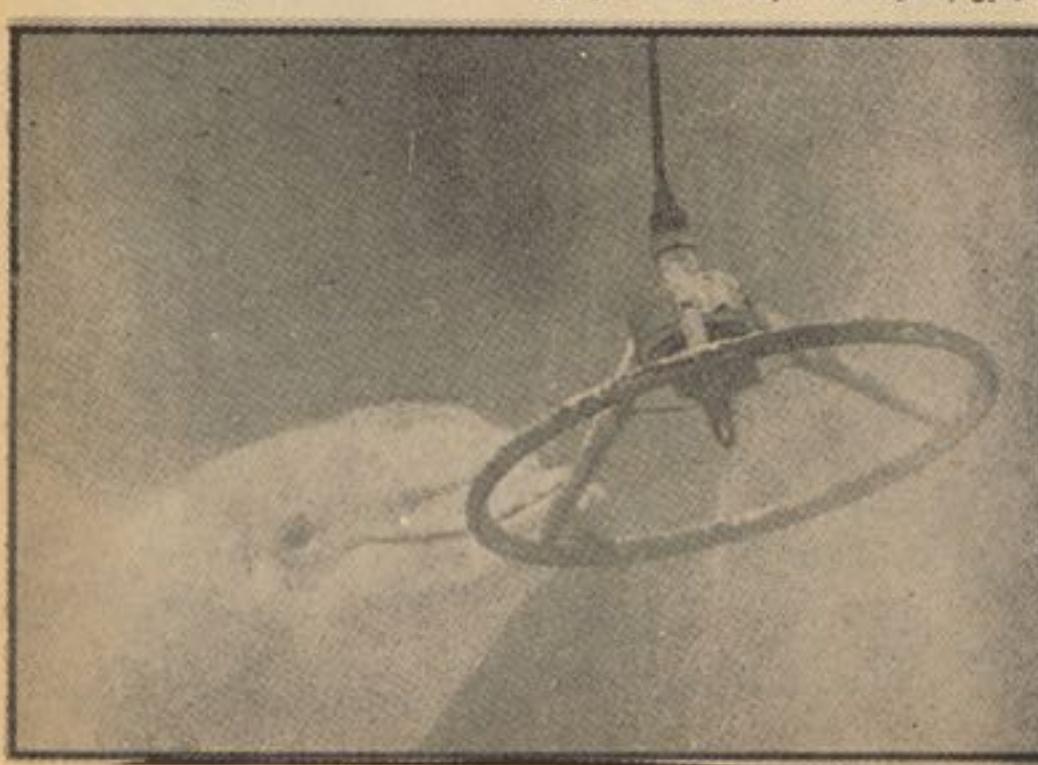
دولین چنان شدید صورت می‌گیرد و این عمل یا هیجان شدید صورت می‌گیرد و این عمل باعث تقلیل مقاومت آب شده سرعت دولین را بیشتر می‌سازد که البته این عقبه بیشتر قرین حقیقت امیت.

لش بودن وجود دولین و سایر شخصیات جلد دولین نیز در کم ساختن مقاومت آب و سرعت دولین نقش بسیار دارد، چنانچه (براپرس کیبانی) کیپنی کشتنی سازی امریکانی ازین باسرعت تقریباً ۴۵ کیلو متر در ساعت حرکت کشتنی های خود چنان موادی را تنصیب نموده اند می‌نماید. سالهای زیادی این سرعت فیروز عادی و که دارای خواص جلد دولین بوده و بالنتیجه سر سام گنده علمائی را که در مردم دولین باعث سرعت بیشتر کشتنی های شان شده است



دولین ها عموماً اشخاص را که در حال غرق شدن باشند از هرگز نجات میدهند. مطالعه و تحقیق می‌نمودند مسایل بفرنجی را در همچنان قوای بحری اسلحه متحده امریکا برای تحت البحري های خود بازجه ای اختراع کرده و در چار آنها دوخته اند که شbahat زیادی درودینامیک رجوع شود در آن صورت عضلات و ساختمان خارجی دولین ابزاره نتوارد داده می‌شوند از آن از ۲۰ کیلو متر در ساعت اضافه برگردانند ازین لحظه این کیفیت سرعت دولین تا بحال نزد علاوه این لایحل مانده و عمل آن واضح نگردیده است.

برخی از آنها را عقیده براین بود که دولین ها دارای قابلیت خاصی اند و میتوانند با کمک پیشانی خود هر نوع مقاومت را که در برای شان در حق آب بوجود آیدا زین بردویان آمده است دیگری نیز بوده بینین معنی که اگر کدام زخم بعضی از نظر یات علمی بینید آن می‌شود. جلد دولین علاوه ای خاصیت فوق العاده که بعضی حقایق عجیب و غریب را تحریح می‌نماید یکی ازین عقاید بینی برآورده است که دولین شده و زخم خود به خود به میرعت التیام پیدا



دولین را میتوان برای بعضی حرکت های داخلی آب پروردش گرد.

شرکت داشتند.

همچنان جمیعت های خارنده وی سراسر هندوستان اشتراک ورزیدند

- تا جاییکه معلومات دارم در این جمبوری مدال های نیز به

برخی از کشور های اشتراک کننده

تو زیع گردید که رئیس خارنده

افغانستان نیز در همین سلسله

موفق باخد مدال شد اگر ممکن است

درین ز مینه معلو ما تی برای

خوانده گان مجله روند ون

از آنه نموده و هم بگو یید

که چند مملکت به گرفتن این

مدال موفق شد و شرایط اخذ آن

تابع چه مقرراتی بود؟

درختم جمبوری مدال «سلور ایفلنت»

که عالیترین مدال خارنده هندو-

ستان است به پیشگلی محمد نسیم

معین دوم وزارت معارف و رئیس

داقغا نستان خارنده هند از طرف

رئیس جمبوری هند اهداء گردید.

هم چنان علاوه از افغا نستان،

ایران، استرالیا، امریکا، چاپان،

مالزیها و هندوستان نیز به اخذ این

مدال موافق گردیدند.

مدال به اشخاصی داده میشود که

اقلامدت ۳۰ سال در خارنده

سابقه خدمت داشته و مصدر خدمات

شایان برای نوع پیش و مردم خویش

شده باشند.

- در مجموع از تمام کشور های

در هفتمنی جمبوری هندوستان

جهان چند نفر در این جمبوری

چند مملکت اشتراک نموده بود.

اشتراک داشتند؟

در هفتمنی جمبوری که در

هندوستان برگزار گردید

جمبوری هندوستان تقریباً به سی

شانزده کشور از پاییزی و پنج هزار نفر بالغ میشد.

امریکایی، آسیایی و ممالک عربی - گفته میتوانید که در آینده نیز

صاحبہ خبرنگار ژوئن پیرامون

مسافرت یک گروپ خارنده افغانی

به هند پیشگلی سید یوسف واعظی

معزون و کامله راسخ واعظی امر

عمومی تعليمات مسلکی دختران

خارجندوی.

درین جمیعت از افغا نستان

چند دختر و پسر اشتراک نموده

بودند و هم لطفا در باره شرایط

اشتراک کنندگان معلومات دهید،

درین جمهوری ۱۰۲ نفر از دختران

و پسران سراسر کشور اشتراک

نموده بودند، شرایط قبلاً به تمام

جمعیت های خارنده دختران و پسران

در مرکز و ولایات ابلاغ گردیده

بود که باید نفر انتخابی عضو



بنگلای فخر الدین علی احمد رئیس جمهور هند حینیکه عالی ترین مدال  
خارجندوی هند را به گردن رئیس دلفا نستان خارنده می آویزند.

رابور نر: راجه راسخ

## اشتراک خارنده

### افغانی در هفتمنی جمبوری هند

برای اولین بار در تاریخ خارنده  
کشواره امکان شوکت جمیعت  
بزرگ خارندهان در یک  
جمبوری جهانی میسر گردید.

فعال جمیعت خود پاشد، به لسان

نگلیسی و یابه یکی از زبانهای خارجی

دیگری آشنایی داشته باشد سن وی بین

۱۸-۱۴ سال باشد، مصارف رفت

و آمد را خوش متقبل شود، وهم بیکی

از هنر ها مهارت داشته باشد،

رضایت والدین، آمربیت مکتب و

خارجندوی شرط اساسی شناخته شده

بود.

در هفتمنی جمبوری هندوستان

جهان چند نفر در این جمبوری

چند مملکت اشتراک نموده بود.

اشتراک داشتند؟

در هفتمنی جمبوری که در

هندوستان برگزار گردید

جمبوری هندوستان تقریباً به سی

شانزده کشور از پاییزی و پنج هزار نفر بالغ میشد.

امریکایی، آسیایی و ممالک عربی - گفته میتوانید که در آینده نیز



# یکصد و دو نفر از خارندویان مرکز و ولایات در اجتیماعات بزرگ خارندویان در هند هنر نمایی نمودند



خارندویان افغانی حین خواندن یکی از ترانه های ملی

زمینه اشتراک دختران و پسران میکردند هزاران نفر از خارندویان افغان در چنین اجتماعات اشتراک کنند کان این جمهوری مساعد میباشد یا خیر؟ با کف زدن ها و شعار در تاریخ خارندویان افغانستان این ها مارا استقبال و تشویق میکنند اولین باری است که دسته بزرگ نمودند.

خارندویان در یک جمهوری ملی در روز افتتاح و اختتام جمهوری اشتراک میورزند. والبته این موضوع عنکامیکه بیرق ملی جمهوری یست و فتوی رهبر ملی هارادختران بالباس های ملی خود حمل میکردند شورو

شفع زایدالوصی در فضای میدان طنین انداز بود که هر افغان بسا احساس و طبیعت به خود میباشد و افتخار مینمود.

امید و ارزو مندی برای اشتراک آینده دختران و پسران مطابق مشی خواسته دولت در موقع وزمانش باز هم عملی خواهد گردید اما باید گفت که نتایج مساوات این هیات در نهایت موقتی آمیز بوده لطفا در باره فعالیت های سکوتی این گروپ معلومات دهید و هم

بگویند این گروپ چه افتخارات و ارمغانی را مخصوصا برای نسل جوان کشور با خود آورده اند لطفا در باره ترتیب و تنظیم این سفر معلومات دهید که بشکل گروپی تنظیم شده بودو یا به ترتیب مخصوص این سفر یکی از آثار تاریخی و تورستیک دهی از عمومی داشت و در ضمن عده معظف کمیت و کیفیت این سفر از نگاه کمیت و کیفیت امور ترانسپورت، سامان و لوازم بمعنی و آکره دیدن نموده اند.

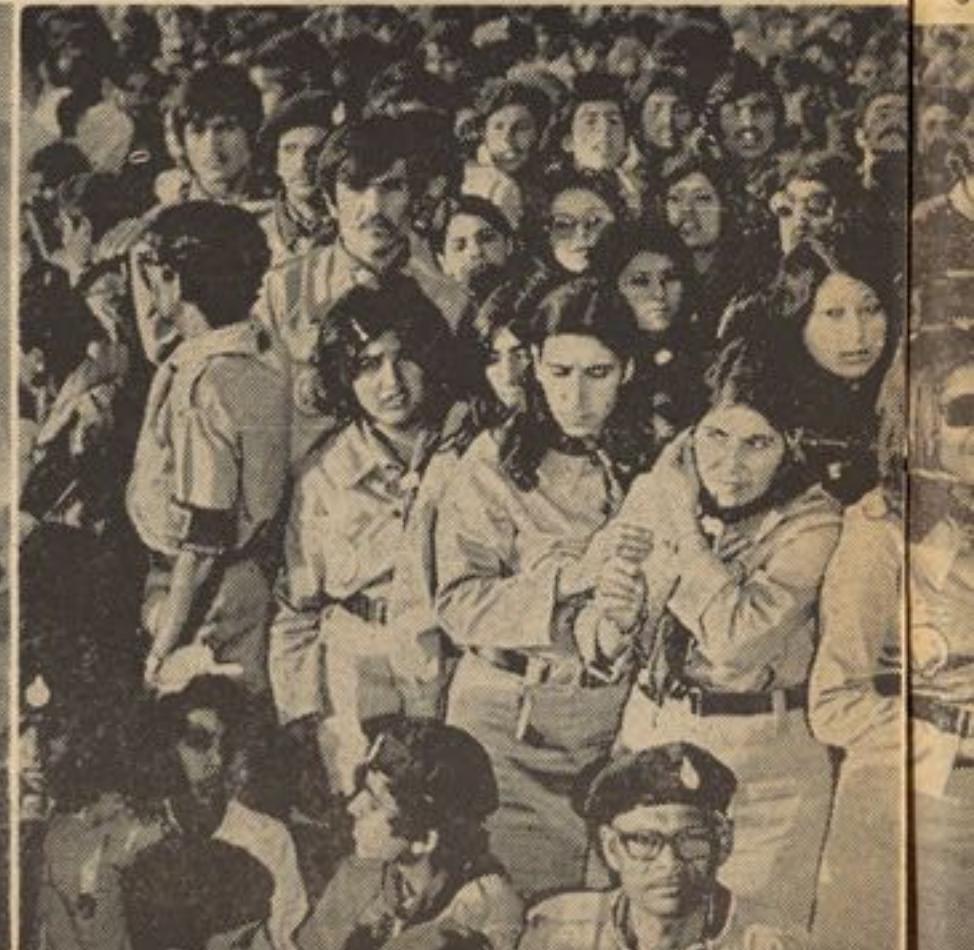
لطفا در باره ترتیب و تنظیم این سفر معلومات دهید که پروگرام های در تمام فعالیت ها و پروگرام های جمهوری که از طرف مردمون شان طرح گردیده بود فعالانه و موافقانه سکوتی؟

بدرآمده و افتخاراتی را نصیب شکل مسافرت گروپ های خارندوی

گردیدند که خیلی چشمکیر بوده و با گروپ هاویات های دیگر به کانی آنکه پروگرام های هنری و غیر متفاوت است. در مسافرت سکوتی هر گروپ از خود سر گروپ بود و هر گروپ از خود سر تروپ، معاون و

هنری خارندویان افغانستان اعلام عضو گروپ وظیفه مشخص داشته و

(ناتمام)



گروپ خارندویان افغانی حین نمایش لباس های ملی

صفحه ۱۹

# کوچه‌الحسیب خواندنی

## توصیه دکتوران

گروهی از دکتو ران موظف در یک شفاخانه واقع در کا لیفور نیا اظهار نظر کردند که نباید هنگامی که در رهان شما چا کلیست است، بخندید و فریاد نکشید زیرا ممکن است در نتیجه خندیدن، چا کلیست در گلوی شما بپرسد و شما را دچار خفگی کرده و در نتیجه مواجه با مرگ کر داند. آنها ضمن توصیه شان گفته اند که بهمین چند بیش خانم زیبائی به اسم «او لو رو س استانفر» به اثر بلعیدن چا کلیست دچار خفگی شد و مرد.

وی که به اتفاق شوهر شبدیدن مسابقه بیس بال رفت، بود در یکی از لحظات پر هیجان مسابقه، فریادی از فرط شوق کشید و بر اثر این فریاد، چا کلیستی که در دهان او بود میان گلو بش چسبید و در نتیجه مرد.



مجسمه فرمانده بزرگ رو سی میخائل کوتوروف (۱۷۴۵-۱۸۱۳) در مقابل موزیم ماسکو قرار داده شده است، یا به تختی که با نقاشی تزئین گردیده نشاند هنده رهبران مشهور نظامی و سایر مردم است. عمارت مذکور نتیجه کار مشترک مجسمه ساز تو میکی و مهندس گلوبوفسکی می باشد.

## چراز نهافر و شنده جوهرات نیستند

شاید متوجه این مطلب شده باشید که خانمها بکار فرو شنده گی دستکول بوت، سامان آرایش و مخصوصاً جواهرات علاقه زیادی نشان نسی دهند، دلیلش هم اینست که جنس لطیف حیفش می آید اشیائی را که مورد علاقه شدید خودش می باشد، بدیگری بفروشد.



## آدم فعال کیست؟ شهر «کوری»

آقای (کنت کرونکر) که هفتاد دکتر (جرج مارنی) روانشناس سال از عمرش می گذرد، از زندگی معروف انگلیسی میگوید: شخص کردن در سان فرانسیسکو خسته شد فعال کیست که کارش (قا بیل و برای رفع خستگی، یک شمارش شمارش) باشد.

و آنوقت برای اثبات مدعایش، وی این شهر را که (کوری) نام دارد و در ایالت (نیو اسک) واقع مثالی می آورد.

وقتی (سرادمند) به قله ایورست بست بقیمت ۱۰۰ هزار دالر خریده صعود کرد به نظر من کار مهمی فعل اآقای کنت، هم حاکم شهر نکرد و من او را فعال ندانستم. اما است و هم شاروال و رئیس اطفاییه اگر او بعداز صعود، گرفتاری در هیجان از مقاومه ای شهر و دیگر باره سفرش میداد و از آن ناحیه امور آن سر پرستی میکند تعداد بول میگرفت (فعال) بود زیرا بول جمعیت این شهر بیش از ۴۰ نفر قابل شمارش است.

## نمایش از لوازم بو لندی

یک نمایش سه ماهه بو لندی از قبیل ماشین، پارچه ها و لوازم خانه پای پوش، سه ماه رادیو، عطر، خامکدوزی و سه ماه فیشنی ساکنین مرکز استونیا را بخود جلب نمود.



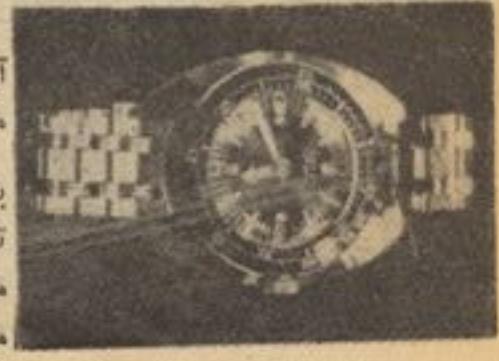
تخم یک نوع ماهی چند سال که قبل از اصلاح متحده آورده شده بود در لتوانی در حال ترویج است. تقریباً سی هزار نوع تخم ماهی در آبهای سوروزی تخم گذاری شده است.

چهار جمعه ماهی بامعتاد ساختن به

آب و هوا در بالتیک وجود دارد. این ماهی ها در آبهای سور و شیرین زندگی کرده میتوانند.



ساعت جدیدی جمیع غوطه زدن زیر آب در فابریکه ساعت سازی نمبریک ماسکو دیزاین شده که مقاومت آن بافسار (۲۰) اتومسیفیر بوده و میتواند تا به عمق دوصد متر در زیر آب مقاومت کند. آهن ضد زنگ آنرا در مقابل آب محافظه میکند.



ترانه‌یی برای :

## نگاه ۱۵

### سوخت

در هوای جلوه ات هم شمع و هم بروانه سوخت  
خشک و تررا آتش عشق تو بیباکانه سوخت  
براسیران تو لازم نیست قیدپالینگ  
پای نازک راتوان از گرهی فولا نه سوخت  
  
دل در ون سینه هیسوذ بس داغ بیکسی  
همچو شمع لاله کو بصرفه درویرانه سوخت  
پای تاسو آتش و چیزی ندا نستی هنوز  
جای دارداری عقل مادل دیوانه سوخت  
  
الفتی دارم به عزلت ورنه دام ودانه را  
میتوان از شعله یک ناله مستانه سوخت  
جای عرض خامکاری نیست بزم بختگان  
وای برشمعی که درمهستاب بی شرهانه سوخت  
فصل آسايش ندارد دفتر اصلی خیاء  
از پیش این نشدیر وانه اینجا تانه سوخت  
از خیاء قاری قاده

از توفیق

چند رباعی از سید حسن غزنوی  
زان جان گهنداشت هیچ سودم، تو بیس  
زان دل که فرو گهنداشت زودم تو بیس  
وان دیدم که نفس روی تونمود  
دیدم همه را وآزعدوم تو بیس

تاشربت عاشق چشیم زغمت  
درید که گهان ابی کنیدم زغمت  
قصه چکم بجان رسیدم زغمت  
آن به که بگویم آنچه دیدم زغمت

ای باع رخت گریز گاه نظرم  
گریاده صد هزار جان دکرم  
هر دیده زنگیں بجانی بطری  
 قادر تو بصد هزار دیده نکر م

بسیوی پیش، جهدگر ؟  
فروعده، شراره کش

که کاروان ازدی - بکوج وباره مرسد

\*\*\*

رفیق راه صبح شوا  
شگفت خیز ونور ده !  
بیام آرزو بتاب ؟  
بیام آشتی بیر !  
علا ؟  
علا ؟

تلاش کن :

که موج عشق وزندگی - ببرود باره مرسد  
سلام بر صنای صبحکه  
درود بر سحر که باز :

شیاع روز میدهد - زمان کار میرسد ۱۰۰۰ - به رشد  
شود: ووه که در کوره ره عشق ره رو خسته ولنکم

وزیشه دریچه، بسرعت گلشت ورفت:  
سدر دور دستها  
\*\*\*

درحالی چنین:

من، خوب دیدمش ۳۰۰

من، بهتر از هویشه، صمیمانه دیدمش:

دریاغ جسم او

بشکفته میست، زنبق سیراب خواب بود

وندر نگاه او :

گرمی دلنوازی صد آفتاب بود ۳۰۰

\*\*\*

بایک نگاه دلکش و گیراو گرم او :

سدر گلشن دلم :

سخنید بد بس شگوشه هیتاب آرزو

تابید بس ستاره نایاب آرزو

\*\*\*

بایک نگاه دیگر او: درجهان من :

خورشید ها شگفت ۳۰۰

خورشید ها که گردی شان، جاودانه است

میتاب ها، که تایش شان، شاعرانه است.

\*\*\*

وین نارسا سرود :

دروصف چشم وحالت هست نگاه او:

بکاترانه ام، زهزادان ترانه است

کابل - ۲۱ عقرب ۵۲

«ناصر طهوری»

\*\*\*

او باخورد ونار :

ساز هن، سوال گرد :

گاندو جهان حسن:

باز هر راه و آخر دریا و آشیار،

وزیر پدیده بی که فشگست و دیدنی:

زیبا تر وقتگر تو شاعرانه تر:

سدر دیده تو چیست ؟

\*\*\*

گفتم: دوچشم تو ۱۰۰

ساری، دوچشم فته گرودل سیاه تو:

مفرور گشت و گفت :

باز این، فشگتر ۳۰۰

\*\*\*

گفتم: نگاه دلکش و عالمتباش تو ۰

زیرا بود بدریده زیبا پرستمن:

زیباتر ازدی چشم تو: طرز نگاه تو ۰

\*\*\*

لب پست از سخن،

و ایکه، بقصد شکوه :

برهن، نگاه گرد

روزها، رژشم سیاهش، سیاه گرد

گذا: همین نگاه؟

گفتم: بلى همین نگه دلفریب و گرم :

اینکونه روز گار دلبرا تباه گرد ۰

\*\*\*

وانکه، نگاه او :

ازمن رید و خیره بسوی دریچه شد

\*\*\*

از: ساه امیر (فروع)

## له کنه هست عشق؟

اگون که سبل اشک ،

زیشم روان بود

نودهیان حلقة گلبا نشسته بی

خالل زاینکه یمن عهد بسته بی ۰

وکون کنار تو

داماد هست و شاد

ما واگر فته است

وندر دل گه آلود و هر زهاد

راز پلید هوس عانه هسته است ۰

\*\*\*

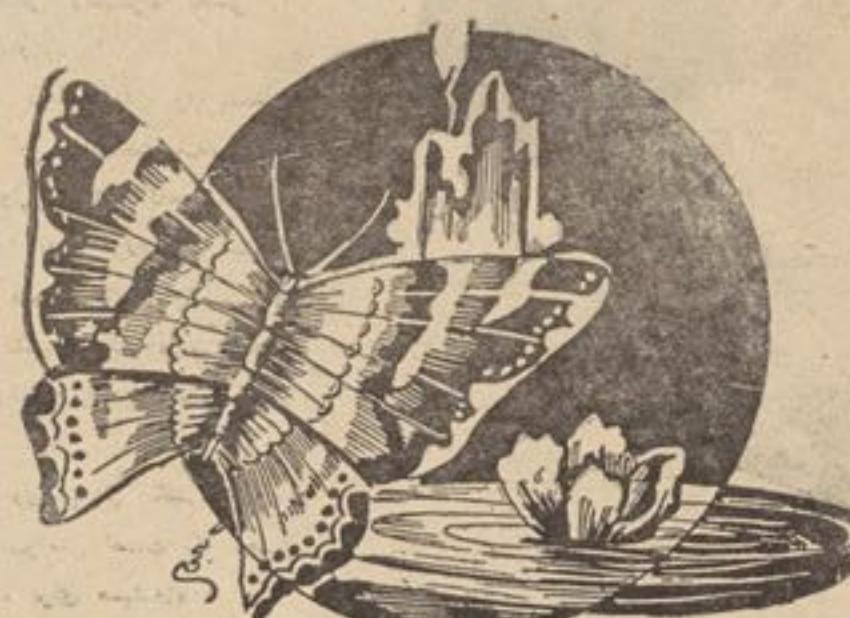
اما در بیخ و درد که چشم ان من هنوز

دو جستجوی توست

اما در بیخ و درد که قلب شکسته ام

در آرزوی توست ۰

\*\*\*



## تصحیح

در هفت ربع دوم بیت "عنتم عزیز" (قلب دورنگ) منتشره صفحه (کوچه باختر) شماره گلشت  
زوندون غلطی خانی رخداده گه امده است بصراح عذرگوار یدرینسان تصحیح و خواهند  
شود: ووه که در کوره ره عشق ره رو خسته ولنکم

# نورهاد داش



میگردید، بهمان زیمانه خود سر گشتر بوده‌زیرا سعی گردم با کلمات ارامش یک‌پیش اورا  
بیندان صحته مذاقیهای من قسمی بسود وی دربرابر پرلیس چیزی نداشت که بگوید  
هر دم متوجه گردیدند ماعمیشه شیوه‌نگاریم و کارکاره نهادنوانست با چالیانی فروخته‌زیوی  
از پیمان رسانیده، بهین زوند ها از ارامش  
ل بر میگردید . پایان صورت‌نگاری اسلام کسب اطلاع کند، عدم اطلاع زدن اعماجرا  
زده‌گی‌لت خواهدبود . تیسم‌دانشیانی گردیدن  
از اجام «عقل» بهمه بگوییم که از احوال شود سبب میگردد که هیات بورسی شرکت‌بینه  
بالاقام برق‌گشتم، طبعاً وی طور دقیق نمی‌داند  
نهست داده هیان امواج درعا سرگون  
بنی درباریکی بماند

چنین وائوده می‌سازم که من سعی خودم  
پیکرور که هرگز فرتوت به‌لتیابی رسمی‌دار شوامم گرد و دریابورد چه نکشه ای داشم .  
هم و گسریدن تجاوزه ایزایش با آنها  
ساحل شده بود زنگ پارچه درهم پالانک ولی راستش ایست که پایان زن فرسته  
نم، ولی ساعی من هله واقع نشده . من آمد بجهه درود وی، پرده‌های گلکن را  
تقوی احساس نمایم میگردم نه، اعتمت «تاایزاله»  
بسیار شد دیگر تنوانته اورا نییم .  
کشیدم تا پیگران از وجوده اوره اتفاق من

بینیکن بودم که چو پیچیده زیاد بدانش مالع آگاه نشوند، زن زیبا روی کوچ نشست و به بزد که پدرستی شناخته اوشوده این گریه اغاز کرد: شوهرش گویا دیگر فیر حسنه خود را بمن تصریف کرد و بود و من قابل تحمل میشود خوبی فرزندگی و سمعت شناسن مساعد برای خودم میتوان ازدم، روز پرور دروی فرت میگیرد، حسن زده زنش را لذتگش میشند کاهروز و بند بار اوروا کنلیمیزند، گریه های زن عوامل مراثت تعریف نمود، زن مظلوم بطور غیر مشخص بین فرماد که اگر زوادر چاره نشود، اگر خادمه علیاً پیش از شوهرش نیاید، دیگر وی هرگز نه تحمل را از کف خواهد داد.

حسنکه زن الالم را لرک گفت، بزدها را دوباره پس زم و به آیدیشه عیقی فرودونم درین تفکر، تکام الایی پیشنه به بیرون افتاد و با تمجیب دیشم که مرد منور با احتیاط تمام پایارشان نزدیک میشود وی تمسسا و گفترا بسازل برقشته بود تا چاپسو میکند صحبتاست وی پایه کسی را بایه دارد چنانه موجودیکه گاهگاهی مورد اعتماد وی بود من بودم، پس چه کسی میتوانست اطلاعاتی برای همسایه یدیست من هزارله شوهرها را لذت داده سرگشی خانی با آنفلزی خورد، بالاصله

روزیکه بازار هتل‌ها وی پس از خل، میان بحیره نگون گردید.  
مادرت خواستم وی چیزی را که نهاده فقط با  
وضع گرفته بظرف دید. چندگاه شوهدش را  
گرفت و رفت. تا وقتی اورا نظاره گرم که  
که ازاقل دیشم ینهان شد، بد و آرایه بازاران  
وی شدم و دلیلباب گردم.  
زن زیبا تعجب کرد که اینهار بین یکمل  
پسر نرخانه ام، ماجراهی شب گذشته و بازگشته  
ینهان وی موقع شوهرش را بان وضیع که  
درینم، برایش شرح دام و همانگونه که  
النثار داشتم وی باشیدن آن برشود نزدید.

بعد باخراج استراحت ایزی افهار کرد  
بنام خدا بهوی تکوید که اورا ساین بود  
وضع دیده اید، ذیرا در اصورت بدنگان قائمی  
افتد . شما یقیناً امیدواری وی چنان حسره  
است وی نمیتوانست در هر امر پرستاران  
زمالة موسسه شیر و خشک بدنگان راهنمایی در  
برادر برادر میمی اهل از حادث شواداری  
لذ زیبا در حالیکه آثار ترس در چشم  
الش مشهود بود، همه آن حادث را شرح میدان  
که محصول حسادهای بی محل شوهرش بود  
کند .  
وی میگفت شوهرش بالدری حسره استه که  
پا بر اوردن از مدتها یا بینظر حرف نمیزد.

ذکر گردید مسایل تحریر فرستاد این کار نیز با چنین وضعیت اول است بود  
برقته ماهیگیری است، آنکه که عردد میان مدت طولانی باوی سازش گند هدایتش به  
نایق درنتنه دوزلار ساحل شنگول میشویم زنجیر زنگه زماین میباشد که هر چیزی باید پوره  
نخست باید ازوی تھاضا کنم باید میتوانم این سعادت این میتوانم این سعادت  
باید داین خیلی ساده است  
بالآخر بخریداری یک قایق مونو روی جدید ان سعر هیکو در اصل بخود مستطیل باشم  
موفق شدم و از این نیز از این القاع اطلع در هنله باوی البخت براست سروالات  
دوستانه ای طرح هیکو و گاهی هر ای لباس  
دائم این لختیں گام بود که همانجا موقتیست  
که اینجاست در حقیقت باید عمل حسادت  
اورا براگیخته، ذیرا وی هرگز نداشت  
آخر مردمیکه در بیان گشت هارا هیدینه و قضا  
برای قایق زنگرهند که بعده خود را بسرمه  
آوردند که غالباً بیش از نیم ساعت وقت را  
دانگی دهندرا از صورت پرسخورد های من  
و اینها اشتبه اینها رسانی های احتسابی مسئلان  
پار اوی که وی در اثر تھاضای من  
آن بوسیله قایق جدید بمحال ماهیگیری داشت  
هر طبقاً تصور میکرد که بعد از این دریک ساعت

سما همیشه یکجا بمحل مطلوب خواهد داشت.  
بروسله تایپ موثری جدید من... در حالیکه  
از قاتنه هیوس و خاصه های اخلاقی وی بعدهی  
چند

پس من آمد که اگر موظع همرا می باشد  
لطف میکرد تا خود شنید پس اهل مظلوم میشد  
شامل نکته من بوده بار دیگر نیکان ششم  
لذتمن را در قایق من بگذارد. وی درین  
قایق آرام نشست پیوسته چاهروض میکرد  
و تو زمان های حاکم از سنجاق تا فر و تالف  
و عصیان بر میکشید برای من غلبه میکرد

زد. جوان وزیبا بود. چشمهاش به‌آهون راست و میان پدها علی‌ورق شامم رفته است. خوش صحراء همچنانه صدایش تاثیر انگیز و زندگیش بازن حسایه صحبت کرد. این‌بلد از پراز مکالم درینج بود...  
مرد، سال‌گذرده و غرفت پاربود. به دسته استطوانی که پتو روی تک و رورفته خشن همیافت بشد. ازین صبح‌بیانی گونه‌ای خوشانه بر کاهش گویه کجاچ غریب رایه‌دار می‌گردید. زندگانی مطمئن قدم ملخص اصلی درایجاد نا اورا داده‌هایی تشکیل می‌داده؛ ماهی گیری نعلایید های خانه، مرد است. لذتی اورست که درد... لذتی را لات و گوب گشتن، یعنی فرشته بود خوش و سرست پارمزل را حمیشه می‌سازد (گز اولیا شد)...

من بطور حق میدانم از توکتم این هو جود  
این خوبی به چشم برود؟

حال دیگر بخواهم همه پیرز را بدیم  
نه آن خواست را صادقانه و با حضور وجدان  
پیوسم، لوسنه من نسباً انکار از والعت  
نیست، خود را پیش است، همه پیزدا پنهان  
نمیکنم، همچنانی بآن سی اندازم و چیزی ازان  
نمیکنم، همه پیزدا غیرمیسم، همه را آنکه  
که والعتند...

شاید این تکرارش والص یعنی گفت کند پیاقت تخصیص خود بیندهش - با  
شاید آنهم وحشت این فرس چهنهش راکه هر مسایه توصیه گردیده باشد پیش از  
تسب برآمد من آینهور شب با گستر ش خاموش بعایله واطینان دادم که مایل  
سپاه عول اتکز و افراهم میکند تعریف پیش را بنی وکادرد. از شوال صحبتی از  
فریاد گنون، ازین بیرون شاید تکرارش اینم باین حقیقت بس بودم که اگر بشنو  
جاده اته، سکون از امش بخشیدم حدیه کند هوم... پیشوهرش حاده ای پیش آید  
کاظمی (دیگر) میتواند الاعراض تقاده  
واسایش زندگی یعنی بازدیده.

پاراجلی من هرمان بازورد همسایه چدید استفاده کند، همچنان وی زندگیش را  
بخدمت نیامد، بلکه تدریجاً درد سری ایراهم تراویط دلخواهی بیشه گردید بود، پس  
از چند هنگ، بعد از روزهاییکه هلوچه شدم در سورتیکه وی پاتر کلم حاده ایه  
همسایه بوده منزل متصل ایانشان من بنی جهان را بدرود میگفت، شرکت بیمه

عینیت دعوازه من اندارد. خانم یاکوپیدر بر مبلغ بیست هزار را پلاس میپرداشت  
نذرگری، دعوا و ستره چوبی همسایه که بمن آینده خود را نوشتن میدیدم. پول  
از ریاضیات ندارد داشت میگردید، ولی وقتیکه ان مرد فرتوت پادوچند میشنی که ادار  
اسنان درینه بامسایه اش زندگ کند، میپرداشت و غایب محدود خودم، چنان  
طیما بعضی چیزها من بینه و همه چیز را  
که اینی برای دوام زندگ مرغه من و  
میشند، شب و روز دعوازه ها بهم میپرورد، ماهیت موسمی یعنی از دوبلانه و ایلور  
کاسه و پیشگاهی شکسته، دو و دشانم حالت  
حسان یکی جایات پاشکوه و میسرت یکی  
مشهود است

سیری قدم، میز او ...  
لخته‌ترین باریکه دیدم زنگ را  
کنکه هیزند، بیش از حد تراحت شدم  
تازع را تضمیم، ولی مطمئن کنم و میز  
مثل هیشه دهور را آغاز کرد بود -  
میدم که پنجه خوبه های سپاه  
پنجه های وی من شنیده و بیاد دارم  
خشن‌بایرا گفت: درهشت را بیند، لسو  
تربیته!  
من در آرودت بهوی چیزی نگفتم،  
خود گفت: «حالا موقعت هست که  
خودت بسته شود... برای هیشه!»  
از آن لحظه پایه‌پدیده‌الدیشه یافته ولی  
برویم چگونه میتوانستم هوشیارانه اورا  
سازم؟ قلقلی باید چطور پاک‌جاده  
روانشته باشد تا شرکت ییمه‌ماجران بهیز  
وجه مظلوم گردد قتل ماهرانه ایکه  
تضمیمی راموچه من نسلاخه و زنگ لین  
عادتاً بکبار ساحل داشتم سیری هیگرگیم.  
یک بنداریکه مرد همسایه ساحلی  
طبع زن همسایه داشتم یعنی بیرون بلکه  
مرد چیزی هیچوارست آن مرد بود که زنگ را  
به سایزه چویی و دادار هیگرد مرد همیشه  
آغازگر ماجرا بود درودی هرموضع ناچیز  
نهادیان هیگرد، شاید علت اصلی برشان چویی  
من دعاصی آین بود که زنگ زیبا و جوان بود ،  
مثل اینکه او درین امر تضییر هادست! مرد  
نهادگر کرده بود و در طول روز کاری بز فکر  
کردن روی من و سال و مسایل جزیی نداشت  
پاسخ‌نایی ساده‌تکه و قل همیگری همراه  
سایر اوقات پیکار یافخانه همیشگو و آمال  
زنگ ایجاد هیگرفت، گاهی هیگفت: بهترین  
هزیست دوران نلاید ایست که انسان وقت  
کافی برای همیگری دارد. من صرف در همین  
مرد باید هسترا بودم، تیرا من هم مالکه  
اویس‌هیگری علاقه داشتم و مسایل همیگری  
عادتاً بکبار ساحل داشتم سیری هیگرگیم.

دیو پیشتو نستان آواز:

## دآسمان دغ

داوری ای ددغی خمکس او سیدونکو  
له اسماهه چسی آواز را خسیده دهی؟  
دآزاد یو ساعت زوند په آزادی گسی  
دغلام تر دایهی زوندون له بنه دی؛!  
فضل احمد فر دیپنونستان ملی شاعر

او لس ادب:

## فن راشه مه جبینی

خمار و ستر گو دی یه زده ویشلی یمه  
پیر لم خودلی یمه نن راشه مه جبینی  
.....  
زما دی زده قلم قلم کرو  
نن راشه مه جبینی  
ذری ذری دی یه پیرغم کرو  
نن راشه مه جبینی  
زه خودی بین اجله نن وزلی یمه  
پیرغم خودلی یمه  
.....  
غمو نو سنا کرمه بدحاله  
نن راشه مه جبینی  
اویس خو چنانه خبر واله  
نن راشه مه جبینی  
ستا حسن و عشق دوازو زه لوتلی یمه  
پیرغم خودلی یمه  
.....  
پیرهم خوزده در پسی زایدی  
نن راشه مه جبینی  
شرین وصال دی رانه خوابی  
نن راشه مه جبینی  
پیرغم خودلی یمه  
.....  
مشکل به عمر گن بیلتون دی

نن راشه مه جبینی  
بغیر له تانه خه زوندون دی  
نن راشه مه جبینی  
زه هطبر دی محبت سوزلی یمه  
پیرغم خودلی یمه  
نن راشه مه جبینی

# داد غوژی

هندلی یز، س

ادیس بونه:

او سنی ادب

## د هینی جام

هینه هن ابرناسی چسی ساراهه پنا یوسمه  
خیال دنگلی هنچه دی رایاد سی بد خوبونو گی  
در دیبلتا نه گی دی که هر سمه پری خوبس یمه  
ستا خمار و ستر گونه چن و گورم بی خودس  
لر خودانه و خانه چی زوند ته امید وارد سه  
هه بیز بردہ چی غم کی دی زیانه پنا یوسمه  
هس شراب نخواه چی دنیا راخنده هیره گی  
داغلم سنا درشل ته چی لر لیوری سنمونونه  
را که یودهینی جام چه زندمی یول خوندونی  
ستازللو گی کیریم کوم در گانه پنا یوسمه

عنایت الله معراجی



لرغونی ادب

## راخخه یووو

ستادی خواب الودو ستر گو خواب راخخه یووو  
شونم و دی لذت دمی ناب را خخه یووو  
پیری بی صبوری نه صبوریه صبورت گی  
زده بیله یار دریم هطر ب سره یو خای شول  
یوسافی بل یار دریم هطر ب سره یو خای شول  
زده بیله نفعو سره سوری که هطر بانو  
عقل ساقیانو یه شراب راخخه یووو  
نور جاودی نهدی خیل احباب راخخه یووو  
خه شوکه بیں یووو خسته دل می تری قربان شو  
شفل دکتاب دی بل کتاب راخخه یووو  
هر اسباب چنی ماخخه دزهد و دیره هنزو  
گیری مار حمن په زده کی نقش دمحرابو  
ستا ابرو یو نقش دمحراب راخخه یووو

اویس چی ته نهیں، نو دازنده به خنک  
کراد شی؟  
اویس چی ته نهیں، هفه ترانی چی  
به مو یه گبه ویلی .... اویس هفه  
تر انسی یولی بی خونده دی ... خکه چی زهیں  
له خانه سره واویم ... نو هفه شان چی مید  
زوند ید گلنو گی نه بوی شته او نذر نگ  
پاتنه دی ... نو غیر من هم مات دی ... اویه  
مات غیر ترانه ویل هیخ خوند ته لری ...  
بی له تا هر خانی راته سور بیکاری، اوله  
هر خانی خنکه دیوی زده چا دودونکی چویتبا  
انگازه گیری، او هیخ لشته ... لکه دبرا خو  
دشنبلو له لمنو خنکه چی کوچیانو گبه کی روی  
او نوری لمنی هسی متروکی یاتی وی.  
خواوس لر لر پوهیم چی تا هاتهدوکه  
را کدی ... تا غولولی به خکه چی تا داده هر  
قدرتی هم راته ونه ویل چی زه در خهدولایم  
... دخدا یه امان.

خو زما هاتشوم اوغم لیلی زده دی سره  
ددی هم چرته هیروی ... نوبه زه در ته  
وواهم مسافره آشنا مغی ته دی په !!  
چی هیره من تکری ...  
ستا تر داتک پوری به داماشوم او ناکرار  
زدگی یه خه شی گراروم ??  
\* \* \* مصطفی جهاد \*

گئنی ادب:

## دوادھ سندھی

ناوی و رادی راغله تک دی نشته  
دیستونی سپی رانگی چی فلاٹی یور دی پرست

ناو بی و رادی راغله بودی بودی  
هفه دی نیم چتنیس نیم کر بودی  
ناوی بی بلو دی زیره بخه ده  
نلوبیس و رادی تسلو له دمج خوده

ناوی و رادی نه راغله مانیام شو  
ناؤی و فسلانی شپه په گورستان شو



د عنایت الله مجرابی ټباره

# په یو گه سلاو یا کې کلیو الی ژوند



په مونت دور میتور کی دزا بارجاك د کوچنی پساري یو خنده دخرو ټېرو چک غرونه د یو گسو. دهغه دلورو برخو خنخه ورو ورو د سلوپا د مو نتني نیکرو سیمی ویلی کیدو به اثر منځ به کښته روان خورا خا نګړي خصوصیت شول، تشكیل شو چه دا حقیقت نن دی مو نتني نګرو چه د ورڅ به نوموي یو غره کی دا وو لسو یو گو سلاو یا دا وو فدرالی جمهور یخچالي جهیلو نود موجودیت یه سیله یتونو له جملی خنخه دی اکثرا دلورو تائید یېری نوموي یو جهیلو نه به هنغو دسیندو په نامه یادول کېږي. دد ی زورو خوپونو کی پراته دی چه یو سیمی دلورو خوکو خنخه سپری دد یو اوخت دی خجانو نومتابه یو. دا جهیلو نه جالبو او پنکلو طبیعی متظر و ننداره خینې یې چه د زمیغا نجی (دماء ر کولای شمی).

جهیل) مودرو (شین جهیل) (دلبلجی دیبوا او تارا دندو غرنيوسیندو نو (دعا یانو جهیل او وارزی (دد یب به منځ کی توله له پیاسنې د کله سیمه خوکه ده، خورا رنگینو منظرو یه بنه افسانو ی کیسی خپری کړی دی زیات بنا یست لری چه خوکی بوبو توف کوک خنخه چه د تقریباً د منلو و پنه دی او د منځ نګرو د جمهوریت ور تولو لوړه محلی خلکو به منځ کی یې ډېری خوکه کونکی ستړ ګو ته درېزی. دننداره یه دی جهیلو نو کی کونتو جزیرو (تور ډېری سندريخه سیمه کی د سوشیکا، جهیل) تر ځیلو زیات پیاسنې دی کور نیکا، بیوا او تارا سیند ونه او ډېری و رومتيو وختو کی دهغه یه دهونت دور میتور دغره یه دنگو ژیو باندی یو عصری او ډېری هر سا اړخونو ډېری شوو پانیونو او غارونو هوتل جوړ شوی دی چه شاوخوا ته یه منځ کی خپل لاره پرانیزی او ډېری یې دشپنو کلیوالی کورونه به خاص پنکلو او جالبی منظری جوړوی د تارا دول جوړ شوی دی ددی سیمه یو بل پیاسنې پانه یه خینو برخو کی تر دهیں وړ جهیل د او کو (ستړ ګه) ۹۰۰ مترو یوری ژور والی لری. یه نامه یادېری چه آرامه سطحه یو دهونت دومیتور غر دیخی یه عصر کله کله دهغه دتل داوزغور خو نکو کی هغه وخت چه خورا ستر یخچالونه ډېر و دهونت یه وسیله سره خپر ل

لطفاً پانه ډېر و ی

صفحه ۳۵

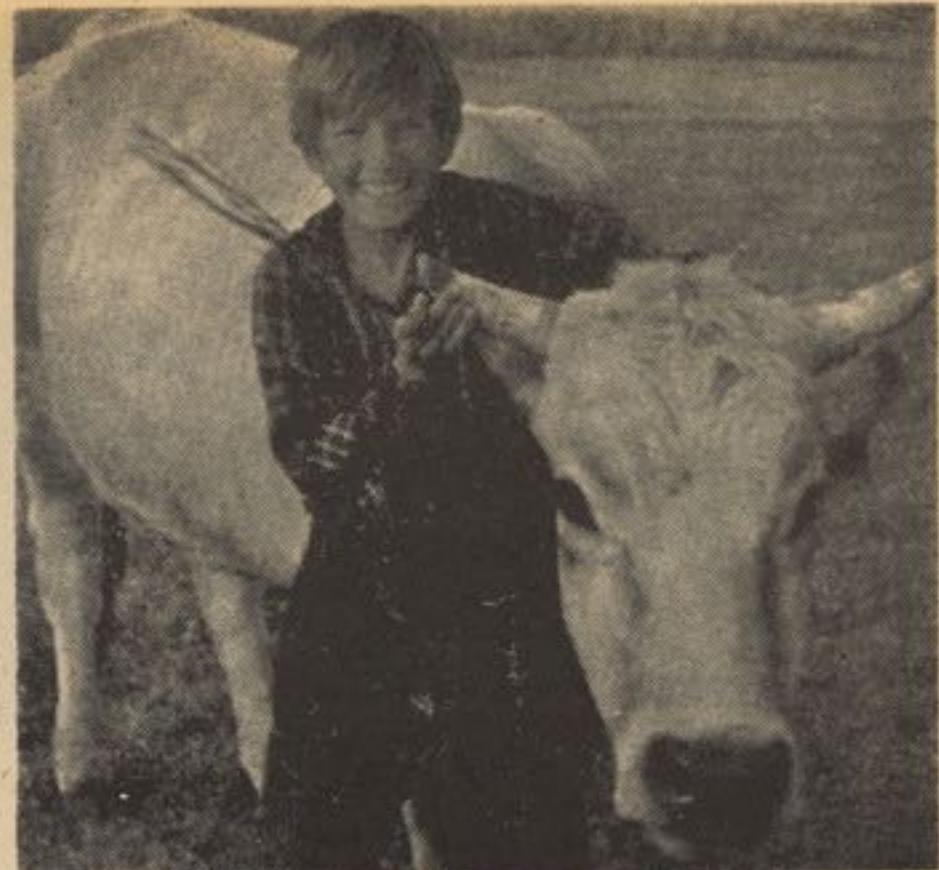
داهم دهونت دور میتور یو کلیوال بودا

شماره ۳۷

د هونت دور میتور دسیمی خلک به شنو لخایونو کی دھیواناتو درو  
زنی له لاری خپلھوسا زو نسد تامینوی .

واي چه شاپیری ددغه خای په جھیلو نو کی لمبیری او بھ سحر آمیزه  
توگه د هفو او بھ صاف سانی .

نه دغه غرنی سیمه کی انسا ن او طبیعت په خورا بنه توگه سره جو  
شوي دی .

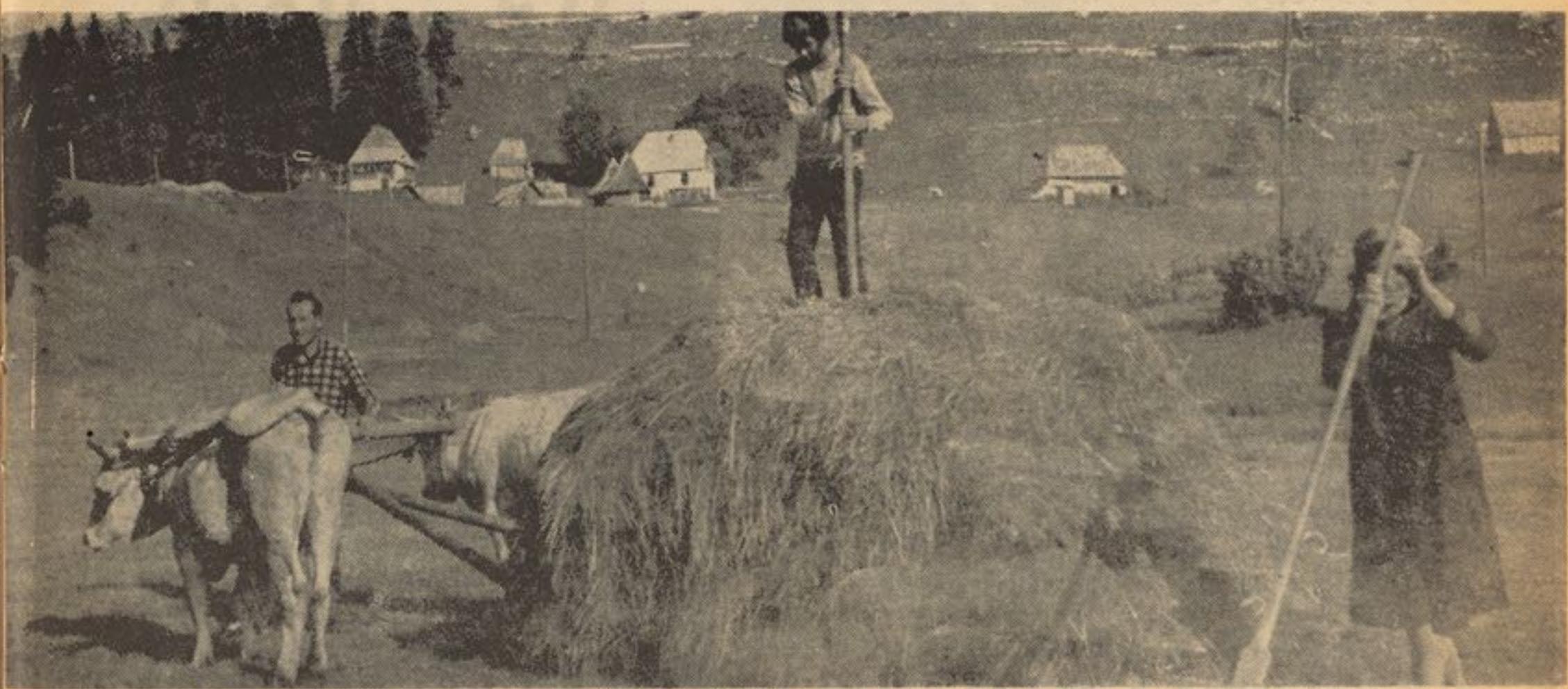


دور میتور دغره بودھو که چه ساوین نه یوه پیغله خوبسہ کپری ددغه دور  
کوک ( دساوا ورون ) نومبیری او عفه تر تائیر لاندی یوه نوم ورگی  
نه نزدی دساوا بنا وو دا ( ساوا چینی کلیوالی غزالچی خبله مشبوره سندره  
 ) به نامه چینی هم دنوموپی صر بی ولیکله چه مطلع بی داسی ده  
 شپزاده روحانی او بنوونکی یه دساوا چینی ته زما بی تمره سفره  
 نامه نومول شوی دی دخلکو افسانو له او لکه چه ویل کپری داسندره دیوی  
 مخی کله چه دغه مقدس سری دخبلو داسی نجلى لخوا ویل شوی دمجد  
 ملکرو سره دهونت دور میتور دیری یوه میره دنسکار کولو بھ نیت نوموپی  
 نزدی خوکی ته و خوت نوھلتہ دخان چینی ته وزغلی وہ خوبیرتہ یوازی  
 دھوسا کولو او سباناری خور لو ، خواشینی او نامیده خبل کور ته  
 دیباره تم شو او بدهنے وخت کی یسی ستنه شوی وہ .

دخبلی لکپری یه خوکه پر مخکه ددور میتور جھیلو نو او یاد هیندا  
 باندی دصلیب شکل و کیپس چه به سری به شان صافی او بانکی دی د  
 ده خو تر او سه پوری هم دھفویه باب اودعایی و کپری جی ددغی دعا په ائر  
 چینی په زیده بوری کیسی او دنسایری بو سعدلاسه به نوموپی کلی با ندی  
 افسانی موجودی دی ددغی سیمی سیلاو راغی او او بھ دومره زیما ته  
 برگران واي چمد صربستان دوا کمن شوی چه پر سطحه باندی بی د یو ه  
 سنتیغان نمانجا کشر زوی سنت ساوا کشیش دنوری خولی خخه برتہ بل

چه د صربستان لومرنی سراسف وو هیچ شنی نه بسکاریدل دسیمی داو  
 و روسیو و ختو بوری په دغه خای خنیو ته را کښته کپری او هلتہ  
 کی هر کال میلی کیدلی او بد غو نخپری ، لمبیری او خوشحالی کوی  
 دغی سیمی ته بی سفر و کپر او خرو سیدونکو په عقیده له همدي کبله  
 ورخی بی بھه کلپی کپری تیری کپری نوموپی جھیل دنور جھیل په نامه  
 میل کی بھه دنر دنر کلیوال نو دوی واي چه دغه بنا بیری خبلو  
 چه دخلکو درواياتو له مخی د فرصت تر لاسه کاوه چه هر یو خان آسمانی کلاگانو ته ترستنیدو دمچه  
 یاد بزی دخلکو درواياتو له مخی داوسنی

### په یوو خرخایونو کی کوچنی شپانه



دهونت دور میتور دنسکلی سیمی یو کلیوال بز گر



دمونت دور میتود دکلیوالی ژوندبوه منقاره

دشپتو ددویه بر کورونو او خورو بشماری مرکز دیلوسو خصو صیانتو  
در ۱۵۰۰ مترو به اور والی کنیستم، دوه هوتلوا نه، یو زیات  
دی هم (دور میتور) دغه به شمیر بلورنخی، وه دیوستی اداره  
سلسله کی موقعیت لری، دغه پنار یو کلتوی کلب او سینما یو رو غتون  
زرننه او سیدونکی لری اود هغه داتو گلونو دزده کری دباره یو  
کامیون مرکزی چه دور میتور توله لومرنی بشونخی او شاوخرا کلیو  
منبع ده .

دشپتو ددویه بر کورونو او خورو بشماری مرکز دیلوسو خصو صیانتو  
در ۱۵۰۰ مترو به اور والی کنیستم، دوه هوتلوا نه، یو زیات  
دی هم (دور میتور) دغه به شمیر بلورنخی، وه دیوستی اداره  
سلسله کی موقعیت لری، دغه پنار یو کلتوی کلب او سینما یو رو غتون  
زرننه او سیدونکی لری اود هغه داتو گلونو دزده کری دباره یو  
کامیون مرکزی چه دور میتور توله لومرنی بشونخی او شاوخرا کلیو  
منبع ده .

دسبیده داغ بـ وخت د نومورو روزلو بوخت دی، یدغه خایوکی د  
جمهیلو نو به او بـ بـاندی یـو دـاسـی (کـانـون) بـ نـامـه دـشـپـتوـ مـوقـعـتـی  
دولـ مـسـخـرـهـ آـمـیـزـهـ موـادـ شـیـندـیـ چـهـ استـوـ گـنـخـیـ دـغـرـوـنـوـ بهـ لمـرـیـزـ اـرـخـ  
دعـغـهـ اوـبـهـ صـافـهـ اوـ خـلـیدـوـ نـکـیـ کـنـیـ دـ ۱۵۰۰ اوـ ۱۷۰۰ اوـ سـاتـیـ .

ددور میتوسیمه همدارنگه دغوزی لـروـنـکـوـ اوـنـورـوـ وـونـوـ دـغـیـرـ مـعـمـوـ لـیـ  
دوـلـوـنـوـ خـنـگـلـوـنـهـ لـرـیـ چـهـ شـمـرـتـ بـیـ دـغـهـ شـیـانـهـ دـخـلـوـ لـوـیـوـ رـمـوـ دـبـارـهـ دـ  
خـورـاـ زـیـاتـ دـیـ دـغـهـ سـیـمـهـ خـوـشـلـهـ تـدـرـیـجـیـ دـوـلـ (ـدـورـمـیـتـورـ)ـ تـرـنـسـبـتـاـ  
لـوـرـوـ سـیـمـوـ بـورـیـ بـرـخـنـتـ تـلـلـیـ دـیـ بـهـ  
لـوـمـرـیـ سـرـکـیـ هـغـوـیـ بـواـزـیـ دـسـرـایـ  
وـرـوـسـتـیـ وـرـشـیـ اـوـ دـوـیـ مـیـاـشـتـیـ  
بـهـ نـومـوـرـوـ مـوـقـتـیـ کـوـرـوـنـوـ کـیـ تـیـرـوـلـیـ  
اوـدـ منـیـ دـلـوـمـرـ نـیـوـ بـارـانـوـ سـرـهـ  
جوـختـ بـیرـتـهـ خـبـلـهـ چـهـیـ بـهـ غـرـوـنـوـ کـیـ  
ستـنـدـلـ خـوـکـلـهـ چـهـیـ بـهـ غـرـوـنـوـ کـیـ  
داـسـیـدـلـوـ سـرـهـ تـطـابـقـ بـیدـاـ کـرـ ،

خـزانـ لـرـوـنـکـیـ وـپـیـ دـدـلـفـیـ غـرـنـیـ  
سـیـمـیـ بـهـ نـیـتـهـ بـرـخـوـ کـیـ زـرـغـوـنـیـرـیـ  
بدـاسـیـ حـالـ کـیـ جـهـ غـوـزـهـ لـرـوـ نـکـیـ  
وـنـیـ دـهـفـیـ بـهـ لـوـرـوـ سـیـمـوـ اوـ هـغـوـ  
دوـیـ کـوـجـنـیـ اوـ سـخـتـ سـرـهـ غـرـنـیـ  
آـسـانـ چـهـ بـهـ حـیـرـاـنـوـنـکـیـ چـکـتـیـاـ سـرـهـ  
اـرـاحـ خـبـلـهـ چـهـیـ بـهـ غـرـوـنـوـ کـیـ  
چـیرـ اوـبـرـدـهـ اوـ سـخـتـ مـزـلـونـهـ وـهـیـ ،  
رـوـزـنـیـ دـسـارـهـ خـورـاـ بـسـهـ شـرـاـیـطـ  
بـرـاـبـرـیـ، دـغـهـ دـنـدـهـ دـدـیرـوـ بـخـواـ نـیـوـ  
وـخـتوـنـوـ رـاهـیـسـیـ دـدـیـ سـیـمـوـ دـ  
اوـسـیـدـوـ نـکـوـ دـرـوـنـدـانـ اـصـلـیـ  
خـوبـنـیـ نـورـوـ غـونـدـوـ تـهـ رـسـوـیـ ،

دـ (ـدـورـ مـیـتـورـ)ـ بـهـ لـوـرـوـ بـرـخـوـ کـیـ دـ  
سـیـمـیـ بـهـ لـوـرـوـ بـرـخـوـ کـیـ دـاسـیـ کـلـیـ  
وـختـ کـیـ دـسـوـلـیـ اوـ جـکـرـیـ بـهـ شـرـاـیـطـ  
کـیـ بـهـ ذـرـگـونـوـ گـنـورـیـ ژـنـدـیـ تـرـسـهـ  
کـوـیـ، کـهـ خـدـهـ نـومـوـرـیـ بـسـارـ دـنـفـوـسـوـ  
لـهـ تـظـرـهـ نـسـبـتـاـ کـوـچـنـیـ دـیـ خـودـیـوـ بـرـانـیـسـتـلـیـ وـیـ .



دمونت دور میتور داوـسـیـدـوـنـکـوـ دـرـوـنـدـ خـینـیـ بـرـخـوـنـهـ

اثر: م.ت. آمی بیک  
ترجمه: ع.وح. ایلدرم

# علیشیرزایی

## تا اینجای داستان

خبر باز گشت نوابی به هرات و انتصاب او به حیث همراه دار دولت چون حادته مهمی انعکاس میکند. مردم خراسان این تقدیر را به فال نیک همگیرند و چشم امید به سوی او میروزند.

چندی بعد میرزا یادگار یکی از شهزادگان تیموری علم بغاوت بلند میکند و با وجود شکست فاحشی که از حسین بایقرا میخورد، در اسر خیانت برخی از بیک ها و منسو بین سلطان موفق میشود هرات را اشغال نماید و برا ویکه قدرت بشنیند.

حسین بایقرا پس از هدتی آوارگی در نواحی بادغیس و میمنه، سر انجام در سایه تدبیر خرد مندانه ای که مورد تائید علیشیر نوار میگیرد، شبا نگاهی بر هرات هجوم میبرد و قدرت از کف رفته را دوباره بدست می آورد.

توغان بیک یکی از همدم سران میرزا یادگار که سمت چاکری مجلدالدین را نیز دارد، در دوران تسلط میرزا زاهد کور هرسو تاخته و دست تقاول بپر طرف دراز میکند. او اکنون از کرده خود پیشمان است و در حضور مجلدالدین تلاش هیورزد تا روی اعمال خود برد بکشد.

مجددالدین نگاه میکردد رچشمان او بروت خود بازی میکرد لحظه‌ای همان بجای خشم، اثر تشویش و نگرانی طور خاموش نشست. سپس از عمیقی خوانده میشود. مجلدالدین به په جا جنبید و برای اینکه به راز دل خشونت گفت:

- جوان آیا بیش از این هم شرم. خود زمزمه کرد: (معلوم میشود که ساری ممکن است؟) دیگر آرزوی ما از خراسان قطع

- جناب باور گنید خداوند شاهد شده است.)

است که در آنوقت حتی یک لحظه - پنهانی، میخواهی راه گریز در هم از یاد شما فارغ نبودم من از خود بیش گیری؟ مجلدالدین نگاهی کنایه فکر مایی داشتم، اما چه کنم، بخت آمیز بسوی او افکند. توغان بیک پاری نداد.

در میان مردم این شایعه پخش گردید که گویا حسین بایقرا سپاهیان خوش را از دست داده و برای اینکه خویشن را از اشارات نجات بخشد با دسته‌ای از جوانان بسوی هندوستان گیرخته است و عموم امراء بیک مای وی به میرزا یادگار بیوسته اظهار صداقت و وفا دارند... من ساده دل اینکونه شایعات را حقیقت پنداشته بیه

خدمت میرزا یادگار پیوستم، پنج

شش روزی هرسو تاختیم و های و هو برای اندختم، اما سر انجام کار به

را در بر نموده، به دور دسته‌ها خواهیم کرد و تو وظیفه خود را

بگریزد، و در حالیکه با تارهای صادقانه انجام خواهیم داد دیگرچه می

در همین لحظه توغان بیک بازدیگر از خاطر گذرانید که با یک اسب و یک تازیانه راه سفر عراق یا آزر-بایجان، یا دشت دور افتاده قبچا ق و یا چین را در پیش گیرد... اما با پمپ اینکه اگر ماجراهی او پکوش مجلدالدین رسیده باشد، شاید خودش در صحبت باز نماید، سکوت اختیار کرد. لیکن مجلدالدین فقط در باره زکات و مالیات ملعومات خواست.

توغان بیک در باره اینکه تا کنون چقدر مبلغ جمع آوری شده و چه مبالغی بر ذمہ چه کسانی باقی مانده و مبالغ کرد آوری شده را بنا به پهادیت وی به ابوضیا تسپیم داده است. تا باتانی و بدون شتاب معلومات

داد. مجلدالدین کف دستها را بهم ساییده گفت: (آفرین اگر صد تا جوان مانند تو در اختیار میداشتم میتوانستم هفت اقلیم را در تصرف خویش در آورم اگر خدا بخواهد در آینده یکجا با تو کار های خوبی انجالم خواهیم داد) باشندین این جملات ناگهان چشمان توغان بیک در خشید. او در حالیکه چشمان خود

را بازبسته میکرد گفت: ازین چاکر بی ادب شما خطای سر زده که حتی نمیتوان بر زبانش آورد...

طبعاً روز بی شب ولایه بی داغ وجود ندارد. این خطای بوده است. توغان بیک با آوازی پست اظهار داشت:

- در میان مردم این شایعه پخش گردید که گویا حسین بایقرا سپاهیان خوش را از دست داده و برای اینکه خویشن را از اشارات نجات بخشد با دسته‌ای از جوانان بسوی هندوستان گیرخته است و عموم امراء بیک مای وی به میرزا یادگار بیوسته اظهار صداقت و وفا دارند... من ساده دل اینکونه شایعات را حقیقت پنداشته بیه

خدمت میرزا یادگار پیوستم، پنج

خواستی!  
توغان بیک اظهار سپاس دهنده گرد و بعد از جا برخاسته گفت:

((تحفه کوچکی برای شما داشتم)) مجلدالدین به کیسه اوجشم دوخته پرسید: ((کجاست بایاور!... بلی، شایع است که در زمان میرزا یادگار اشیای بس نفیس و گرا نبایی را از «باغ زاغان» به تاراج بردند. توغان بیک تبسم کنان اظهار داشت دو تحفه من به پای خود می آید!) واز اطاق بیرون رفت او نزدیک دروازه اطاقی که در جوار طوله اسبها قرار داشت توقف نموده نور بابا را صدا کرد.

- های، زاغ لنگ، کجا بی؟ کلید را بایاور! نور بابا از طوله بدرآمد نگاهی آمیخته باشیبه تردید به توغان بیک افکند و آنگاه کلید را از کمر بند باز نموده بوی داد. توغان بیک دروازه را به عجله باز کرد. از گوشه اطاق در چشمان دلدار آتش خشم شراره گشید.

توغان بیک خندید و بمالیمت حرف زد:  
- دختر قشنگ، حالا بر خیز تا با هم آشتب کنیم.  
دختر بسرعت از جابر خاسته فریاد گشید:  
- برو گمشو، نزدیکم نیا، بلا زده!

توغان بیک عنز آمیز گفت:  
- جانم قهر نشو من تا کنون حتی دست خود را هم بتو تماش نداده ام در برابر هر سخن شیرین خود از تو هزاران لعن و نفرین شنیدم. از دیدن من چون آهو رم میکنی... هر گاه پسته و بادام برایت بفرستم، چون مانند سنگریزه به دورش می‌افکند. حالا برخیز تا ازین زندان بپرونست بکشم...

توغان بیک از دست دختر محکم گرفته کش کرد و در حالیکه او را از در بیرون نموده به دور دسته‌ها لخواهیم کرد و تو وظیفه خود را بگریزد، و در حالیکه با تارهای صادقانه انجام خواهیم داد دیگرچه می

میورا یاد گار دستان ما را چنان در دلش جان گرفت و نوعی شله ملایمت جواب داد :  
 میشد و چون یارای کمک رسانند ن دراز ساخته بود که نه تنباکی و ایست اعتمادو اطمینان دردید گاشن درخشید  
 نداشت ، با صدای خفه و درد آسود مثل این یک دختر این سر زمین با التمس صمیمانه شبیه حرکتی  
 خوب ، در عایله خود چه آسمانیست تو به این جوان متعلقی .  
 فریاد کشید :  
 رابر باید ، بلکه قادر بود به مهتاب که کودکی ناز پروردۀ در برابر بدر دیدهای ؟ اگر در فامیل ما حیات به  
 داشتار گان ... آسمان نیز چنگک خود میکند عذر گنان گفت :  
 - پس است دست دختر را وستار گان ... آسمان نیز چنگک سر ببری حتما سعدتمند خواهی  
 خواهی شکست ... کمی از صاف باید بزند - توغان بیک مغروانه گاه به داشت - سپس دست خود را بر مجدهالدین و گاه به دختر میدید .  
 شانه دختر زده گفت : دخترم ، ترس شانه دختر زده گفت : دخترم ، ترس میج بیم و خطری وجود ندارد .  
 میترسم .  
 - دخترم ، به حرفهای من بساور داشته باش ، انسان الله هیچگو نه  
 بدی بر تو نخواهند کرد .  
 توغان بیک گاهی با عذر والتماس و گاهی با تهدید و فشار دلدار را  
 کشان ، کشان بیک زدن نموده :  
 - پدرجان ، بکوئید ، این طالم  
 مرا کشان ، کشان بکجا میبرد ؟ نمی  
 خواهم از شما جدا شوم . پدرجان .  
 مجدهالدین نگاه گرد امید رهایی  
 باشد ، مرا نزد فامیل خودم بفرستید  
 دلدار (بیک ، بیک) گریست رسر به  
 تا زنده ام این احسان شمارا فراموش  
 زیر افکنده میگرد ، قدرات اشک از  
 نخواهم کرد ، قدرات اشک از  
 دست بر دار شد .  
 دستور داد تا دختر را به بیکه (خانم  
 فروغی در چشممان دلدار سر زیر شد .  
 چشممان دلدار سر زیر شد .  
 مجدهالدین نگاه گرد امید رهایی  
 به مجدهالدین نگاه گرد امید رهایی  
 بقیه دو صفحه ۶۱



- دخترم ، به حرفهای من بساور  
 داشته باش ، انسان الله هیچگو نه  
 بدی بر تو نخواهند کرد .  
 توغان بیک گاهی با عذر والتماس  
 و گاهی با تهدید و فشار دلدار را  
 کشان ، کشان بیک زدن نموده :  
 - پدرجان ، بکوئید ، این طالم  
 مرا کشان ، کشان بکجا میبرد ؟ نمی  
 خواهم از شما جدا شوم . پدرجان .  
 مجدهالدین نگاه گرد امید رهایی  
 باشد ، مرا نزد فامیل خودم بفرستید  
 دلدار (بیک ، بیک) گریست رسر به  
 تا زنده ام این احسان شمارا فراموش  
 زیر افکنده میگرد ، قدرات اشک از  
 نخواهم کرد ، قدرات اشک از  
 دست بر دار شد .  
 دستور داد تا دختر را به بیکه (خانم  
 فروغی در چشممان دلدار سر زیر شد .  
 چشممان دلدار سر زیر شد .  
 مجدهالدین نگاه گرد امید رهایی  
 به مجدهالدین نگاه گرد امید رهایی  
 بقیه دو صفحه ۶۱

مثل اینکه قلب دلدار از حرکت  
 باز مانده باشد جایجا خشکش زد .  
 توغان بیک دروازه را گشود ، و خود  
 در وضعی قرار داشت که اگر دختر  
 راه نرود ، همانطور او را بر داشته  
 برآستane در گذارد .. اما دلدار با  
 وضعی غیر ارادی بخانه در آمد و سه  
 چهار گام به جلو گذاشت ، بر فرش  
 نرم ، دوز انو نشست . او با اینکه  
 لرزه ای شدید سراپایش را تکان می  
 داد و نزدیک بود از شدت ترس -  
 خجالت جایجا فرور یزد ، از بیم  
 « دستور بزرگ ) تلاش کرد تا  
 خویشتن را نگهدارد .

مجدهالدین سراز بالین بر داشته  
 قامت خود را استوار ساخت و مثل  
 اینکه بخواهد تابلوی نقیسی را از  
 نظر بگذارند و یا گوهر نایاب  
 گرانیها را تماشا کند چشمها را  
 کوچک ساخت ، گاهی سر را بالا و  
 گاهی پائین نموده ، محو تماشای و  
 لطافت و نفاست دختر گردید . سپس  
 اشاره گنان به توغان بیک آهسته  
 گفت : « ... گل نایابی از گلستان پر -  
 یرویان بوده است ... شاید بهایش  
 نیز خیلی بلند باشد ؟ توغان بیک  
 خندید و سر خود را تسان داده  
 آهسته پاسخ داد :

- بهایش ؟ ... چاکر شما از  
 از تو انگران (صاحب صندوق) نیست  
 شماره ۳۷

مترجم : خ ۱ ، پگاه

ترجمه از منابع دنمارکی

# با بیسکل سواری یک عنعنه

تمدن و افزایش وسایط نقلیه ذات مساعد دنمارکی ، یک عراده میرسد و بدین بر آن و تنک به نظر اظهار رضائیت نمیکند . زیرا جاده های جدید با در نظر گرفتن خطوط رفت و آمد بایسکل سواران در دست ساختمان است . اما جاده مغرضی دارند زیرا با روحیات های تنک شهر که بدو کنار آن توسعه ندارد و فقط یک راه با قیمت موافق است . حقیقتاً با بسیاری موتور دارند که در موقع سواری نقاط میتوان با بایسکل رسید درده موتور وعبر و مرور در جاده های اسپاب های تنک ، راه های پریک و تکلیف بایسکل سواران را فرا هم دهند .

در آغاز بحران نفت خزان سال ۱۹۷۳ و زمستان ۱۹۷۴ دنمارکی ها از بایسکل بیشتر استفاده نمودند و این کار لذت بردن .

اکثر ایسکل سواران از وضع خود اظهار رضائیت نمیکند . آنها احساس مینمایند که گویا و با بیسکل سواری وسایط نقلیه و سواری موتور در جاده علاقه مغرضی داشته و مزاحم بایسکل سواران میگردند در حالیکه بسیاری ساختمان سرک های کشور شان و ازین بایسکل سواران خود شان موافق است . حقیقتاً با بسیاری موتور دارند که در موقع سواری نقاط میتوان با بایسکل رسید درده موتور وعبر و مرور در جاده های اسپاب های تنک ، راه های پریک و تکلیف بایسکل سواران را فرا هم دیاده روها میان جنگلات و دهات میسازد .

از بایسکل در گردش های کوتاه و نیز آنها استفاده میکنند برخلاف داخل شهر کوپنهاین و همچنان مساعی ایکه در اصلاح و بهبود شاهراه ها ایکه ، این شهر را با بایسکل سواری بکار برد و میشود ولايات وصل میکند ، در اثر رشد تا ختم سال ۱۹۷۴ تقریباً در حدود ربع میلیون عراده بایسکل را دنمارکی ها خریداری خواهند نمود در دنمارک اکنون پنج میلیون نفر با سن وسال مختلف زندگی میکند ، که اکثریت شان از سابق دا را بایسکل اند ، دنمارکی های از سن طفولیت با ترای بایسکل طفلا نه شروع میکنند و اغلبی در سن کهولت بااستفاده از ترا بایسکل (سه چرخ) مخصوص پیران و معلو لیمن آخرین روز های حیات خود را سپری مینمایند اداره ملی احصایی بایسکل تعداد بایسکل را در دنمارک دو و نیم میلیون عراده نشان



صباح نه اکثر اهالی دنمارک توسط بایسکل طرف کار روزا نهشان میروند .

# دیو ینه مردم ذمار کی است

دور از مرکز وجود دارد . امروز اگر شما در کوینهاگن بخواهید باسکل بخرید از مغازه های بزرگ که در آنجا بسیاری از اشیای دیگر نیز برای فروش موجود است میتوانید آنرا بدست آرید و درین مغازه های بزرگ نه تنها باسکل های ساخت دنمارک بلکه باسکل های انگلیسی سویدنی جاپانی و ساخت کشورهای اروپای شرقی نیز موجود است .

درین روز ها اکثر مردم مو تر های خود را استاده نموده از باسکل استفاده میکنند ممکن است این کار بخاطر مساعدت شرایط جوی باشد یا بمناسبت علاقه ایکه دنمارکی ها به باسکل سواری دارند .

در دنمارک برای سیاحین اگر مایل

باشند از باسکل استفاده نمایند

تسهیلاتی فراهم شده که میتواند بهزودی آنرا بدست آرن. فلور شهر مراکز متعددی وجود دارد که باسکل را فی روز با فی ساعت به کرایه میدهد . حتی اداره خطوط آهن کشور

نیز باسکل های برای کرایه دارد

مثل شما به قطار آهن ازیک استیشن سوار میشود و به استیشن دیگر پیاده میشوند ، درین ایستگاه

ایستگاه میتوانید از ما مورد یعنی

قطار باسکل کرانی بگیرید

بعد از انجام کارتان

در ایستگاه دیگری میتوانید دو باره

سوار قطار آهن شوید و باسکل

را با مامورین این ایستگاه تحویل

ولی این نه بخاطر فیشن است چنان

شهر و شاهرا ها از باسکل سواران میستند .

باسکل اکنون نیز مانند سابق

یک وسیله خشن بوده و خواست

روانی دنمارکی ها را ازین رهگذار

ارضا مینماید . چندین سال قبل

باسکل های کوچک عربابه مود روز

بود ، درین روز ها دو باره آن مود

عوا خواهان زیادی پیدا نمود است.

بسیاری از باسکل سواران دنمارکی

از روی علاقه به وطن و صنایع آن ،

باسکل عنعنی ساخت دنار را

را انتخاب مینمایند . درین اوخر

باسکل های دارای گیر رواج یافته

ولی این نه بخاطر فیشن است چنان

که در سابق بود بلکه برای راحت

بیشتر باسکل سوار است در سابق

باسکل را دنمارکی ها از مغازه های

مخصوص باسکل فروشی میخریدند

که تنها در کوینها گن ۸۵۰ باب

دکان باسکل فروشی وجود داشت

حوالات ترافیکی سالانه ۱۵۰ نفر

ولی حالا صرف ۲۰۰ دکان وجود دهد

دهید این سیستم استفاده از باسکل

العبور رایست که جاده های مزدهم و ۸۰۰ دکان دیگر در شهر های خیلی موفقانه جریان دارد .



میراث

میراث

نوشته، سیده صوفیه آموز گا ر از صنف  
یازدهم لیسه عالی زرگونه

## جوان و روابط خانوادگی

### جوان «ممثلاً انسانیت و افغانیت»



سیده صوفیه آموز گا ر

در کوچه و بازار و حتی در بسیاری شهری در نظر داشته باشند. حیف است اگر درین عصر اقمار جوانی از افکار و افعال مثبت و مفید بسوی خیال های بیجا و منفی متوجه گردد مثلاً از راه کتابخانه منحرف شده بسوی قمار خانه شتابد. جای افسوس است اگر جوانی عنعنات باستانی و ملی خود را پشت یازده بصورت عمده و یانا خود آگاه ظواهر عجیب و غریب و جلف رابنام مسود ترجیح دهد و یا آنرا از فلم های تجاری: تقليد کند.

به عقیده من جوان باید قوه یسی تمیز و قدرت سنجش داشته باشد تا بتواند حق را از باطل و خوب را از بد

فرق بکند. گذشته ازین لابد هر جوانی آرزومند است مصدر کار هاوخد

مات خوبی برای جامعه خویش

گردد. ولی چونکه کارها همه زاده افکار و اندیشه ها است پس با فکار

واهی و اندیشه های ناپاک و مشتبه

محال است مصدر کاری شوند از

طرف دیگر اندیشه های نیک و کار

های مفید هردو تابع عقل و خرد

استند و خرد انکشاف نمی یابند

در تنهایی، در اجتماع، در منزل، در

بقوه تفکر.

واضح است که بقا و دوام عرباجمیعه بیشتر از همه منوط به جوانان حساس و دانشمند آنست و جوانان درین بیزی و طرح امور آینده جامعه خویش نقش بسزایی دارند.

لذا بر جوانان است که بیوسته بازیور علم و دانش خاصه درین عصر تحقیک آراسته بوده باوجود این بالکومناعت نفس، احساس مسئولیت را عادت همیشگی خویش بسازند.

بلی احساس مسئولیت دربرابر

و جدان، احساس مسئولیت دربرابر

وظیقه، احساس مسئولیت، دربرابر

وطن و وطنداران و بالاخره احساس

مسئولیت در برای تاریخ و اینای

کشور راه را موش ننماید.

جوانان باید بدانند که وظیقه

بس مهم و خطیری بدوش دارد و در

صورتی ازین آزمونگاه تاریخی موفق

بدر خواهند شد که دقایق گرانبهای

عمر عزیز خود را در غفلت، صرف

نکرده بلکه در ارتقای سوی خویش

لحظات پر بهای زندگی را غنیمت

بشمیانند. چنانکه ابن یمین، شاعر

قرن هشتم وطن مادریمورد فرموده.

هیچ گرز آمدن ورقت خود با خبری

جهد کن تا ندهی عمر بیاد از سر جهل

وقت را دار غنیمت که گذشت آنچه

گذشت

نخورد اnde ناامده خود مردم اهل

بدیهی است که جوانان خود

را صاحب شخصیتی می شمارند و انکار

نمیتوان کرد که واجد شخصیت هم

هستند مگر چه بهتر که با احساس

انسانیت خویش عواطف انسانی و -

احساسات افغانی و ملی خویش را

هیچگاه ازیاد نبرند. ارزش شخصیت

خویش را در هر لحظه و هر جا مثلاً

تقریباً در مکتب، در محیط وظیقه

بسیار دیده شده که کودک از آن وقتیکه برای یاد گیری طفل از رموز زندگی پا بهمن شش یا هفت سالگی میگذرد است. تاجی که برای طفل مقدور گوشش میکند که از بزرگان خود و لازم است بگذارید که کودکان تقلید نماید. مخصوصاً کودک آرزو آنچه را که میخواهد بیاموزد. اما دارد که با آنها همانند بزرگان رفتار یک نکته را باید فراموش کردو مخصوصاً هر یکدرو و مادر باید متوجه باشد که چون کودکشان حساس و در عین زمان درسن و سالی قرار دارد که هرچه را می بیند زود آنرا درک شود. و انتظار دارند که همه، آنها را بدیده یک کلان سال نگاه کنند.

حال که کودک به این نوع کار هاعلاقه دارد وظیفه بزرگان چیست؟

آیا بگذارند که کودک شان عادات و

حرکات بزرگان را تقلید کنند؟

آیا این تقلید طفل را مقید باز

نمیخواهد آورد؟

در مقابل تمام این حرکات کودک

وظیفه بزرگان مخصوصاً پدر و مادر

چیست؟

آیا بگذارند که طفل شان هرچه

نمیخواهد بگند و ما نفع حرکات

شان نگردد؟

جواب تمام این سوالات را روانشناس

ومتصدیان تربیه طفل چنین اظهار

میکنند.

بگذارید که کودک از پدر و مادر خود

درس زندگی را بیاموزند زیرا این

لطف مهربانی آنها با خطای شان

نوع درس بهترین و همترین روش

ملتفت سازید.

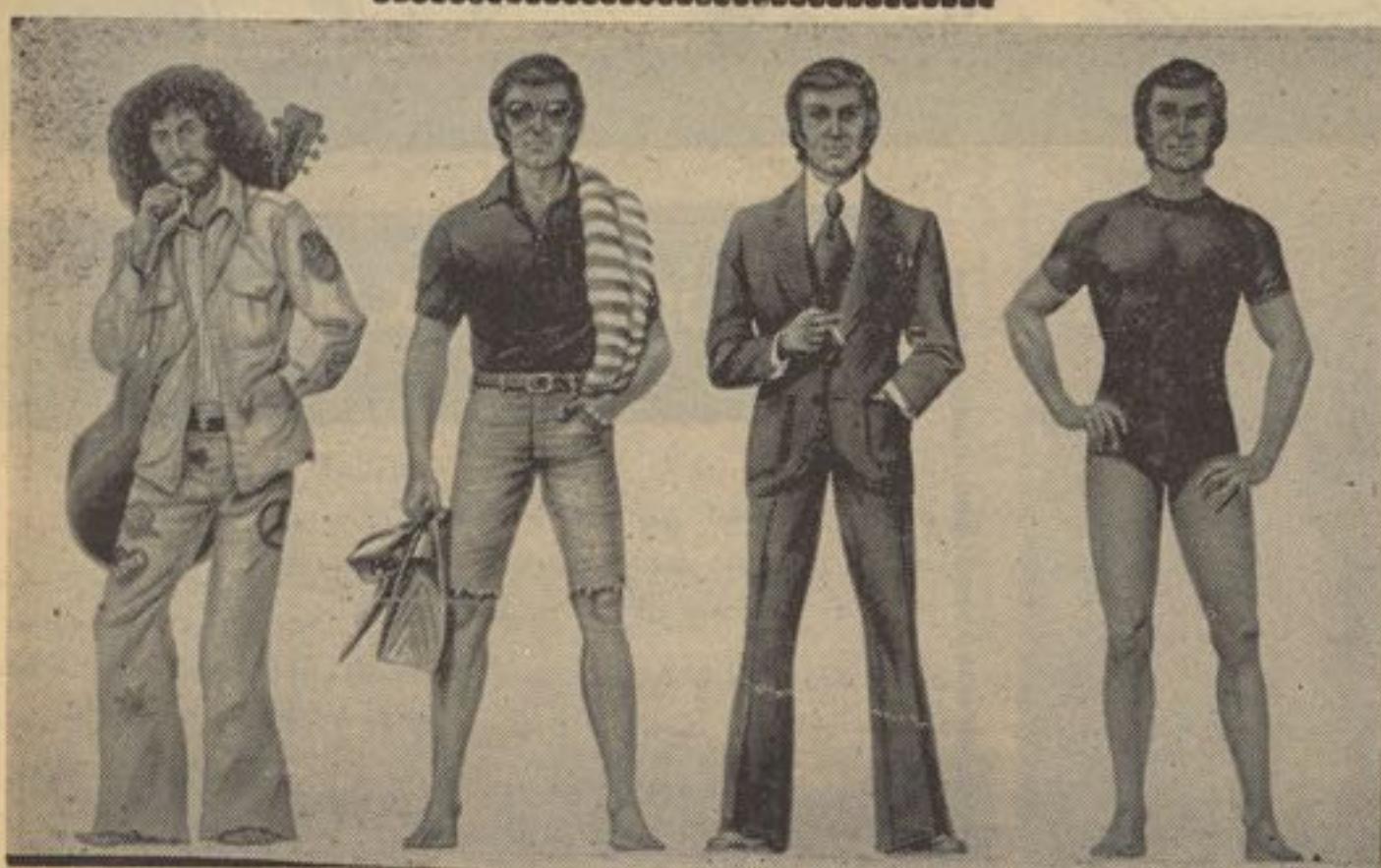


تقليد از بزرگان آرزوی هر کودک است

صفحه ۴۲

# سر گرمی برای جوانان

قیافه شناسی



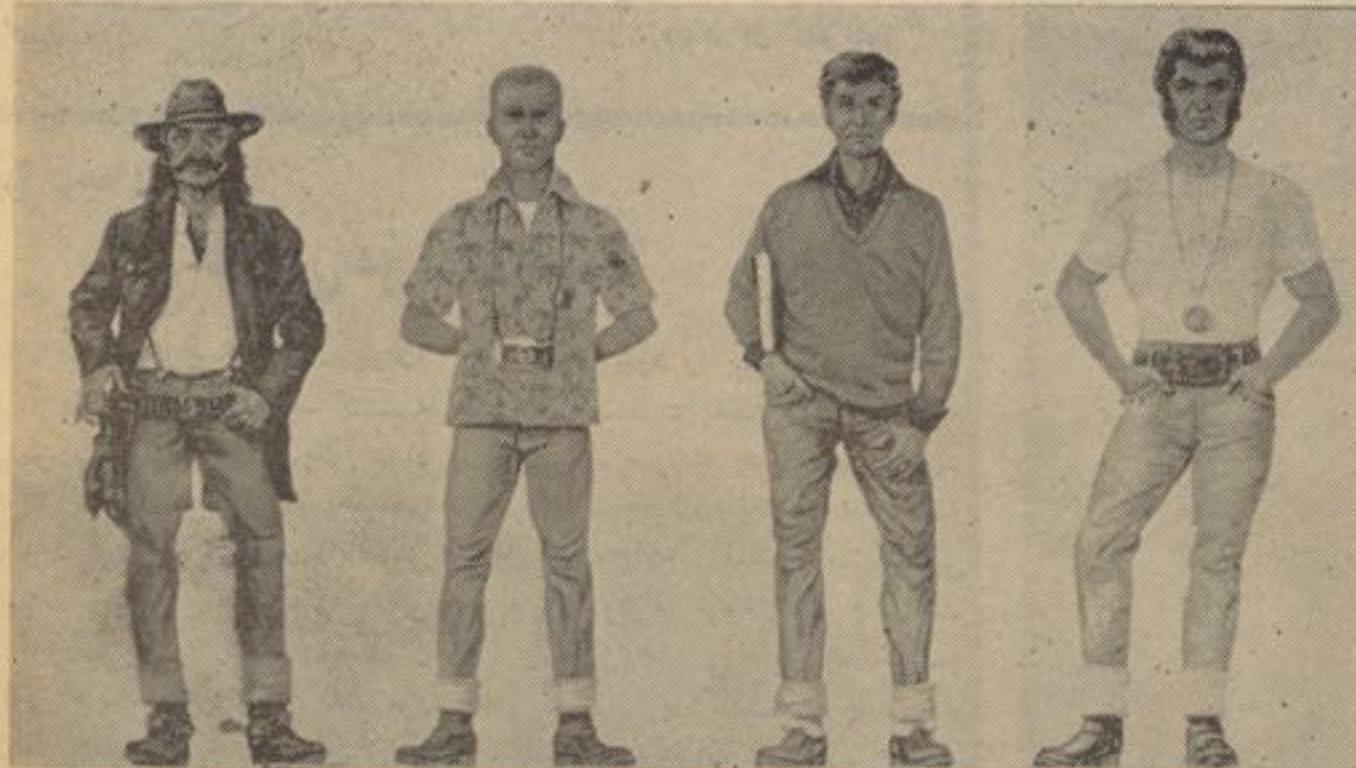
جوانان عزیز !  
هر یک ازین قیافه و تیپ های نایندگی از شخصیت و خصوصیت آنها می نماید .

آیا شما میتوانید به ما بگوئید که هر یک ازین چهره های نایندگی از کدام نسل نموده وجه وظایف دارند؟

اگر به حل درست و مکمل آن موفق شدید لطفاً اسم و آدرس مکمل خود را به ما بتوسید تنانم شمارا در مجله نشر نمایم .

آدرس مجله :

مدیریت مجله رُوندون - انصاری-وات - ریاست مطابع دولتی .



بیکطرف اشده تمیز ستد بلکه تما م بوده و خود را معرفی خواهد کرد.

اطراف خود را روشن میسازد . هر کس توفیق شنیدن حقیقت را (گویته)  
«شاتو بریان» ندارد .

چیزی را که کمتر میتوان نزد ماحیقت را به استعمالست عقلی تربیت یکسان است ولیکن استعداد مردمان کوردل یافت چشم حقیقت بین نمی شناسیم بلکه بواسطه مکتب به ها مختلف اند . (سعیدی)

آن آشنایی بیندا می کنیم . «پاسکاز» بزرگترین اختلاف بین انسان و عشق به حقیقت جویی است .

«موند» حقیقت مدتنی می تواند در حجاب و حیوان فهم و فکر نیست بلکه اراده حقیقت الماسی است که تنها تأثیر و تعریق بماند امامی مشه جوان و اختیار است . (روسو)

صفحه ۴۳

## حقیقت

# در جستجوی دوستان قلم

بنده میخواهم که با برادران و خواهران افغانی خود درباره موضوعات علمی، اخلاقی، فلسفی، ادبی مکاتبه کنم.  
آدرس محمد عمر متعلم صنف هشتم (ج) مکتب لیسه نعمان پروان

\*\*\*

میخواهم درباره هنر رسامی و هنر تراشی معلو مات تازه جمع آوری نمایم . لطفاً مرادین قسمت رهنما بی نمائید .  
آدرس فضل احمد متعلم صنف یازدهم لیسه استقلال .

\*\*\*

اینجانب عبدالخالق از لیسه نادریه!  
میخواهم درباره جمع آوری گلکیسون نکت یستی معلومات تازه جمع آوری کنم .

آدرس لیسه نادریه - عبدالخالق متعلم صنف دهم .

\*\*\*

درباره هنر قدیم معماری افغانستان مخصوصا دوره غزنویان معلومات جمع آوری کنم .  
آدرس لیسه صنایع - محمد فاروق متعلم صنف یازدهم .

\*\*\*

اینجانب میخواهم درباره آثار قلمی نویسنده افغانستان معلومات تازه جمع آوری کنم . کسانی که درین مورد میتوانند مرا رهنما بی نمائید .  
بهاین آدرس مکاتبه نمایند .

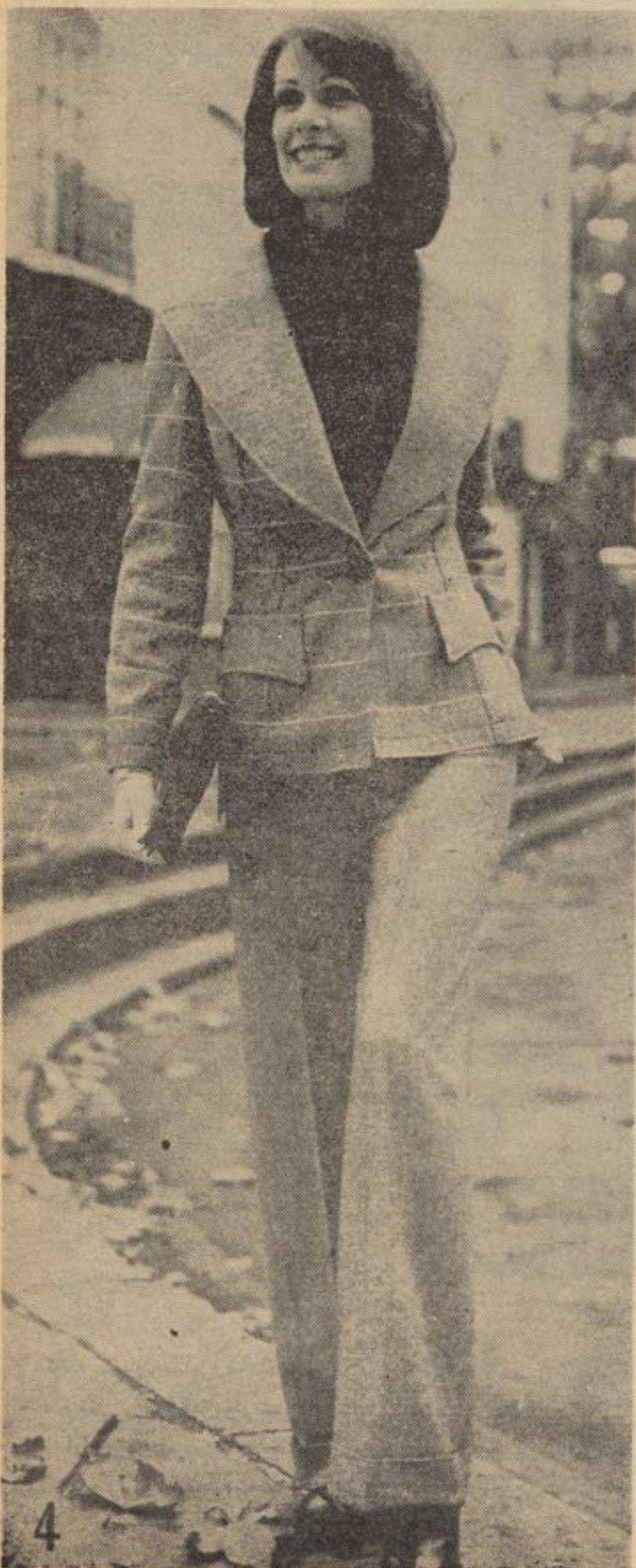
آدرس لیسه حبیبیه - جمیل احمد متعلم صنف یازدهم .

\*\*\*

خواهان مکاتبه درباره مسایل مختلف حیاتی مخصوصا تربیه طفول معلومات جدید جمع آوری نمایم .

آدرس - میر منو ټولنه نفیسه متعلم صنف دهم .

شماره ۳۷



4

## از سو هر هم شکایت دارم زیرا

- به مجردی به خانه می آیدمانند
- اقتصاد را در خرج و مصرف زنها آستین ها را بالا زده به دیگ خود مراعات نمی کند .
- بختن و جاروب حربی شروع میکند
- مقدار بیشتر معاشش را با وهر کسی او را می بیند بمن طعنه رفاقت مصرف میکند .
- هر شب یا به خانه رفقا مهمان
- در خرج خانه ممسک استونام می شود و یا چند نفر را با خود آنرا صرفه جوئی می گذارد .
- از وقتی ازدواج کرده ایم هیچ روزی نشده که کدام چیزی برایم
- اگر خلاص شدن برنج، روغن ، خریداری کرده و آورده باشد .
- چای و بوره وغیره را باو اطلاع دهم
- هر قدر ازو خواهش کم یکروز فورا با من داخل جنگ میشود .
- همیشه وقتی مفلس شود بکس هم با من به تفريح و هوا خورد
- هایم را پنهانی تلاشی میکند و پول برود نمیرود .
- مادر و پدر و برادر هایش را هائی را که مدت ها آنرا ذخیره از من جدا نمیسازد و دلیلش اینست نموده ام به جیب خود می اندازد .
- اگر طفلم در درسهاي مكتبا از او که آنها بر او حق دارند .
- کمک يخواهد فورا با عصباتیت اورا ( ارسالی . ف )
- اندازه اصلی معاشش را بمن تهدید میکند .
- نمی گوید .

قابل توجه والدین :

## تا کی مژاحمت؟

شما : اگر یکروزی به نزدیک دروازه باب دندان خود را پیدا نموده و آنرا مکتب ما بیایید خواهید دید که بتن نموده است بعضی آنها یکدانه بوره سر ساعت رخصتی یک تعداد سکرت نیم سوخته هم در دستدارند جوانک های قد و نیم قد یکی با موهای وهمینکه شاگردان رخصت شدند همه کشال و دیگری با پاچه های پطلونی بحال آمده باش درآمده و مانند کسی که زمین را جارو میکند ، سومی که چیزی را کم کرده باشد و حشت لباس شوختی بتن دارد که انسان زده بسوی دختران نظری انداخته هیچ فکر کرده نمیتواند از کدام مود وهر کدام را با کلمات و جملات و بیرونی نموده و به چندین لیلا می باصطلاح خود شان ( پرژه های فروشی جستجو نموده تا آن لباس بقیه در صفحه ۵۴

## مود و فیشن

بانزدیک شد ن عید حتیما شما بفکر سا ختن لباس استید چون هوا سرد شده سا ختمان یک دریشی رامطا برق نمونه بشمه مشوره هیدهیم انتقال نوع ورنگ تکه هربوط بهذوق خودتان است .

## نکته های در باره زن

- تمام تعضیلات واستدلالات مرد با یک عاطفة زن برابر نمی کند .
- **ولتر**  
زن ممکن است بر هوای نفس خویش غالب شود و لی بر عادت خود نمائی و تظاهر غالب نخواهد شد .
- خشم زن مانند برق الماس می درخشند و لی نمی سوزانند .
- **تاگور**  
زن در وقت دوستی غیر از محبوب خود چیزی را نمی بینند و هر چه عاطفه، مهربانی و لطف و فدا کاری داشته باشد ، تنها برای او بکار می برد .
- خداوند شایستگی زن را در قلب او قرار داده .
- **لامارتین**  
هرجا که زن مورد احترام است، مرد ها آزاده و با تقوی هستند .
- **کارانیس**

معالجه کنید تا در آینده پشیمان

نشوید .

...

پیغله م از جاده میوند !

مادرین مورد هیچ چیزی گفته  
نمیتوانیم بهتر است از اعتمادی که  
ممکن برای اکثر خوانندگان مجله  
بsuma از طرف خواهر خوانده تان  
شده باو مشوره لازم و مقید بدهید .

...

خواهر محترمه میرمنع  
با آنهم می کوشیم در آینده نظر شما  
به عقیده ما مقصص شوهر تان  
است نه شما زیرا موضوعی که شما  
نذکر داده اید بیشتر باو متعلق  
است .

...

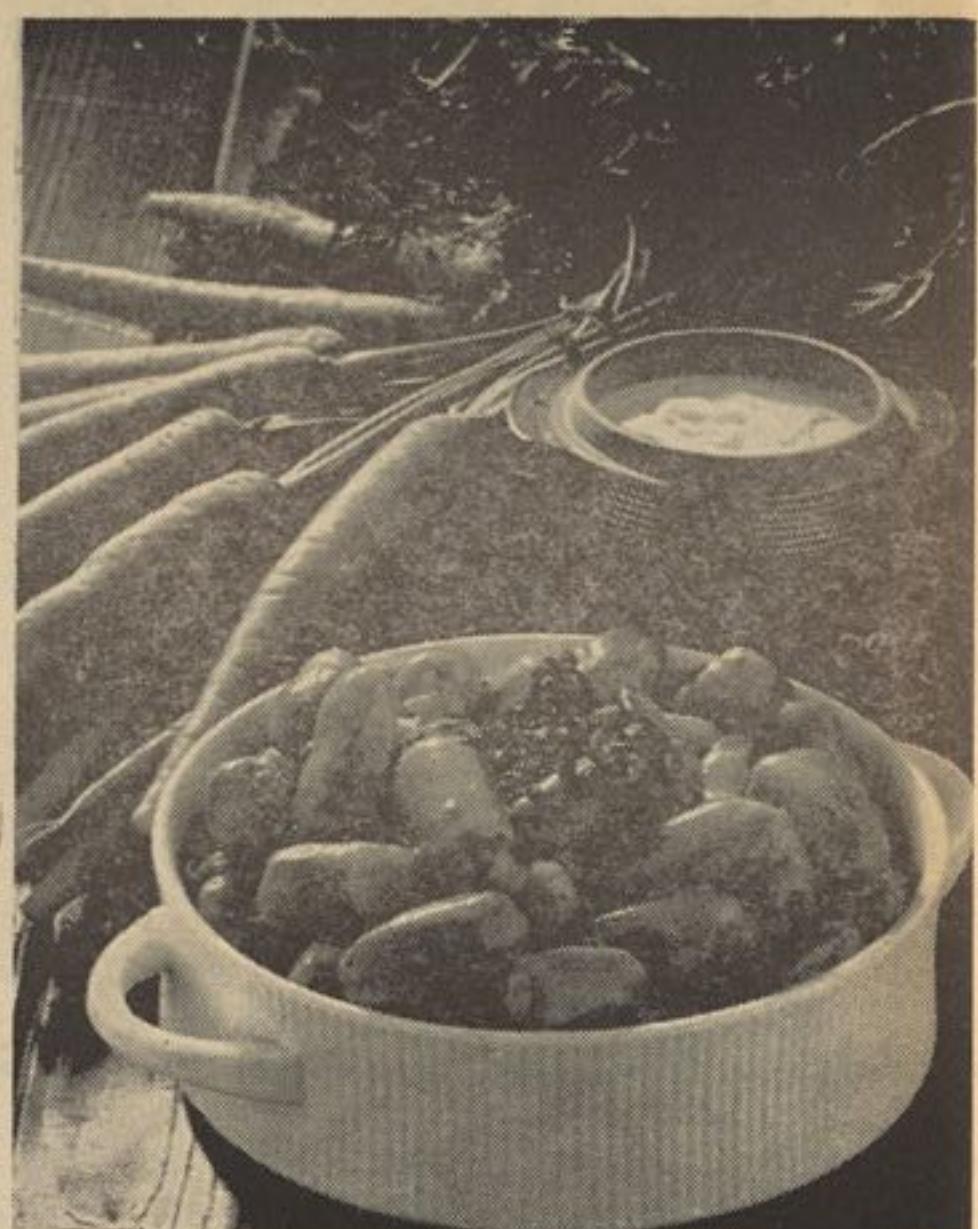
اگر از ما می شنوید قطعاً باین  
محترمه حس !  
حرف ها فریب نخورید و یکوشید  
در صورتیکه به شوهر تان اطمینان  
تحصیلات تانرا تکمیل نمائید و در  
کامل دارید بگذرید خودش موضوع  
عین حال شخص مورد نظر را خوب را فیصله نماید .

\*\*\*\*\*



از بسکه بچه هه پیش رو هیکنی بیخ پس رفته شده

## سالاد مفید و اقتصادی



برای تهیه این سالاد صرف یک مقدار زرد با کمی بوره و کریم ضرورت است .  
زردک ها را بپر مقداری که لازم می دانید پاک شسته و با کارد یا جاقو روی آنرا تراش نمائید . بعد توسط ماشین پیاز تراشی آنرا تراش نمائید . از مقدار تراش کردگی در بشتاب ها انداخته مقداری بوره برویش پاش دهید و یک قاشق کوچک کریم بالایش علاوه نمائید . سالاد خوشمزه بدست می آید .

## برای زیبائی شما

اگر شما دارای جلد روغنی هستید بکوشید غذا هایی صرف نمائید که ونوك بینی شما جلایش دارد درین حاوی مقدار ویتا مین (آ) باشد . این صورت از استعمال کریم های چرب بصورت جدی خود داری نمائید . و نیز سر شار از ویتامین (آ) است .  
از مرکباتی که دارای ترکیب الکول طریقه دیگر جلو گیری از شکستن باشد بشکل کریم استعمال نمائید . ناخن هما م دادن انگشتان است که برای رفع جلایش نوک بینی کریم ها در آب مورد استعمال قدری سودا و بودرهای مخصوص در بازار وجود دارد و می توانید پیش از دکتور آب دارای پلی هما م بدهید . پیش از جلدی یکنوع آنرا انتخاب و استعمال نمائید .  
هر گا در ناخن های تان شکستگی دار انگشت ها را چرب کنید . برای استحکام ناخن ها می توانید از مایع دکتور فا میلی تان روزانه ۱۰ قطره کریستال استفاده نمائید . و ویتامین (آ) نوش جان کنید . و نیز



# درزش

## تیم ملی تینیس انتخاب شد

نژیب حیمد که نفر دوم تیم ملی ریاست المپیک تهیه لوازم ووسایل این سپورت از جمله اقداماً تیسم است تینیس ایست و سال گذشته قهرمان گرفت از بین اعضای تینیس بازان آگون هم قهرمان می باشد پانزده کشور اخیراً انتخاب گردیده است و سال ساقمه در این ورزش دارد در کشور نقش اساسی دارد. به این طرف سایه سپورت تینیس را دید و بازدیدهای تینیس بازان دارد.

تیم تینیس دارای هشت عضو میباشد. این تیم از طرف ریاست المپیک ورزیده، پنج مسابقه بین المللی در بطور عموم از همه ورزشکاران کشور مسافرت‌های در تاشکند و آذربایجان نیز نقش عمده در بیهودی سپورت است و در تاشکند و آذربایجان نیز مالک جاگارتا، تهران، اندو نیز یا آینده کشور دارد. البته بیرون مسابقه نموده است او که متعلم لیسه سنگاپور، بنکاک انجام داده است در مسابقات دولتی در هند، سوری مسابقات دوستی و بعد مسابقات لیاقت دسته بندی و از اینها انجام گرفت. سراج ۲۵۰ کپدر مسابقات مختلف ندارد تشویق و همکاری اخیر ریاست کپ بدست آورده است. وی میگوید این تیم امیدواری ماری در آینده که تشویق ریاست المپیک آینده مسابقه داده است و در حدود هفتاد بیشتر شدن سپورت در کشور امکان سایر اینها انجام گرفت.

تیم اشترالی ورزیده است. عمر سراج در مورد بازی تینیس و سپورت بطور عموم در کشور بیشتر درخشنان این سپورت را آگون نوید شرایط بیهود یافتن آن گفت، تشویق ساخته است.



بناغلی عبدالوحید اعتمادی رئیس المپیک با اعضای تیم ملی تینیس

اول تیم ملی تینیس است ۱۳ سال قهرمان سه هفته را در بر آگنا نستان بوده این سپورت از جمله اقداماً تیسم است تینیس بازان آگون هم قهرمان می باشد پانزده کشور اخیراً انتخاب گردیده است و سال ساقمه در این ورزش دارد در کشور نقش اساسی دارد. همه مسابقات داخلی تینیس اشترالی ورزیده، پنج مسابقه بین المللی در طور انتخاب گردید که تینیس بازان مالک جاگارتا، تهران، اندو نیز یا آذربایجان، بنکاک انجام داده است در مسابقات دوستی و بعد مسابقات لیاقت دسته بندی و از اینها انجام گرفت. سراج ۲۵۰ کپدر مسابقات مختلف ندارد تشویق و همکاری اخیر ریاست کپ بدست آورده است. وی میگوید این جمله فقط یکنفر حق شمول را در گروپ (ج) صورت گرفت و از گروپ (ب) بیندا کرد.

مسابقات دیگر به صورت ناکاوت در بین گروپ (ب) صورت گرفت در نتیجه توانست شامل گروپ (الف) گردد.

مسابقات گروپ (الف) به سیستم لیگ انجام گرفت در نتیجه هشت نفر بحیث اعضای تیم ملی که عبارت انداز بناغلی محمد عمر سراج نفر اول نژیب حمید نفر دوم، اشرف اعتمادی نفر سوم، میرزا محمد نفر چهارم، قادر نفر پنجم و کبیر نفر ششم، عبدالوالی نفر هفتم، سلطان مصعود نفر هشتم انتخاب گردیدند. یک منبع ریاست المپیک گفت: این تیم هاند سایر تیم‌های ملی در مسابقات داخل و خارج اشترالی می ورزند و آنها از تمام امتیازات که سایر تیم‌های ملی دارند بر خوردار می باشد.

ما برای اشتغالی بیشتر اعضای تیم ملی تینیس مصاحبه مای مختاری با آنها بعمل آورده ایم که اینک مطالعه میکنید.

بناغلی محمد عمر سراج که نفر



یکتن از فوتبال‌ها حین پرتاب توپ در گول

## در تور نهضت خزانی فوتبال پوهنتون، پوهنه‌خی زراعت قهرمان

### شناخته شد

تور نهضت خزانی فوتبال پوهنتون پولی تختیک مقابل طب، ادبیات کابل که از عقرب بهاینطرف به شکل دبل ناکاوت آغاز یافته بود، انجینیری اقتصاد مقابل و ترنری، ادبیات مقابل طب، ادبیات مقابل اقتصاد، انجینیری مقابل پولی تختیک ادبیات مقابل انجینیری، زراعت مقابله مسابقات فوتبال چینی سلسه داده یافت.

در این مسابقات پوهنه‌خی طب مقابل اقتصاد غالب، ساینس مقابله و ترنری غالب انجینیری مقابل ساینس، پولی تختیک مقابل حقوق زراعت مقابل ادبیات

میدهد. و چون استعداد در جوانان را در بهتر شدن این ورزش نقش دارد. در ما وجود دارد امید است این گونه رهنمایی ها و تشویق مقامات مسول سبورت، در شناسایی این سبورت اینظرف به بازی تینیس اشتغال دارد و سهم گیری تیم های مختلف سبورت منجمله تینیس در مسابقات تا بحال در حدود ۳۰ بار مسابقه داده است و آنده کپ از مسابقات بین المللی کمک زیادی می نماید. سلطان مصعود نفر هشتم تیم ملی تینیس انتخاب گردیده واز ۶ سال پیش از انتخاب گردیده است. موصوف مختلف بدهست آورده است. موصوف سلطان مصعود نفر هشتم تیم ملی تینیس انتخاب گردیده واز ۹ سال بهایننظرف سایل سبورتی و دیدوبادید در مسابقات داخلی اشتغال ورزیده است در هند نیز مسافرت کرده و در مسابقات تینیس اشتراك کرده است ورزش میداند. عبدالولی ولی که نفر هفتم تیم ملی تینیس مفت سال سایله این ورزش در شوروی در مسابقات تینیس ۲۶ کپ از مسابقات مختلف بدهست آورده است. موصوف مسابقات های دارد و تا بحال چهار دفعه مسابقه را دارد و تاکنون بیش از ۱۳ کپ اشتراك ورزیده است.

میدهد. و چون استعداد در جوانان را در بهتر شدن این ورزش نقش دارد. در ما وجود دارد امید است این گونه رهنمایی ها و تشویق مقامات مسول سبورت، در شناسایی این سبورت اینظرف به بازی تینیس اشتغال دارد و سهم گیری تیم های مختلف سبورت منجمله تینیس در مسابقات تا بحال در حدود ۳۰ بار مسابقه داده است و آنده کپ از مسابقات بین المللی کمک زیادی می نماید. سلطان مصعود نفر هشتم تیم ملی تینیس انتخاب گردیده واز ۹ سال بهایننظرف سایل سبورتی و دیدوبادید در مسابقات داخلی اشتغال ورزیده است در هند نیز مسافرت کرده و در مسابقات تینیس اشتراك کرده است ورزش میداند. عبدالولی ولی که نفر هفتم تیم ملی تینیس مفت سال سایله این ورزش در شوروی در مسابقات تینیس ۲۶ کپ از مسابقات مختلف بدهست آورده است. موصوف مسابقات های دارد و تا بحال چهار دفعه مسابقه را دارد و تاکنون بیش از ۱۳ کپ اشتراك ورزیده است.



گوشه‌ای از جریان مسابقات تیم ملی تینیس

# گذر گاه

## تبسم

کانفسکی

مترجم ڈف بین

## علاج کویه

علاج کویه

مشکل است از شر آنها رهایی بابم.  
برون میتمایم از راه دریچه دو باره  
میایند . همه آنها در بر نده منزلم  
راندم و نیدانستم چه کنم .  
دوستانم به دیدنم آمدند و از  
دوستانم به تب ذخیره شده  
احوالم جویا شدند . موضوع را به  
آنها گفتم . یکی از آشنا یا نم  
که شغل شکار دارد بن من مشوره داد:  
— تفنگ را بجان شان بر دار و  
یکسره هدف قرار بده تا آنکه بدانند  
«یک من آرد چند فتیر اس» .

رفتم و یک تفنگ شکاری دو میله  
خریدم . به خانه آمدم و بعد از  
هر دو ساعت یک قاز راهد ف قرار  
دادم و به اسفل السافلین روانه اش  
کردم . من به این سادگی ها که  
شکار چیان طیور را شکار می کنند  
از تفنگ آتش نمیکردم بلکه از  
کلکینچه اتاقم میل تفنگ را بپر ن  
کشیده هر دو میل آنرا یک جا خالی  
می نمودم .

واقعا پس از هر فیر یک قاز به  
هوا بلند می شد و می افتد، و لی  
همسایکان سر شکایت بلند نمودند و  
به مدیر ناحیه گفتند که من راحت  
آنها را برم زده ام . او من را احضار  
کرد و توصیه نمود تا پس از آن  
مزاحم نشوم .

وبرای اینکه آواز تفنگ را  
همسایکان شنستند ، ببا زار رفتم و  
بخریداری قالین پرداختم . قالین ها  
را در دیوار های خانه آویزان نمودم  
تا همسایکان صدای تفنگ را نشنستند.  
از پس تعداد قالین ها زیاد بود  
در منزلم دو باره کویه پیدا شد . و  
دوستان برايم مشوره دادند تا:  
— چلپاسه ها را به خانه بیاورم ...

هشتم خودرا به روی اسفالت جاده  
انداخت و مرا از شر خود خلاص  
نمود و لی حالا گویا در منزلم کرایه  
نشین های جدیدی را جا داده ام و  
غسل میکنند . اگر از راه دروازه آنها را  
در منزل ما کویه راه یافت و هر  
طرف خانه را بادل بیغم گشت و هر چه  
از پوسن و پشم یافت بقدر اشتباها  
نوش جان کرد . راستی نزدیک بود  
دیوانه شوم نمی دانsem چه کنم ؟  
پودر دی . دی . تی پاشیدم ، در  
الماری ها نفتالین گذاشتم ، هر چه  
کردم ثمی ازان ندیدم . دوستان  
را مطلع ساختم و از آنها مشوره طلب  
نمودم .

بن گفتند : بسیار ساده است ،  
چلپاسه ها راجمع کن در خانه رها  
نما و در اندک مدتی از شر کویه  
خلاص خواهی شد .

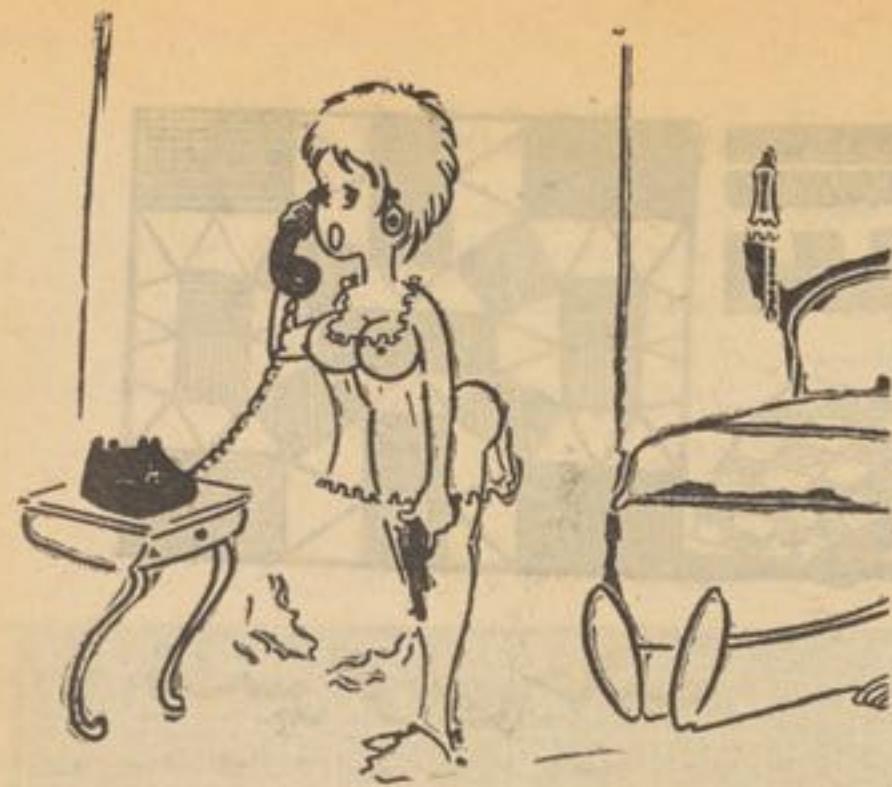
همان کردم که دوستان بمن  
گفتند . واقعا کویه از منزل ما گم  
شد و لی تعداد چلپاسه ها آنقدر  
زیاد شد که زندگی را بر من تنک  
ساختند . هر طرف که میدیدی چلپاسه  
باز هم چلپاسه ، در دیوار چلپاسه ،  
در رختخواب چلپاسه ، در دهلیز و  
در همه جا چلپاسه .

دوستان و آشنا یان از حالم کواهی  
یافتند و به سر وقت رسیدند .

— قاز ها دشمن چلپاسه اند . اگر  
در منزل چند قازی داشته باشی ،  
چلپاسه ها را می بلعند و ترا بیغم  
می سازند .

رفتم و قاز هائی را برمی خریدم و به  
خانه آوردم . بعد از چند روز متوجه  
شدم که آخرین چلپاسه از پنجره منزل

از بالا به پائین بدون شرح



بلی ! فکر میکنم قتلی رخ داده باشد .



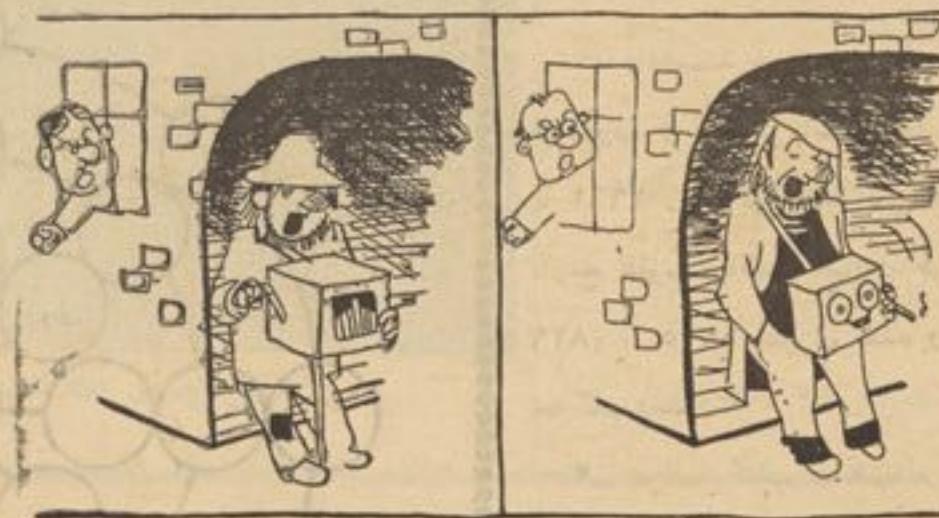
بدون شرح



اولی : چرا بادنده به دستم زدی ؟  
دومی : بخاطری که بدانی با یک  
بروفشنل همبازی هستی .



فرزندم ، زمانی مردم روی ذ مین  
توسط این طور ملخها پرواز میکردند



راه غنیشدن از طریق هزا حمت



بدون شرح



بدون شرح



سال نو توان تبریک پلنگ ها



## ۱ طلا عات عمومی خود را بیازمایید

۱- دانشمند فرانسوی که علاوه بر دانش ریاضی و فزیک، فیلسوف هم بوده و ضمناً ماشین حساب را اختراع کرده است و از سال ۱۶۲۳ تا ۱۶۶۲ زنده بوده چه نام داشت؟ ۲- مورخ آلمانی که مخصوصاً در تاریخ علوم ریاضی مهارت فراوان داشته و زندگانیش در فاصله ۱۸۲۹ تا ۱۹۲۵ سبری شده و کتاب درسی از تاریخ ریاضیات از اوست چه نام داشت؟

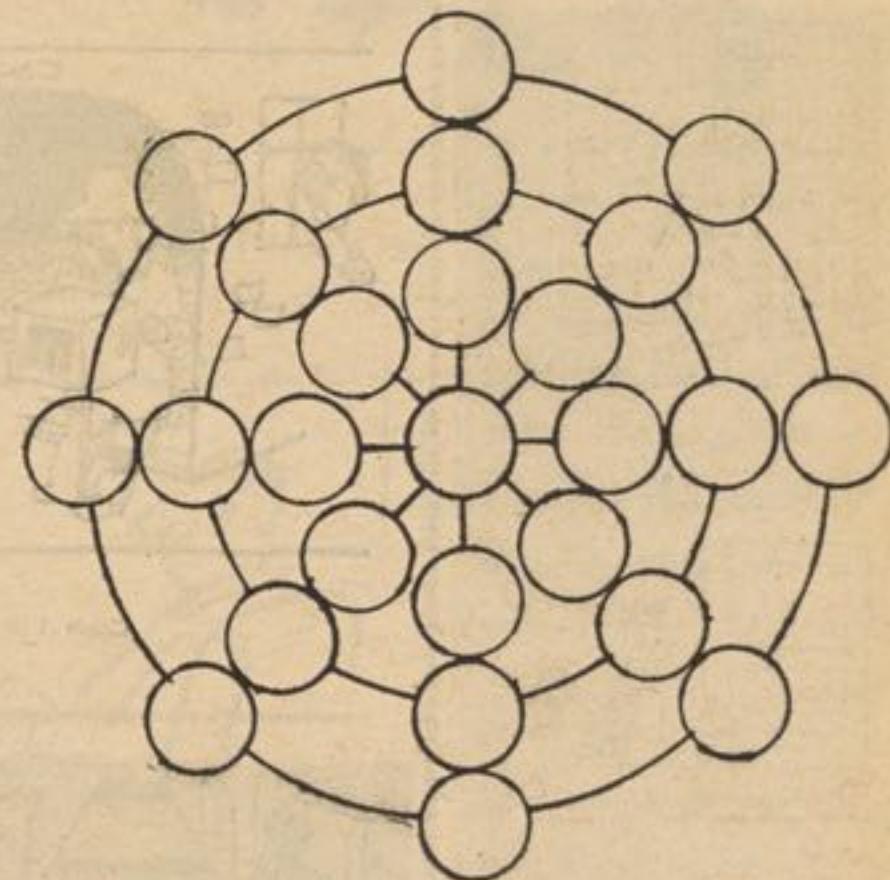
۳- مؤلف کتاب مناقب‌الله ارفین در احوال مولانا جلال الدین بلخی و فرزندان و جانشیان او و مشایخ طریقه مولویه که برای تالیف آن از سال ۱۴۲۷ تا ۱۴۲۸ هجری زحمت‌کشیده است چه نام داشت؟

۴- عارف مشهور غوری که در ۱۷۸۷ هجری در هرات وفات یافته و متوفی زاداً لمسافرین و کنزا لرموز و کتاب نزهه الارواح از او باقی ماند و سوالات عرفانی از محمود شبستری سبب نظم گلشن راز گردیده است چه نام داشت؟

جواب در شماره آینده تقدیم می‌شود.

## یک سرگرمی جالب

در این دایره‌ها اعداد متولی از یک تا بیست و پنج را طوری قرار بدهید که هم هر قطر آنرا اگر جمع کنیم عدد ۱۰۰ حاصل شود و هم هر



یک از محیط‌های آن این عدد را به دست دهد.  
کوشش کنید که جواب آن را پیدا کنید، اگر نتوانستید در شماره آینده جوابش تقدیم خواهد شد.

## جدول اطلاعات عمومی

۱	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن	ن
۲		ف	ل	ف	X				
۳		ل	ف						
۴	X	ف	ل	ف					
۵	X	ل	ف	X	X				
۶		ل	ف		X	X			
۷		ل	ف	X	X	X	X		
۸		ل	ف	X	X	X	X		
۹	X	ل	ف	X	X	X	X		
۱۰	X	X	ل	ف	X	X	X	X	

طرح گشته هونسه بشیر  
ژوندون

## جواب مساله شطرنج

### شماره ۳۵

درین جدول ده کلمه که دو حرف مورد بحث قرار میدهد.

(ف) و (ل) در آنها مشترک است باید ۵- نادر و کسی که سرمایه خود

میرهای که در خانه (۶) می‌باشد شود شرح و تعریف کلمات را از دست داده باشد.

۶- جمع فلک.

باشد به خانه (۷) برده شود: بندین قرار است.

در این صورت سیاه هر حرکتی

۷- آلتی است که دروازه‌ها به

بکند سفید با حرکت اسب آنرا مات

شماگرد سفراط واستاد ارسعلو بود. وسیله آن بسته می‌شود.

۸- کشوری که عنقریسب در

وقت هنر است و سر فرازی است.

۹- مرد و معمولاً عرچیز نند را

هم می‌کویند.

۱۰- مجمع الجزایر یست در آسیا:

دانشمنی که حقیقت اشیا را عنوان می‌آیند.

### جواب ستاره شناسی

### بار بارا سترایسن.

### جواب آزمون نظر

### شماره یک و شماره هفت

## جواب سوالات شماره ۳۵۵

جواب مسئله اسپ

نکرهار، سمنگان، زابل، غزنی، پکتیا، هرات، کند هار، فاریاب،  
بلخ، پروان، فراه، هلمند و بغلان.

جواب تقسیم بر ۱۱ :

عنوان این سوال سپوا تقسیم بر ارجام شده بود، بهر حال جواب آن  
آنست. ۹۸۷۶۵۲۴۱۳

جواب اینجا کجاست

بوهنون الاذر واقع در قامره مرکز جمهوریت عربی مصر است.

۱۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
X	۲	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	
۱	X	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	
۲	۱	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	
۳	۱	۰	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰
۴	۱	۰	۱	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱
۵	۱	۰	۱	۰	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰
۶	۱	۰	۱	۰	۱	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱
۷	۱	۰	۱	۰	۱	۰	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰
۸	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱
۹	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰
۱۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	X	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱

صورت حل جدول اطلاعات عمومی شماره گذشته:

## این موخر و طن کیست؟

در سال ۵۸۹ متولد شده است. مولده جو زبان  
عندی که یک واحد کمتر از محدودیم را باشد و آن عددی  
بود، وزندگانیش در غرب رکذشیده است، مدتی هم در سیستان  
و پس از آن در هند زندگی میگرده است، کتابش در تاریخ عمومی نیست  
را که او انتخاب کرده است پیدا کنید.

که از قدیمترین زمانها تا عصر خودش راهه انسای فصیح بیان  
کرده و این کتاب با حواشی و توضیحات مفید در کابل به طبع رسیده است  
آن کمی بزرگتر از حاصل ضریبی باشد که او داده است پیدا نماید  
چوب دوست شما همان عدد است. بطور مثال، دوست شما عدد ۴ را  
انتخاب میکنند، مربع ۴ عدد ۱۶ میباشد و یک واحد کمتر از آن ۱۵

## پاسخ سوالات شماره ۳۶

جواب اطلاعات عمومی :

۱- دانشمند که برای اولین بار کسوف آفتاب را بیش بینی  
کرد «طالس ملطفی».

۲- دانشمند فرانسوی که در فاصله ۱۵۹۶-۱۶۵۰ زندگی میگرد.  
از نه دکرت بود.

۳- نایفه انگلیسی که فرانسون جاذبه عمومی را کشف کرد اسحق  
ایزال تیوتن بود.

۴- دانشمند اسکاتلندی که کاشف لگاریم است «جو ن نیر»  
بود.

جواب سوال حسابی :

تعداد کتابها ۲۵۱۹ جلد است، راه حل این سوال پیدا کردن عددی  
است که بر تمام اعداد از یک تا ده قابل قسمت باشد و آن عدد ۲۵۲۰  
میباشد، وقتی که از این عدد یکی کسر کنیم عددی میشود که بر هر  
یک از اعداد «از یک تا ده» قسمت نمایم، باقی مانده آن یک واحد  
کمتر از خارج قسمت میشود و آن ۲۵۱۹ است.

جواب شعر را پیدا کنید :

دلا عشق آسان گرفتی و ترسم که آهسته آهسته دشوار گردد

جواب آیا این شاعر :

وی میرزاقلی نام داشته و تخلصش میلی هروی است.

جواب پیدا کردن عدد :

راز این ممما در آن است که همیشه مجموع مکعبات سه عدد متولی بر  
عدد ۹ قابل قسمت می باشد.

## یک سرگرمی حسابی

به دوست خود پکویید: عددی رادر ذهن خود انتخاب نماید و آنرا در  
عندی که یک واحد کمتر از محدودیم را باشد ضرب کند و حاصل  
ضرب را به شما بکویید شما میتوانید به آسانی، عددی  
را که او انتخاب کرده است پیدا کنید.

راه حل این معملاً چنین است که دقت کنید تا عددی را که مکعب  
آن کمی بزرگتر از حاصل ضریبی باشد که او داده است پیدا نماید  
چوب دوست شما همان عدد است. بطور مثال، دوست شما عدد ۴ را  
انتخاب میکنند، مربع ۴ عدد ۱۶ میباشد و یک واحد کمتر از آن ۱۵

است که چون ۴ را در آن ضرب کنیم ۶۰ میشود مکعبی که کمی بزرگتر  
از ۶۰ باشد عدد ۶۴ است که مکعب ۴ میباشد و چوب دوست شما هم ۴

است. یا اگر ۱۰ را انتخاب کرده باشد، مربع ده صد است و یک واحد کمتر  
از آن ۹۹ میباشد که چون در ۱۰ ضرب شود، نزدیکترین عدد مکعب ۹۹ است  
که مکعب ۱۰ میباشد.

این پاسخیابی از آن سبب به نتیجه میرسد که همیشه هر عدد  
که چون از نظر فنی قابل استفاده نیست از طبع و نشر آنها معذرت  
را وقتی که در یک واحد کمتر از ضمایع احمد خالقی، سلطان احمد و  
ربع خودش ضرب کنیم، حاصل میخواهیم و از همکاران عزیز خواهشمندیم که جدولها را به یک روی

در ورق جداگانه بنویسند. مکعب خودش میشود.

درین هفته چند جدول به شعبه سرگرمی و مسابقه رسیده است  
از قلعه موسی، نوراحمد خیاط،  
را وقتی که در یک واحد کمتر از ضمایع احمد خالقی، سلطان احمد و  
ربع خودش ضرب کنیم، حاصل میخواهیم و از همکاران عزیز خواهشمندیم که جدولها را به یک روی  
واسطه نوشته است.

## اصل این شعر چیست؟

## حل کند گان

کسانیکه درین هفته جواب صحیح  
فرستاده اند عبارتند از:

محمد قاسم لعلی، شیرین دل حکیم  
سلیمان عبداللهی، محمد نذیر

یکتاپرست، جمشید فقیر، شیرین احمد  
متعلم صنف ۱۲ لیسه نادره، عبد

السبحان از لیسه انصاری، غلام قادر

شعری که کلمات آن در هم ریخته شده است و در اینجا از نظر شما  
میکند، صورت صحیح آنرا پیدا کنید:

باش جای بدان نکو با خار گل  
باش جای بد نیکان با خار

## یاد داشت

# آخرین نوازش

ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل در شماره گذشته خواند ید:

از چندی به اینسو، ما در «پا ل» مرضی است و داکتر وضع صحی او را خیلی خطرناک خوانده است. البته علت عمله مرضی او بخاطر یست که همسرش وی را ترک گفته و بازنده گیری زندگی می‌کند. «پا ل» در صدر آنست که برود، پدرش را مجبورسازد تادوباره بخانه برو گردد. واینک بقیه داستان:





فرماده از تاریخ پنده خود را در



البنة چند روز بعد این موضع  
در زمین خودست گشت.



تـ اـ سـ فـ مـ دـ رـ وـ شـ کـ غـ لـ هـ اـ حـ مـ



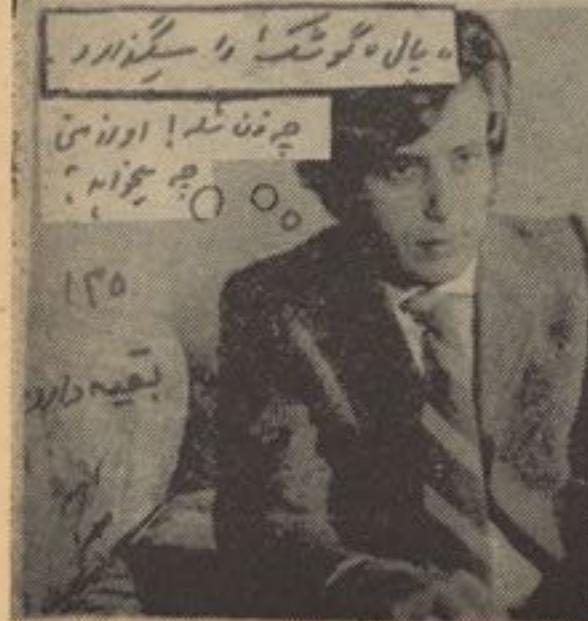
بـلـهـ، دـرـكـيـ نـيـرـهـيـدـ.



گفت که یکی از دوستان  
شماست.



• 13



بیان و گوشت دیگر از اور

چه مدن شد! اور زمین  
چه سخواست

10



چهارمین سویاً جمیع  
معنی سویاًست با این حرف  
بهرخ ، هرگز من نشاند  
نهاد بید چهار را بر استان  
بلکه ، پس پای خود  
دقیق دیده می دروزند  
بگو و من خواستم هرخ



شده مرا فتن می سید: ۵۰۱

بهمنیست فروردین سال ۱۳

# عشق پرور مند کلاهال

ترجمه رهیو

برای سالها او به تنها بی دست به نبرد زد تا به کمک اطفالی  
بشتا بد که مادرشان در چنگال اهریمن اعتیاد به مو ادم خدره  
دست و پای می زند



در فضای این خانه محبت پاک مادرانه همچوی می زند.

این بزرگواری و روح عالی کلاهال است آینده است و خودش مزه تلخ این ناگواری که یزیرفته نا کودکان زمانی را که معتقد بوده اجتماعی را چشیده است. واکنون به شدت هر دو مراثی طبل قرار زندگی ترازیدی او زمانی آغاز یافت که دارند، بزر حمایت و توجیه خودش قرار داده درسال های بحران و تنشی سالی شوهرش اورا و آنان را در یک فضای سالم حیاتی و روانی بادوطفل ترک نمود و یسوی ابدیت شتافت. پرورش بدهد او بده کمک دخترش لوراین خودش می گوید: (شوهرم هارا در وضعیت تکنگستی مطلق عالی معلمین بوده و نامزد هال که استاد مکتب عالی معلمین بوده و نامزد درجه ی دکتورا در رشته پرورش اطفال در کار می کرد و حتی کار طاقت فرسا ولی نوع یوهنتون نیویارک می باشد توائمه است تا پیش از پولی زیادی برایش به همراه نسی چنان یک موسسه خدمات اجتماعی دائمی دیزی آورده شوهرم به شدت پدر عشق می ورزید نماید که در آن فضای سالم احساسات انسانی و حتی باری سمع نمود تا به مکتب عالی دربرو کلین شامل شود ولی این تلاش بیپورده بود) موج پلله.

مکن اتفاق های رهایش هال بزرگ شده درسال های بحران می، کار به صورت باشد ولی این خود به فضای بیشتر دوستی فراوان وجود نداشت. برای یک زن سیاه که دمحجت نیاز دارد.

او می گوید:

(علیله دارم که هر کس برای کاری آفریده شده است و روی همین دلیل است که موفق نموده و شب بخاروب کردن تیاز همی پرداخت می شوم کار به این بزرگی را بدون داشتن او بیاد می آورد که: (مجبور بودم کودکانم شوهر و بیول کافی به پیش برم) در حقیقت راتبا بگذارم و در آن زمان آنها خیلی کوچک ایجاد خانه هی هال تازه ترین ورق در زندگی بودند، شب ها تا مسیح کار می کرد م. صبح پروران دوستی اوصی افزایید. این زن اویسن وقت به خانه آمد و با ایشان پیش صبح را داده اطفال مادران معتاد را در سال ۱۹۶۹ پذیرفت و کمی خواب می کردم. بعد مجبور بودم تاساعت ولی همراه با اطفال خودش فرزندان دیگران را خوش نداشتم که آن را زد همسایه تنها بگذارم پرورش داده است. این اطفال نه تنها تحصیلات عالی را بیان و رسانیده اند بلکه برای خود ولی چاره ای نداشتم).

وقتیکه اطفالش بهمن مکتب رسیدند کلاهال شان زیدگی پر از دشمنی را برآمده اند. تصمیم شکفت آوری گرفت. میرمن هال این کار بزرگتر ای باطنی بدوش گرفت که بصورت واقعی معنی کلمه (مادری) کار بپرون و ترک نمود تا با کودکان رأی داند. او ذکر می کند که محبت مادرانه یکی باشد خودش می گوید: (نمی خواستم تادر از شروع های اساسی پرورش نسل های پیش در صفحه ۶۶

هر صبحی که آفتاب انوار طلایی اش روی تختخواب های می خواهند که از دیوار به محله ی هارلم ( محله ی میاه پوستان ) دیوار دیگر چسبیده بود. ولی اکنون او بخوبی نیویارک می ریزاند، کلاهال در تپوتلاش چواب خواسته های احسانی، عاطفی و جسمی آماده درست کردن صبحانه برای ۳۷ نفر این کودکان را در تعمیر جدید پنج منزله که طلبش می باشد اطفالی که اواشان را باعثیق روی بلاک آن نام این زن بزرگ منش توشه و درست پذیرفته است.

این کار طاقت فرسا برای کلا را بیوی ۶۸ هیچکدام از این کار های برای کلا را هال ساله تکلیف آور نیست بلکه اوتوانایی آن را ساده نیست. مادرانی طبیعی این کودکان در دارد تا بامهربانی و محبت دست بروی همه ی چنگال هیروین گرفتار الد و حتی پسیاری از این کودکان داغدیده بزند. ولی برآستی پذیرفتن این واقعیت رویایی تلخ این پلای قرنی را چشیده الد و با آن احتیاج دارند پس از هنگام تولد، این کودکان و تخلیل بنظر می رسد. فقط یک سال پیش او اکثر این کودکان را در برابر ملوانی و سخت معاشرات و تداوی های در ایار تماش پنج اتفاقه اش نگهداری می کرد، دو کودکان بوده اند تا از چنگال هیروین نجات درآشیز خانه کوچکش غذا می داد، و آنها را باید.



کلاهال اطفال دیگران را هائند گودکان خود دوست دارد.

امروز جوانان است . جوانان در همیشگی ارهاهای ملی و مردانه چنان نقش حساس را بدوش دارند که همپایه و همگانه بروان خواسته های مشروعیست که مردم ما به آن میاندیشند و بسر و سانده آن بدون نقش برآزند و فعال جوانان امکان ناپذیر میباشد .

در گذرگاه زمان آنچه از جوانان باقی میماند نقش قهر ما نانه آنها در نبرد زندگی برای تحقق بخشیدن خواسته های همگانی و ملی میباشد واین ملحوظ بدون در نظر داشتن هماهنگی و همدلی دوین قشر جوان درین نبرد بزرگ بو جود آمده نمیتواند . . . .

(۲) « ... انسان با دانشیکه با اهداف ملی تفا هم نداشته باشد ، بند جا مفعه نمیغورد ، انسان بسی دانش یابی تربیه نیاز داشت چیزی ساخته نخواهد بود و اگر فاقد هردو صفت باشد در تصویر منظره اسفناکی ایجاد میگردد که کشیدن این باربادوش جامعه ستگینی میکند ازین جهت است که مؤسس جمهوریت این رهنمود اساسی را برای معارف افغانستان تعیین کرده است : « برای معارف افغانستان علاوه بر تعلیم داشتن تربیه و دانستن هدف ملی حتمی و لا زمیست » . . . .

(۳) « جوانان هنچیخت قشر بیش رو در جا مفعه پاسدازان فر هنگ هردم نیز محسوب میشوند و در جریان تکامل و درجهت این بیرون شوون مختلف آن رول برآزند را دارا میباشند ... در ساختمان یک جامعه هرفه و آباد قسمی که باورها گفته شده جوانان نیروی خستگی نا بدیر دارند .

بنا بران جوانان نه تنها در ساخان تولیدی و انکشافی هنچیخت نیروی بیش رو و متفرق عرض و جود می نمایند بلکه دو قسمت حفظ و نگهداری فرهنگ ملی نیز کتله محسوس بشمار میروند . . . .

- از ارائه نمونه های سر مقاله های تان که آموزنده و بسیجند است ، ممنونم . باید گفت که در

محلی ملحوظ دریرو گرام جوانان قسمت هایی و جود دارد که بدن اشتراک جوانان ترتیب شده نمیتواند در بخشی « مکروفون آزاد جوانان » و « میز های گرد » همیشه جوانان از نزدیک درباره گفتنه ها و اظهار آنچه برای قشر جوان ما مفید است حصه میگیرند و به آوازهای خودشان به بروگرام جوانان سهیم میشوند برو گرام جوانان در نظر دارد تمام آن از حجره جوانان که از جمله نطاقان رادیو نباشد نشر گردد .

ما امید واریم تا آهسته آهسته در قسمت ارتباط نزدیک جوانان با برو گرام خود شان گامهای فراختر و استوار تر بگذاریم .

این ملحوظ دریرو گرام جوانان در شرایط کنونی و مسوولیت های را که جوانان در مقابل دارند ، مطالبی برای آنها باز گویی نماید .

یکی از اهداف مقاهمه که دروسایل مقاهمه جمعی اهمیت زیاد دارد اینست که خصوصیات متنوع دریک پرو گرام باید حفظ شود ، مثلا در پرو گرام جوانان ، این مطلب همیشه در نظر بوده که در پهلوی تقدیم مطالب جدی وقابل تعمق مطالبی ذوقی از خلال نامه ها ، رایور تازه ها و جریانات میز گرد بگوش جوانان رسانیده شود .

ماهر هفته یک تعداد زیاد نامه های از جوانان مرکز و ولایات کشور دریافت میکنیم ، که دران جوانان از رادیو افغانستان بعیده می‌شوند و تمجید را از مجله زوندون آغاز میکنند ، موقع را مفترض شمرده سوالاتی را که قبله در ذهن مرور کرده ام ، بدینسان با پرو دیو سر بر گرام بعد از مقدمه چیزی مختصی طرح مینمایم .

- در پرو گرام دنیای جوانان رادیو افغانستان بعیده می‌شوند و اینموده ضوع که چگونه خود را با شرایط زندگی نوین در عمل و پرایک دمساز ، همنوا و هماهنگ سازیم ، بیشتر صحبت و نشرات باید صورت بگیرد ، مشکلات و پرابلم جوانان که در همه جا در صفت نخست فرار دارد نیاز هند یهای فهمان این قشر مستعد و پر تحرک ، باساز در ک واحساس مسوولیت ملی و اهداف ملی و در نظر گرفتن از همان قلی که به یقین کتله جوان نیز بدان علاقمند و آگاه هستند ، در پرو گرام دنیای جوانان گنجانیده شود ، گره گشایی این مسائل باساز و هنمود هستای علمی و برابر با هوازین جهان یعنی علمی ، بر طبق قانون نمندی علم تکامل اجتماعی این پرو گرام بجوانان غرضه گردد ، تائیر آموزش و تربیت آن در نهاد جوانان و ایجاد روحیه ملی و وطنپرستی نهایت شهر خواهد بود .

بینیم نظریه شما بحیث پرودیوس بروگرام درین باره چگونه است و موادی که درین پرو گرام ارائه میگردد بیشتر روی کدام محور میگردد و محتوی آن چگونه است .

بساغلی فریاد بعد از مکت کوتاهی میگوید : پرو گرام دنیای جوانان عدفقی جز نشر مطالب و مواد سودمند ارزشی و بزرگ خود را برای قشر جوان کشور ندارد ، پرو گرام در وارد دل نمایند تا از یکطرف دو پرورش استعداد و دانش شان همراه باشند و برای حل پرابلم و نیازمندی های اساسی جوانان و افزایش ذخایر معنوی و فرهنگی شان همراه باقی شود ، طور نمونه یاد آوری نماید ، البته روش انتشار پرو گرام طی آن مبرهن و آشکار خواهد گردید .

اینک سه نمونه از سه سر مقاله برو گرام :

(۱) « با تحلیل واقعیت نهاد زندگی امروزی باین نتیجه میرسیم که نسل پیشناز و پیشا هنگ جوامع

در شرایط کنونی و مسوولیت های را باعث نمایند . در آنجا بانتظار می شیم ، هنگا میکه می فهمند که من هم با علاقمندی میخواهم در باره برو گرام ( دنیای جوانان ) رادیو به مجله زوندون گزارشی تهیه نمایم ، رضایت و خشنودی در چهاره های شاداب شان نمایان میشود ، توصیف و تمجید را از مجله زوندون آغاز میکنند ، موقع را مفترض شمرده سوالاتی را که قبله در ذهن مرور کرده ام ، بدینسان با پرو دیو سر بر گرام بعد از مقدمه چیزی مختصی طرح مینمایم .

رادیو افغانستان بعیده می‌شوند و اینموده ضوع که چگونه خود را با شرایط زندگی نوین در عمل و پرایک دمساز ، همنوا و هماهنگ سازیم ، بیشتر صحبت و نشرات باید صورت بگیرد ، مشکلات و پرابلم جوانان که در همه جا در صفت نخست فرار دارد نیاز هند یهای فهمان این قشر مستعد و پر تحرک ، باساز در ک واحساس مسوولیت ملی و اهداف ملی و در نظر گرفتن از همان قلی که به یقین کتله جوان نیز بدان علاقمند و آگاه هستند ، در پرو گرام دنیای جوانان گنجانیده شود ، گره گشایی این مسائل باساز و هنمود هستای علمی و برابر با هوازین جهان یعنی علمی ، بر طبق قانون نمندی علم تکامل اجتماعی این پرو گرام بجوانان غرضه گردد ، تائیر آموزش و تربیت آن در نهاد جوانان و ایجاد روحیه ملی و وطنپرستی نهایت شهر خواهد بود .

باقی صفحه ۱۳

## پرو گرام دنیای جوانان

قسمت شناخت جهان هستی و خصوصیات مغلق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کمک نماید .

آهنگهای این پرو گرام راهنمایی پارچه های شادی آفرین جوانان امانتور رادیو افغانستان و بعض پارچه های غربی تشکیل میدهد . زیرا در

برو گرام جوانان باید بدان توجه و جوان پستند گنجانیده شود .

حالا برای اینکه میعاد و ملاکی برای ارزیابی ، سنجش و قضایت مواد پرو گرام در دست باشد ، سطري چند از بعضی مقالات زبانه ایکه دارای محتوی آموزنده و ارزشی ای باشد و برای حل پرابلم و نیازمندی های اساسی جوانان و افزایش ذخایر معنوی و فرهنگی شان همراه باقی شود ، طور نمونه یاد آوری نماید ، البته روش انتشار پرو گرام طی آن مبرهن و آشکار خواهد گردید .

اینک سه نمونه از سه سر مقاله برو گرام :

بنامه ها » و « نشر مطالب ارسالی جوانان » مطالبی را که جوانان برای نشر میفرستند همیشه نشر گردیده است که میین ذوق و علاقه جوانان منور به پرو گرام خود شان است .

یکی از اساسات عمده که در

پرو گرام جوانان باید بدان توجه شود ، روابط نزدیک در فضای صمیمیت و ایجاد زمینه مساعد برای جوانان منور ، هترقی و با لیاقت کشور است ، تا آنان موقع بیابند ، مستقیما در پرو گرام خود حصه بگیرند و روی نیاز مند یهای خواسته و آرزو ها و تمیمات شان ابراز نظر و درد دل نمایند تا از یکطرف دو پرورش استعداد و دانش شان همراه باشند و برای حل پرابلم و نیازمندی های اساسی جوانان و افزایش ذخایر معنوی و فرهنگی شان همراه باقی شود ، طور نمونه یاد آوری نماید ، البته روش انتشار پرو گرام طی آن مبرهن و آشکار خواهد گردید .

اساس هشی پرو گرام که فعلا در

دست اجراست ، بیان دارید .

جوان و نسل پیشنهادی کشور مطالب سه مگیری جوانان در بخش های مختلف برو گرام که آموزش و پرورش های نیازمند یهای شنوندگان و علاقمندان است .

پرو گرام دنیای جوانان برای قشر جوان و نسل پیشنهادی کشور مطالب و موادی را تهیه مینماید تا مورد ذوق و علاقه آنها قرار بگیرد و از جانبی دیگر در قسمت موقف نسل جوان

باقی صفحه ۶۰

صفحه ۵۵

شماره ۳۷

## عشق پیر و زنده

با کمک آنها توانستم برای دیگران سکالت  
شیوه های تحریلی دست و پای کنم . اکنون  
آنها در تمام رشته هاچون طب ، حقوق ، تدریس  
موسیقی وغیره کار می کنند )

در سال های که دیگر همشر زبان زندگی  
ازام وسر برآمی داشتند زندگی و بیزیری  
محروم دیگر نداشتند . در جولای سال ۱۹۶۹ لوراین همال در  
خیابانی زاندنگی می کرد که ناگهان چشم  
برن جوان افتاد که بین ده روسک شسته شد  
لحظه به بینک می رود و مغلوب کوچکی که به  
آلوش دارد از یغلش می کند (واز دیدند  
این منظره به شدت تکان خورد موتشرش را  
متوقف ساخت واز کلکن آن صدا کرد :

(توبه کمک احتیاج داری و من کسی دامن شناسم  
به تو کمک کرده می تواند طفل را به بین  
مادرم ببرد بدبیال آن آدرس خانه را داد )  
به این ترتیب اولین طفل یک (مادر معتاد)  
در خانه ی کلا راه یافت .

به زودی این کی در تمام محله ی هادس  
بیجیوده طفل که در عین شرایط به سر می  
بردنه به آنجا آورده شدند مثلاً آنها رانیز  
مانند دیگر اطفال بینون اینکه یک یولی هم  
موقع داشته بوده باشد دوست داشت .  
در این راه لوراین دخترش کمک بسازیں  
نمود . او بخاطر می آورد که (لورین روزانه دو  
نامه کار را الجام می داد تا بتواند به مادرش  
کمک کند و در بسیاری موارد مادرش را برای  
خرید به همان مقاضه های می برد که در آنها  
کاری کرد و برایش مالدا آرزوی خود را داشتند  
یکانه چیزی که کلاز اعمال ازما در ان اطفال  
می خواست این بود که هر اکثر مبارزه با  
اعتداد نیت نام کنند او می گوید : (زمانیکه  
این مادران بدوین کودکان شان می آمدند  
پشت احساس خوشی می کردند )

ولی او حوادث تلخ و شیرینی بیاد داشت  
و در صورتیکه والدین شان خواهان برگشت  
کودکانشان نمی بودند ، او مجبور می شد که  
اطفال را به مکتب بیشتر بیندیرد . گرچه اطفال  
اورا پیش از مادر شان احترام می کردند ولی  
کلاز ادوس است تا آنها باگرفتن نام پدر  
و مادرشان هویت خود را حفظ کنند .  
با این هم اطفالی کامن آمدند و می رفتهند  
کلا را آورد . اکنون این طفل در همانجا به  
آرامی زندگی می کند در شروع این پروگرام  
میرمن کلا را و دخترش به او باداره مبارزه با  
اکنون این طفل به مردم بزرگی تبدیل شده  
و در پوهنتون گاتنکیت تحصیل می کند .  
برای کلا را (تحصیل) ملبوم پر از زشی  
دارد . خودش می گوید : (برای کودکانم به همه  
آنها گفته ام که شما هر کار درین مملکت کرده  
می توانید بشرطی که تحصیلات عالی داشته  
باشید . زمانیکه کودکان شودم بزرگ شدند  
در دراز مدت روی اطفال مطالعه نمایند .

برای کلا را هال بپرین روز زندگی اش سوز محبت مادرانه را برای کودکانی که در  
النقال به اهارتان جدید پود .  
به این ترتیب یک قلب بزرگ و مهربان شپها دست و پای می زند و بخشید .

زوندون

صفحه ۵۶

## و باز هم راجع به

### قاکی مزاحمت

خلاف نزاکت مزاحمت می شوند .

اگر شما در گوشة ایستاده و تماسای این مخلوق عجیب و غریب را نمایند شاید سوژه های دلچسپی برای مجله تان بیابید . این جوانک های عصری می طیند و خود را در همان چند لحظه مختصر به هر سو می زند و بهر کدام از شاگردان که از پهلوی شان رد می شود پر زه نثار میکنند و بسیاری که کدام دختر از شنیدن حرف های شان تبسیمی نمایند فوراً دنبال آنرا گرفته و بفکر آنکه پر زه شان بجان آن دختر کاری افتاده عقب شان روان می شوند و آنها را بیشتر ناراحت می سازند .

یک جاده بدیگر جاده واز یک سرویس بدیگر سرویس بدبیال مشوشه های خیالی خویش سر گردانند . من پاجازه شما ازوالدین و مسؤولین تربیه خانوادگی این جوانک های لا ابالي می پرسم که آیا آنها متوجه سر ولباس فرزند خود استند یانه اگر جواب منبت باشد پس آنها چطور اجازه می دهند با این چنین لباس های مسخره و مو هانی که کم از زنان نیست به خانه بیایند و یا از خانه خارج شوند .

از شما خواهش می کنم باین بدران و مادران گوشزد نماید تا اقل از سرو ووضع فرزندان دلبند خود خبر دار باشند و حر کات آنها را کنترول نمایند که در بیرون از خانه چه وضعی دارند و مصروفیت شان چیست ؟ آیا این نور چشمی ها از خود آینده هم دارند یانه .

با احترام

( ف ازیسیه عایشه دروانی )

بسته میتواند نه تنها درائر صدای زدن بسوی انسان بیاید بلکه علاوه از آن استعداد آن ادارد که از لایلای موانع گذر برا بر این قیلا فرار داده شده بینون آنکه به آنها تعاص می کند بکند و به محل مطلوب خود را برساند .

درائر این تجارب کیش نشان داد که او میتواند اجسام را در آن خیز از آب موردهنف قرار بدهد و بعداً مستقیماً بطرف آن حرکت کندواز آب بیرون بیاورد بلکه نشان داد که بیوز خود زنگی را که قبل از آب تبیه دیده بودند به اهتزاز دوازد که در این عمل خود دلخیز مذکور خایز مثال ماهی مانند گردید .

کیش نه تنها توانست اشیای خود و ریزه را از آب بیرون بیاورد بلکه نشان داد که بین اشیای مذکور غرق فرق نیز قابل شود (مثل دلخیز توانست یک شی را از شی دیگر تمیز داده و آنچه مطلوب است انتخاب نماید ) .

کیش چندین مراتبه توانست پاچشمان بسته بینون غلطی کیسول چهار سانتی متر را که در آن ماهی های خود موجود بود از قهر آب بیرون بیاورد و از جمعه ای که باعین اندازه دارای مستگریزه ها بود تمیز دهد .

در زمان شکار دلخیز پاکت (سوئی) خود از آغاز هائی را از خود منتصاعد می نماید و این عمل در این دوردادن سر دلخیز که عمود داشت به مادرش کیم کند و در بسیاری موارد را برای خود بدینه که در آنها همان پیمانه ایکه دولخیز به دلخیز میگردد این حرکت سریع شده می رود .

بادیدن دولخیز انسان قورا با استعدادهای خارق العاده آن اعتراف کرده از هشیاری و -

حساسیت و بعضی خواص دیگر بیوان مذکور از قبیل تفکر و تشخیص تصدیق می نماید .

ممکن است انسان درنگاه اول دولخیز را

رفیق و دوست خود احساس می کند که ابدآ راجع به آن حس زده است ولی با وجود آن هم در دولخیز مهی چیز را که آرزو دارد نمیتواند در کنده دولخیز ممکن است هاند سایر حیوانات که قو، تفکر دارند انسان تحت تربیه قرار گیرند .

البته این چیز را پسر آرزو دارد بن شک

قعلا این موجود ارزشی آنرا دارد که به آن بیاله

و از آن محظوظ گردد ولی مفتر دولخیز بصورت معمومی احتمال دارد به تحلیل و تجزیه علیم

و سکنال هامشغول و مصروف باشد و برای تفکر

و تعلق (مثل انسانها) قادر باشد .

ولی البته جاندار شیرین درس الجمع

دروس کادولخیز به انسان مینهاد اینست که

انسان مدعی تیمی و اتفاقی خود می بیند که جهان

انسان هارا از جهان حیوانات جدا می سازد که

فقط انسان حاکم مطلق این جهان است ویس .

برای کلا را هال بپرین روز زندگی اش سوز محبت مادرانه را برای کانی که در

النقال به اهارتان جدید پود .

به این ترتیب یک قلب بزرگ و مهربان شپها دست و پای می زند و بخشید .



باقم شرمندوك

## یک پچه نازدانه

- آغا جان پولیس ترافیک فکاهی  
نمیگوید که هر هن خنده میکنی و  
آن دیگری که از انتقاد او عصبی شده  
بود میگفت :

- پسران مهمی همان اصطلاح پچه  
خواست خنده میکنم و هر وقت دلم  
نه است منتهی بشکل مدرن تر

خواست خنده نمی نمایم .  
شخصی اولی رو به حاضرین دیگر  
کرده گفت :

ما به عوض اینکه فعالیت و  
زحمتکشی دیگران را تقدیر کنیم  
بالایش میخدمیم ، چون سالهای  
طولانی کس نخواسته است مصادر  
نیشنی ها شر کت نموده ۱ قسام  
خدالت ارزش نه شود . و با وظیفه  
رقص ها را یاد دارد بکار بردن ناز  
زیادی لازم است تا حداقل وظیفه  
کند از لحاظ دانش مثل الف جیگران  
امر عادی شود ، این آقا بالای حرف  
است و با وجودیکه سن کودکی  
ها و سخنان پولیس های ترافیک که  
را پشت سر گذاشته هنکام برخورد  
هلف شان رعنای مردم است می  
با مشکل کوچکی لب هایش را غنچه  
ساخته با لحن پر از ناز دانگی صدا  
میکند (ممی) .

### جدیت ترافیک

واقعاً مساله آشنازی مردم به  
اشارات مقررات و قوانین ترافیکی  
پول برای جلو گیری از تصادمات  
ترافیکی و تنظیم بهتر گشت و گذار  
را تا اندازه رفع میکند و از جانب  
دیگر نقصان مالی را عاید نمیسازد  
در یک تصادم عادی دو موتور حداقت  
هر دو طرف سیما چهل هزار افغانی  
حساره مند میگردد حال اگر کسی  
تلف و یا مجرح شود این خساره  
بمراتب سنگین ترمیگردد و پریشان  
چند فامیل را سبب میگردد .

کاش همانطور یکه ترافیک در  
سایر ساحات و پهلوانی دادن  
لایسننس در یوری تلاش هایی را در  
جهت بیرون وضع ترافیک بخراج می  
دهد در مورد آشنا ساختن مردم با  
اینکه این موضوع بسیار عجیب  
باشد بعضی از اشخاص را بخنده  
می اندازد . چنانچه بنده شاهدیر خورد  
خود را دو برابر سازد ، البته درین  
دونفره دیگری از جاده ها یوں شخصی  
بطریق مقابل خویش میگفت :

شماره گذاری صرف نظر کرده هر  
موضوع را عنوان جدا گانه میدهم  
شاید در میان خوانندگان آدم حساب  
گردی باشد که بتواند هنکام پیوره  
که لباس به مود روز می بوشد به  
مود روز سخن میگوید ، نازک و  
لطیف است ، بمشکل از سیاه سرها  
تفريق میشود در یارتهای و شب  
نیشنی ها شر کت نموده ۱ قسام  
رقص ها را یاد دارد بکار بردن ناز  
و نخره را در حرکاتش فراموش نمی  
کند از لحاظ دانش مثل الف جیگران  
امتیاز داشت . نمیدانم در مورد  
چه کسی از او سوال کردم او در  
چه کسی از جمله الف جیگران است .

من که نمیدانستم منظور او از  
الف جیگران چیست ازاو پرسیدم :

- فلاانی این دیگر چه نوع ترکیبی  
است . الف جیگران چگونه اشخاص

اند .

نکاهی یعنی انداخت که صد برابر  
از نکاه یک معلم مقابل شاگرد  
تبلاش قهر آلد تر بود و گفت :

- الف جیگران کسانی را گویند

که الف در جیگر ندارند ولی خود را  
عاقل و دانا و چیز فهم تصور میکنند

و یا معرفی مینمایند گفتم .

- واقعاً چنین اشخاص را دیده ام  
ولی نمیدانستم که چنین اشخاص

را الف جیگران میگویند .

او خنده دو گفت :

- پس اصطلاح دیگری را هم  
ممکن است نشینید باشی .

گفتم : آن کدام اصطلاح باشد ؟

جواب داد :

- پسران مه می .

گفتم :

- اینها چگونه مردمی اند ؟ جواب

بمداد : مددگار خوبی خواهد بود .

کوچک هست . همیشه دشمنان نی  
دانسته ایم ، رولی نداشته ایم ؟  
شوهر شن جواب داد :  
(البته چنین است . ولی نه بان  
اندازه که مارا از روی صخره‌ای به  
زیر تیله کنند . ممکن ما از طرف  
کدام والاس از بین برویم . )  
( والاس ؟ )

## جزوه خاطره

شده است ؟) انگشتان روی شانه ام  
کمی سست شد . کسی که به من  
حمله کرده بود پیش ایستاد و گریخت .  
چیزی دیگری که بیاد دارم همانا  
روی بالیم با غبان بود که بکمک آمده  
کرد .

او گفت :

( بیغله پالمر ، شمامی لرزید ؟ چه  
شده است ؟ )

( او را ندیدید ؟ )

( بیغله پالمر ، کی را ؟ )

( مردی که من تعقیب میکرد . تو  
حتما هنگام فرار اورا دیده با شی  
او بسوی پائین دوید ) نیمه غش  
و نیمه بیهوش بودم .  
بالیم گفت ( تنها چیزی که شنیدم  
ناله و فریاد خودت بودو پس . چیزی  
دیده نمی شود زیرا به شدت تاریکی  
است ) .

دانستم که بگفته ام باور ندارد  
بعد با آهستگی تمام واقعه را برایش  
بازگو کرد . در حالیکه حرف میزدم  
بسیار خانه پیز گشتم . در پر تو  
روشنانی برند بصورت بالیم دیدم  
با چهره‌ی عبوس گفت :

( بیغله پالمر ، اورا میدیدی )

حرفش را قطع کردم .

سردی چند ش آور در سرا پای  
تو می گویند هوا کاملاً تاریک بود )  
و باز هم نشناختی ( اش ؟ )

( نی )

( چه نظر داری ؟ )

( خوب بیهوده است حادثه را برای  
میر من دمفری بگوییم . )

( اگر من بجای تو بودم تا وقت  
روشن نشدن مساله به تنها بیرون  
نمی رفتم . )

( ناتمام )

ستک بر خاستم و از شدت تاریکی  
را هم را نمی دیم .

نا گهان صدای پایی شنیدم و  
احساس کردم که تنها نیستم و  
نظرم آمد .

همچنان از از باغچه به باغچه ای  
میکردم تا اینکه خود مهمانخانه  
بیسوده است اعصابم را از دست  
پیدم . در یک باغ هوتل چه خطری  
متوجه ام بود ؟ رویم را گشتنم و  
لحظه به تاریکی تکریستم . ولی چیزی  
معلوم نمیشد صدا کودم : ( کسی  
اینجاست ؟ )

باور دیگر افتادن سر کننت دا لاس  
بیادم آمد که چکونه از روی صخره  
بیانین انداخته شد واکنون بیوه اش  
را فرا گرفت . بسوی مهمانخانه به  
تمام شب راسرود غم سر می‌هدید  
واز آنجا پیکنی بیادم آمد که در  
خیابان های کوچک باغ قدم می زند  
باز همان صدا پای ولی این بار بشد  
و کسی از عقب بسوی اش حمله  
تر و تزدیک تر من غرورم را بگوشی  
آنداخته و شروع بدویدن کردم .

باور دیگر افتادن سر کننت دا لاس

باز جوابی نبود . ولی صدای پای  
شنبیده تعیشد . پرسیدم .

( کی هستی ؟ چه می خواهی ؟ )

بیادم آمد که چکونه از روی صخره  
بیانین انداخته شد واکنون بیوه اش  
را فرا گرفت . بسوی مهمانخانه به  
تمام شب راسرود غم سر می‌هدید  
واز آنجا پیکنی بیادم آمد که در  
خیابان های کوچک باغ قدم می زند  
باز همان صدا پای ولی این بار بشد  
و کسی از عقب بسوی اش حمله  
تر و تزدیک تر من غرورم را بگوشی  
آنداخته و شروع بدویدن کردم .

سردی چند ش آور در سرا پای  
بدنم دوید .

بهتر از آن است که چنین گفتگوی  
را بشنوم .

باخ های مربوط مهمانخانه ویزا  
زیبا و پر گل مانند قصر والا من

بود با وجودیکه دمفری یک باغبان  
که تمام روز را کار کند ، استخدام

شتو ند گان یک کنسرت تا مری  
هستم . از اینکه هوا لحظه به لحظه  
چیز زدم .

ناگهان از کدام جایی ، صدای  
بیو عطر سکر آور کل ها همه

اینکه آهنگ بیان رسید . از روی

کلی وای نو خانمای بادا احساس ورته بیدا

پوشحالی کور و دافی ورته وایه پادشاه خشت

کبی که جیزی هرجا حاجی بیرو ته به شیر

شیو دای چی حاجی بیرو یا لوی جنگ فتح

مغلومی مرغی پهشان بالهیں دیوه ظالم اوخدای

ناترسه شیبین به متکلو کبی راگیر شوی وی .

سرته رسولی دی اویا دژوندانه یه دگر کبی

دشی یاخامو شیو کی بختوره دیلار دکور

بی بیرو غت مشکل باندی بی موندی دی

شخه ددهل سورنا دتویکو دوزو اوتیتوو به

یدر که دخایی بیرو دکاله و خوانه روانه هیول د

بیرو دکاله پس دروازه کی داس شخه بیاده

سراخستی ده اویه بولبی یسی ذله هفته

لیاری به ترخ کی حاجی بیرو به هسته غایم

شول او دهیلورا بانو سره یوشای وعنه کورته

خواهرگه بختوره ود .

ورین تندی او شوچاله خیره دنایی ذات و

جه دهن شوم سر توشت پیل کبی داخله

بختوره یدی شله بوده چن زمالودحابی

شک نهروان ووهر چاتیریک ورکاره ده به هم شو .

پاتی لری .

## دهدیوی لیونی

### برای ذیبائی شما

اگر مو های تان را توسعه ( فین )  
ماشین خشک کننده مو ، خشک می  
کنید در آنصورت همیشه هر اقرب  
جلد روی تان پاشید .  
در دستکول شما همیشه کریم  
موجود است . پس وقتی به خشک  
کردن مو توسعه ماشین خشک کننده  
می پردازید توسعه کریم یک قشر  
نازک بروی تان بمالید و بعد به خشک  
کردن مو های تان شروع کنید .

# میز مدور ژوندون

ازدواج دارای عوامل پنجگانه اقتصادی روانی، تو بینی جنسی واجتماعی است و جز بامطلاً لعنه همه این عوامل و نگرش بیشتر به عامل اقتصاد درک ها ازین حادثه کامل نخواهد بود .

تشبیثات دولت و موسيات عدلی و قضایی از طریق تنظیم قانون ازدواج و مرد دا ری تنها راه حل مساله است .

باید برای مصارف ازدواج حلم معین تعین گردد و دولت از آنایکه بیشتر از آن مضرف میکند تکس و مالیه اخذ گردد .

وقتی گرایش و تغایر شدید برای اجرای اتفاقیدن مراسم وجود داشته باشد و با شایط هایی که احیاء اورا و اداره بانجام آن تعایید میتواند دریک ازدواج نیز از آنها بپروردی خواهد نموده شماز یاک مبارزه و سیاست جماعتی نام گرفتید و در همین زمینه من میگویم که باید شخصیت های بزرگ و حافظه هایی که قدرت بزرگی از مراسم تزیینی را دارند برای تشویق دیگران و این مراسم و محافله مربوط خود را به شکل ساده تر برگزین نمایند در حالیکه اکنون این طور نیست هریک از این گونه شخصیت ها و از شما - شما گروه محترمی که میخواهید شالوده های از هم پاشیده اید هارا دوباره استحکام بخشید نیز کمک نمیخواهیم فقط خواهش دارم قبول گنید درین من در دتلخ ترک گفتن مردی نیست که سالها چون گرم ترین همراهی داشتم در قلبم بود و داندش و عزیز شن داشتم درد من این هم نیست که دختری دیگر را غصب حق من بینای خوشبختی پوشانی اش را روی خرابه های آرزوی های واژگون شده ای میگذارد که خودش را نیز واژگون میسازد دردم من درد فریب انسانهاست در دروغ های بزرگ است و درد اشتباہی که ناشی از گم تجربه هی است و چنان نیز جلد اقل درسی و هوشداری برای همه دختران چشم و گوش بسته دیگر تاریخی گرگ های انسان نما رانغورند و بخود نفرین نفرستند سبیده از کابل

زندون

انگیزه واقعی خیلی از بدینهای این است که جوانان موافقی را مشکلی نمایند. اند. میخواهند آنرا به تسبیه از هیان بردارند. در حالیکه در خرمان و سیران در فصل بحرانی زندگی شان شان بیش از هر وقت دیگر به استفاده از تجربه بزرگسازان را نیاز نداشتند. شما خواهر عزیز قبل از اینکه افسانه عشق شما بقول خود شما قصه رسوابی شما گردد با یست با خانواده خود بپرایون این شخص و درگ و شلناخت خودتان از وجود او صحبت میگردید تاخوب و عجیب مورد مطالعه قرار میگرفت در این صورت زود متوجه اشتباہ خود میگشتند. حالا هم درست نیست که این همه نامید او با عشق زده باشد از اشتباہ خود پند گیرد و بگذارد گرهای را را که احساسات افراطی و دوران تعلق داشت این ایمان ایجاد نموده بدلست دوستان خانوا دگی شما باز گردد.

نمایز تقلید و رقابت هایی نام گرفتند که تعایل و گرایش آن از یاری ببالا است و عقیده تان اینکه در صورت که خانواده های مردی برگزاری جنین مراسمی راساده تر قبول نمایند این امر مذهبی اختلاط یافته است تغییر آن حتی از راه در عمل این طور نیست و این گفته فقط در اعمال زور و بیشتبانی. قانون نیز میسر نیست مگر آنکه این رسم و رواجها تصنیف گردد و این کاری نیست که در یک جلسه امکان پذیر باشد. بادر شایطی قرار داریم که عرف و عادات به همان شکل خرافی آن جز شخصیت ما شده



مدعون پرایون موضوع مورد بحث ابراز نظر نمایند .

## در سو اشیاب اشتباه

او هر روز دو گوش من نجوای عاشقانه ای داشت که تقدیرم میگردید یعنی هیگفت: بی من جزیک زنده نفس نیست، هیگفت که جام ترسی وجود اورا فقط من میتوانم بپرکنم و میگفت که.. این گفته های دایمی که هاها را در پرگرفت بان خیله حق بجانب و لحن سوزناک و بان عده نظاهر بیوقار و آراستگی و راستگویی بالاخره کار خودش را نمود و من احساس کردم بی وجود این مرد زندگی مفهومش دایرایم میباشد و شادی از من گزینان است. تاینکه وقتی غرور لطمہ خوده اش اطلاع شد و گمیود های عاطقی اش چیزیان چیزیان گردید، وقتی همه دانستند که این مرد در زندگی ام چه نقشی دارد و من چنان باو دلپسته لم بدختری دیگر بیوست و باو عهد ازدواج بست و بیاسخ اشک عا و گریه هایم، اندوه بی پایانم یاس افرینم گفت:

فرایوش مکن، هر دو را در قلب داشته باش و با هیچ مردی ازدواج نکن .

دریک لحظه همه چیز دگرگون شد، کلماتش، نویش هایش و گفته هایش در مقابلم رقصیدن را آغاز کردند، دیگر گفتند، بزرگ شدند و بعد محو گشتند و من احساس کردم که این مردیک دیو است که نفیر خوفناکش هر از خوب خوش بیدار ساخته و همچو از چیزی بوده جز یک سراب دریک گویی دروغ درین دار نبوده است .

حالا من از این مرد، از این جوان گلهای تهارم، فقط یک پرسش دارم و آن اینکه چرا باید پایه های خوشبختی او را ویرانه های امید دیگری بیناید گذاشت شود؟

مگر من جهه گناهی داشتم که باید به جبران امیال سرکوب شده و عقده های دروانی او قربانی گردد، همین وسیع .

واز شما - شما گروه محترمی که میخواهید شالوده های از هم پاشیده اید هارا دوباره استحکام بخشید نیز کمک نمیخواهیم فقط خواهش دارم قبول گنید درین در دتلخ ترک گفتن مردی نیست که سالها چون گرم ترین همراهی داشتم در قلبم بود و داندش و عزیز شن داشتم درد من این هم نیست که دختری دیگر را غصب حق من بینای خوشبختی پوشانی اش را روی خرابه های آرزوی های واژگون شده ای میگذارد که خودش را نیز واژگون میسازد دردم من درد فریب انسانهاست در دروغ های بزرگ است و درد اشتباہی که ناشی از گم تجربه هی است و چنان نیز جلد اقل درسی و هوشداری برای همه دختران چشم و گوش بسته دیگر تاریخی گرگ های انسان نما رانغورند و بخود نفرین نفرستند سبیده از کابل

زندون

انگیزه واقعی خیلی از بدینهای این است که جوانان موافقی را مشکلی نمایند. اند. میخواهند آنرا به تسبیه از هیان بردارند. در حالیکه در خرمان و سیران در فصل بحرانی زندگی شان شان بیش از هر وقت دیگر به استفاده از تجربه بزرگسازان را نیاز نداشتند. شما خواهر عزیز قبل از اینکه افسانه عشق شما بقول خود شما قصه رسوابی شما گردد با یست با خانواده خود بپرایون این شخص و درگ و شلناخت خودتان از وجود او صحبت میگردید تاخوب و عجیب مورد مطالعه قرار میگرفت در این صورت زود متوجه خود میگشتند. حالا هم درست نیست که این همه نامید او با عشق زده باشد از اشتباہ خود پند گیرد و بگذارد گرهای را را که احساسات افراطی و دوران تعلق داشت این ایمان ایجاد نموده بدلست دوستان خانوا دگی شما باز گردد.

است عاطفه هارا اشیاع نموده و کثر کثر اخلاقی هارا شکل بخشیده است . و با چنین شایطی دست زدن بپر حرکت انقلابی برای تغییر عادات مردم نه موثر است و نه هم مقید .

در اجتماع مانا آنجا که دیده میشود تقليد از یاری ببالا است یعنی مردم گروه هایی که از نظر اقتصادی درسطح یاری تری قراردارند از خانواده های که نامین اقتصادی دارند تقليد میگرددند بهمین علت اگر این خانواده های همان قانون گردیده و سلسله عادات شان تنظیم باشند باید بخوبیم که باید شخصیت های قانونی گردد خود بخود امامیه مردم دسته های دیگر اجتماع نیز از آنها بپروردی خواهد نموده شماز یاک مبارزه و سیاست جماعتی نام گرفتید و در همین زمینه من میگویم که باید شخصیت های بزرگ و حافظه هایی که قدرت بزرگی از مراسم تزیینی را دارند برای تشویق دیگران از این مراسم زیانی دارند و میتوانند هزارم مردم ما را فراخیت و کنترول نهایم است و نه امکان پذیر میتوانند خود را در گلوب و رستوران و هوتل متعقد نمایند؟ طرح این مساله که دور زمانی اندل بتوان در آندیشه ها نفوذ کرد و میسر آن تغییر داد کاری است غیر عملی ولی اگر صحبت سراین باشد که این نقطه آغاز مجادله باشد باید این مجادله از کورس های سواد آموزی از مکانی از مطبوعات و امور اسلامی و از همه موسسات و سیکله های دولتی که به چنین مسائلی علاقه دارند آغاز گردد و در پیلوی آن سلسله تحقیقاتی علمی و دو اندیشه در جهت عنده های مردم صورت گیرد تا پیرو امکان پذیر فتن عادات تازه وجا یگرفتن آن در زمینت مردم میسر شود .

سایسته قاضی دیوان حقوق عامه: و گرایش آن از یاری ببالا است و عقیده تان اینکه در صورت که سواد در آن تعیین یافته است و عرف و عادات مردم بیشتر باعقايده مذهبی اختلاط یافته است تغییر آن حتی از راه در عمل این طور نیست و این گفته فقط در اعمال زور و بیشتبانی قانون نیز میسر نیست مگر آنکه این رسم و رواجها تصنیف گردد و این کاری نیست که در یک جلسه امکان پذیر باشد. بادر شایطی قرار داریم که عرف و عادات به همان شکل خرافی آن جز شخصیت ما شده

# میز مدور ژوندون

دارد دلیل آن هم اینکه بیشتر از هشتاد قصد افتاد و بعد پنکر اصلاح آن اگر قبول گنیم که مردم ما ساکن دردهات میباشند تقلید هادر ازدواج دارای عوامل پنجگانه اقتصادی روانی رفاقت هایشان باساز عننه های میان خود تربیتی جنسی و اجتماعی است باید پنکر گنیم که شان است و این عننه های جزء شخصیت شان بوده که جزء مطالعه پنکر همه این عوامل و تکرش آنها نه باقیش هنور آشناشی دارند و نه با بیشتر بر عامل اقتصادی درک ها این حادثه خارج از های مرغه شهری و نه هم در مناسبات درکی کامل نخواهد بود.

همانطوری که بیاور خود گفتم عامل اقتصادی اجتماعی قبول شان دارند.

این گونه حوادث نقش عظیم تر و هویتی تر دارد از همین است که من این علیه و برداشت

تفاوتبای اقتصادی و عقده مندی های ناشی از رازد میکنم و اعتمادم است که بعد از تنظیم

قانونی این مسائل و بوجود آوری شبکه های

منظم تبلیغاتی تخت باید گروههای اجتماعی

درست است که قشر روشنگر در راه

تصیف گردند و بعد با در نظر داشت

چگونگی عقاید و روابط پیش از همین

مکلفیت و دوامدار صورت گیرد.

به همین رسالت هم نسبتواند موثر یعنی قاطع

داشته باشد همانطور دیگر تاعوامل سازنده

عننه ها درک تکرده و تبلیغات اصولی تر،

ستند تر و علمی تر بر فحوه همین شناخت

هایشانه داکام است و ناموتر و باین تحلیل

میتواند عین باشد و نه هم عمقی، از همین

جاست که ضرورت مطالعه است هایزی بازیشه

هایش و با پیویش هایش عرض وجود میکند و

آنکه نخست از همه باید در این شیوه عملت یابی

و ایگرچه جویی این عمل هافتاده تادر دیشیه

ساختن آن امکان اندامی همه جاییه و عمقی

متصور باشد.

هم جنان در امر راه بندی این سنت ها و

نداد و بالتجیه از پیروی عننه های مزمن

جلو گیری نموده ای و وضع تکس و مالیه عروسی

های گرانیت از نظر من ضرور میباشد باین

گردد و با این طرح و تنظیم قوانین عروسی ها، بجز

داری ها و قوانین دیگری از این قبیل باید

منصف هارا تعین گرد، بیش از آنرا اجازه

نمیتواند باشد و به تعداد

اعضای گروه هنری جوانان بیفزایند

از مصالحه و معلومات شما

بیامون برو گرام آموزش دنیای

جوانان از جانب زو ندون از شما

و همکاران شما تشکرمیکنم.

من هم از مجله واقع آمو زشی و

محبوب زوندون مشکرم که در

معرفی ذوقها و هر آنچه مرسوط

بر گرام مردم است سهم فعال دارد.

# پرو گرام دنیای جوانان

بهترین محافلی که ازین استعداد های هنری باید بپرسه گیرد، پرو گرام خوانی خالی از نواقص نبود اما همانطوری که نخستین کنسرت با استقبال گرم شنوندگان

موسیقی هنر هندان گروپ اماتوران پرو گرام را شنیدیم، نوید بخشش یک تعداد قابل ملاحظه نامه هایی

و امید وار گرفتیم که دران از حسن نیت آنچه این جوانان در قسمت گروپ اما تور ما پارچه های موسیقی هد نظر داشته باشند، تقدیم آهنگهای اصیل

افغانی که دارای صبغه و روحیه ملی پاشد حتمی و ضروری است، زیرا اصلت هنر ملی و حفاظت آن وظایف اساسی جوانان میباشد و از تراپیش بسوی هنر دیگران یا ز هیدار، لطفا در بازه کار این گروه هنری جوانان صحبت کنید.

- همانطوری که در پاسخ یکی از سوال های قبلی تان گفتم - درین پرو گرام همیشه کوشش میشود تا سهمکبری جوانان در همه قسمت ها افزایش نماید. در پرو گرام هنری جوانان نوازندهان و سرایندگان کروب اما تور دنیای جوانان که اولین برو گرام کنسرت رادیویی شان در شب عید رمضان نشر گردید اضافه از ده نفر عضویت دارد.

منظر از تشکیل گروپ اما تور جوانان اینست تا از یکطرف استعداد های هنری نوازنده کی و جواز خوانی جوانان شکو فان شود و از جا نب دیگر برای برو گرام خودشان آهنگ هایی جدید با کمیوز های تازه و دلنشیز تهیه نمایند تا در موقع مختلف نشر گردد.

ما از اولین کنسرت رادیویی برو گرام جوانان خاطره فراموش بزنده گردید که جوانان از جانب زو ندون از شما

و همکاران شما تشکرمیکنم.

من هم از مجله واقع آمو زشی و

محبوب زوندون مشکرم که در

آن تلاش بیکر است در تحصیل علم و کمال.

خلاصه اگر جوانان در پر تونظم

نوین جمهوری که احسان شریف

وطند وستی، صداقت و درایت کامل

نصیب ماشده وزمینه تحصیلات را

# جوان ممثل انسانیت و...

ازین رو جوانان مکلف اند در هر وندامت فقط یک راه موجود است و پس شاهراه علوم و دانش عصری و مثبت

مجدانه قدم گذازند و از تقلید های کور کورانه خود دزی ورزند. در

غیر آن خدای ناخواسته بیخ دی خویش رادر جامعه ظاهر خواهد

ساخت و هم دریشکاه تاریخ نه تنها مسؤول بلکه متغور خواهد بود.

## نحوهای در شب

بر من میگشت پاید هل تبا بروی او لبخند  
میزدم و خواه مخواه چسر نه های او در ای  
میشنیدم .

مرد حسود بدون وقه حرف میزد . از  
زن حرف میزد از نماینده شر کت لپنیات  
از بوسنیچی واز برادر خودش که بزعم  
حساس او، بازنش سر و سری داشته اند.  
من ناجار همه را میشنیدم، بدون آنکه اظهار  
نظر یاب تصویر ای کنم، زیرا میدانستم این  
آخرین ساعتی خواهد بود که وی درد داشت  
را فراموش میکند . آخر برای اشخاص محکوم  
بعزیز نیز اجازه میدهد در آخرین دقایق  
زندگی شان درد دل خود را بیان کنند !

بار اول بود که یک ماهی نسبتاً درشت  
به چنگکم بند آمد، ولی میدیدم که در آن روز  
وی نسبت بعن خوش شاستر است . وی  
از این بابت خیلی احساس غرور میکرد و خود  
در حقیقت غرور اگریز خود را عیستود، بدیخت  
نمیدانست که این آخرین رجز خوانی های  
اوست و در لحظه دیگر خود بزیر چنگکنن  
دست و پا خواهد بزد.

عاقبت، آفتاب غروب کر، وی از پیشنهاد  
من در مورد اینکه نه مان قایق را مرسو زاد  
بدست گیرد، سیرت زده و غافلگیر شده بود،  
زیرا قبل از اینکه به اجازه نداده بود  
موتور قایق دست بزند، وی میدانست که  
کامن بهار و پیشتر بعن خوانی های  
آغاز داشته ام .

درست هنگامیکه میخواست موتو را راوشن  
کند آله فلزی را بسرعت برداشت، به کله  
وی نواخت . مرد فرتوت بدون آنکه سدا ای  
برکشند و قبل از آنکه من مجال آنرا بیا می  
محاجل ناسنگ بزرگی دا که تبیه کرده ام بیاها یش  
بنهم، با همان ضربه اول که شاید خیلس  
شدید بود، از روی قایق میان آب افتاد و  
درین اواج نایدیدند.

یقیناً نمرده بود، شاید نفسای اخیرش  
را میکشید، زیرا وقتیکه من موتو را راوشن  
کرده، قایق را بسرعت از آنجا دور میکرد،  
بسطع آب آمده، دست و همیزد، چشمهاش  
منزه گشوده بود و تلاش مذبوح حانه ای  
داشت .

دو دقایقی که ساحل رسیدم، خود را شنید  
بحری یافت که طاهر آن آرام و خوش، ولی  
ماشیش توافق دیر تلاطم است . آهسته  
آله فلزی خون الود وریسان را بخشکه  
انکندم .

انتظار من در کنار ساحل نیم ساعت  
طول کشید تا بالاخر مطمئن شدم دیگر  
سدایی از معروف بر نمیخیزد، آنکه جلنجهات  
را در آب انکند، رهسیار منزه  
نمیگردیم .

## علی شیر نوایی

بدون عجله شتاب، سر گرام اجرای  
و ظایف خویشند .... جوانانی که  
شمشیر و کمان بر خود آ ویخته و  
خود که کاملاً به سستی گراییده  
تیر کش هارا با تیر پر کرده اند،  
سنجین و استوار گام بر میدارند  
و هر طرف گشته و گذار دارند...  
مجدالدین با خرسندی و هیجان از جا  
بر خاست و بعداز آنکه چین د ران  
خالهای دوزی شده را در پر کرد و دستار  
بزرگی بر سر نهاد، راه سرای رادر  
پیش گرفت .

(باغ زاغان) در شکوه وعظمت  
دانشی خود پسر میپرد . برای اینکه  
از هندوستان آورده شده بود ند  
«نظم» این درگاه عالی بر هم نخورد  
خشم و چشم باعث است و جدیتی موفرانه  
از دور تماشا کرده، رهسیار قصر  
گراند، نگاه میگنند ..

(نا تمام)

زدم و باتمام قوت فریاد کردم، دیگر او را دمن  
سلب بود و تسليطی بر خود داشتم، دیگر  
نمیتوانستم جلو نمراه و فریاد را بگیرم .  
مرتب نمراه میکشیدم، « تاوقتی فریاد کردم  
که عده ای از همسایگان دور دست بسراست  
رسیدند، لیاسم را بتنم کردند و به شفاخانه  
از تعالیم دادند ... به آنجاییکه همین حال  
آنجا هستم و قصه واقعی خود را بشما  
می نویسم .

این قصه را در دقایقی که آندکی تسکین  
می یابم، می نویسم، در سایر اوقات با خود  
حرفهای بی عنی میگویم و گاهی بسی اراده  
نمراه میگشم .

حالی بمن دست داده است، میان جنون  
و هوشیاری میگویند :

این آغاز علایم دیوانگی است!  
فریاد های مرتب و علایم جنون از من  
دور نمیگردد، با وصف آنکه طبیب معالجم بسا  
لحن آرامش بخشی بمن میگوید جسد را  
بدست نیاوردن، یقیناً در کام زینگان فرو  
رفته است . با آنکه بمن باهمان لحن نونتون  
میگوید که آن زن زن زیبای همسایه بالا صله

بعداز مرگ شو هرش، پامردیکه همیشه  
دوستش میداشت ازدواج کرد، یعنی با  
برادر شوهرش ... بازهم بیهوی بحالم  
نمی بخشد، این صدای ملائم و تسلی بخش  
سعی میگند بمن قناعت بدهد که در آن شب  
بدست اینکه همیشه بمن قناعت بدهد که در آن شب  
پیشنهاد میگردید، سر و گوشها بیان  
لحن ایجاد کشیده، سر و گوشها بیان  
آن پنهان کرد، ولی تنبیه بخشدید .

چهلستون گردید . در یک کو شک  
نستبا ساده محاط با درختان گلها،  
یکی از دانشمندان معروف خراسان  
مصطفوف تدریس شهزادگان جو ان  
است .... کودکان که سرا پادر  
لباسهای ابریشمین پیچیده اند، از  
رهگذر اینکه استاد، خیلی باتانی  
و آهستگی حرف میزند و یا از  
زمکنر اینکه . دروس خود را بدون  
پی بردن بمفهوم کلمات آن، مطابق  
قواعد تکرار کرده اند بیتابانه ختم  
ساعت درس را انتظار میبرند و  
پیشهم به طا و سهای آزادسته مانندو  
خود آنها که برشاخه های درختان  
نشسته اند و در امواج خطوط باریک  
رنگها پیچ و تاب میخورند، به قاز  
های سبیده اندامی که از فاصله دور  
بسان توده های برف سفید جلوه  
گراند، نگاه میگنند ..

## گفتگوی ها و خاطرات



فاضله اینطور توصیه میکند :  
- اگر فامیل ها از آوان کود کی  
به فرزندان شان تلقین های منفی  
نکنند، دیگر در بزرگی دختران ین  
احساس رانمیکند که :

زنهای جودات ضعیف هستند.  
از میرمن فاضله می خواهم تا در  
باره آرزو هایش حرف بزنند، او  
میگوید :

- آرزو دارم با وجود پاک، باقضایت  
بیطرفانه و با فداکاری در پرتو  
ارزشیای جمهوریت جوان و تحت  
رهبری رهبر ملی کشور برای همین  
برای هموطنان خدمت کنم

او میگوید :  
- من از همه زنان و دختران افغان  
می خواهم تا به کلمه زن بودن تکیه  
نکنند، بلکه همه یکسان در برابر  
وطن مسو لیت داریم پس همه  
همدوش درین راه باید خدمت کنیم.  
برای فاضله این پولیس جوان  
موفقیت آرزو می کنم و اینکه با من  
اصحابه بی انجام داده تشکر کرده  
دستش را به عنوان خداحافظی

می فشارم .  
در شماره های آینده گز ارش  
اختصاصی هارا بایک دختر پولیس  
طالعه می کنید .

### میرمن فاضله

کنیم، در قدیم مرد ها به این عقیده  
بودند که زن ها موجودات ضعیف  
و قابل ترحم اند: از همین رو همه  
کارها بدوش مردان بود و در برابر  
حقوق زن ها، نیز کم و محدودیت  
های شان بسیار ...  
ولی امروز ثابت گردیده که زنان  
موجودات پر قدرت، توانا و قابل  
احترام اند:

سهم گرفتن زنان بعیت عناصر  
فعال در امور اجتماعی سبب شدت  
مردان حقوق زنان را احترام بگذارند  
و امروز خوشیخانه فعالیت جهانی در  
این راه ادامه دارد ...  
او می افزاید :

- باید مثالی بیاوریم، در  
مکریک کار شاقه بدوش زنان است  
در هند خواستگاری برای انتخاب  
شوهر از طرف فامیل دختر صورت  
می گیرد و امروز در همه جهان مرد  
وزن همدوش، خدمت می کنند، چه  
این خدمت در امور خانه باشد، یا  
کار اداری، تا تحقیق علمی یا کار  
خانه و فابریکه و حتی عملیات  
کیهانی ...

## شاگردان در پشت همیز

بیزروک بارزی در بیرونی و کامیابی یک متعلم دارد  
فایده متعلم صفت ده نیز نظریات رفاقتی  
خود را تایید میکند .

یک تعداد شاگردان علاقه دارند دیگر نیز در  
گفتگوی ما سهیم اند سمعنظام نظریات خویش  
را ابراز دارند هنگامیکه متوجه میشوند انتظار  
نظریه شان هستم سه شان گفته های  
همصنقاً نش را که نما یندگی از معتقدات و  
نظریات آنها مینماید تایید میدارد .  
از ابراز نظر شاگردان پیرامن سوال

نخست تشکر میکنم سو میگوییم :

البته وظیفه شاگردان تنها با خواندن دروس  
مکتب پایان نمایید یک سلسه وظایف  
دیگری نیز متوجه آنان است از انجمله میتوان  
وظایف شاگردان را در برابر خانواده مکتب و  
اجتماع نام برداشت درین باره گفتگو داشته  
باشید سهی بانی گشید .

نخست زیبده صفت متعلم صفت ۱۲

نظر یافش را چنین ابراز میدارد :

- وظایف و مسؤولیت دختران در مقابل  
فامیل عبارت از سهی گیری در امور تدبیر  
منزل است .

که هیچ دختری بدون سر رشته از تدبیر  
منزل که در سر نوشته زند گانی آینده اش  
تائیز مستقیم دارد سمعنظام و خوشبخت  
نیشود روی اساس ایجاب مینماید که دوشنا

دوش درسیای مکتب در امور تدبیر منزل نیز

با والدین خویش سهی فعال بگیرد تازیکطرف  
تجربه خوبی از امور منزل بدست بیاورد واز  
جانبی بار سنگین سر رشته داری خانوادگی  
را از دوش مادرش سبک بسازد . من خود  
شخصاً از ینکونه روش و سلوك پیروی مینمایم  
به تعقیب رهیمه محسنی صحبت پیغله  
صفوت را دنبال نموده میگوید :

- انسان نظر شعور و درایتی که بعیت  
اشراف مخلوقات دارد سر برای هر حرکتش  
احساس مسؤولیت دارد - اگر این مسؤولیت  
را درک گرد و درین انجام هم گماشتگویا  
وظایف را بخوبی انجام داده است سزیرا  
انسان در خانواده و فامیل سر مکتب و جامعه  
که هر کدام از خود مسؤولیت جدا گانه ای دارد  
ایجاب مینماید که هر کدام اثرا در موقعش  
بوجه شایسته ای پسر برساند .

- پیغله خایته یکی دیگر از شاگردان صفت  
دهم بتأیید سخنان همصنفاتش چنین علاوه  
میدارد :

وقتی ما توانستیم مسؤولیت های خویش  
را در برابر خانواده و مکتب بخوبی شایسته ای  
انجام دهیم - بیوین ترتیب در جامعه نیز  
همصنفات ماتبار زمینه میگیرد - برخوردهای فامیلی

و نادار که توان تبیه لای سهای مود روز را  
نیز میگرد، و اینکونه رویه و عمل نزدمن  
 فوق العاده نامناسب و ناشایسته است .

تدیجه محمدی متعلم صفت ۱۰ موقیت  
شاگردان را درین میدان که در هیچ دوره  
مکتب از سهل انگاری کار نگیرد - کار های  
خانگی خود را در وقت و زمانش انجام دهد  
درسیای روزانه را با دقت و اسلوب خوبی  
فرار گیرد درینصورت کامیابی حتمی همراهش  
خواهد بود .

رجیمه محنتی که از نیز متعلم صفتده  
است بنا یید نظر به همصنفات علاوه مینماید  
که بعضی شاگردان بسیل انگاری و بی اعتنایی  
عادت دارند در طول سال غیر از ساعت تیری  
و گذ را زدن روز خود بعاظلی و کاهشی بدرسیایش  
رسیدگی نمیکنند سر هنگام امتحان بالآمدگی  
محنسر و عجلانه امتحان پشت میز امتحان  
می نشینند که در ینصورت جانس کامیابی اش  
خیلی ضعیف بنتظر میرسد .

زیبده صفت متعلم صفت ۱۲ این لیسه  
راز موقیت شاگردان را تهابه درسیای مکتب  
محنسر نمیدارد او معتقد است که شاگردان  
باید در پیلوی درسیای مکتب از مطالعه کتب  
و آثار علمی و ادبی نیز غافل نمانند - تاسطع  
دانش شان از تقاضای نماید و همچنان علاوه  
مینماید که پایندی بجا شری و احترام بقواعد  
مکتب و احترام معلمین - تشویق معلمان و فامیل

## فلسطینی هادر مبارزه

ها هنوز هم موقف آنها نا بست  
مانده است و این امر نشان دهنده  
آنست که کشور های نه عضو جامعه  
اقتصادی اروپا روش بین البین را  
انتخاب نموده اند یعنی نه خواسته اند  
که بدادن رای مخالف قهر و مخالفت  
عربها را بر انگیز ندونه آرزوی بر  
انگیختن طرفداران اسرائیل را  
نموده اند که این امر از نظر کیفیت  
خود شاید برای موسسه آزادی  
فلسطین کمتر تفاوت کند چه هدفی  
که بایستیت بر آورده میشد تامین  
گردید .

با در نظر داشت همه این جریانات  
اکنون آنچه در برابر فلسطین قرار  
دارد همان استفاده اعظمی از این  
انکشافت است و البته گام نخستین  
که درین راه بردا شته خواهد شد  
عبارت از تشکیل یک حکومت جلای  
وطن فلسطین میباشد که همین اکنون

# شاگردان مکاتب

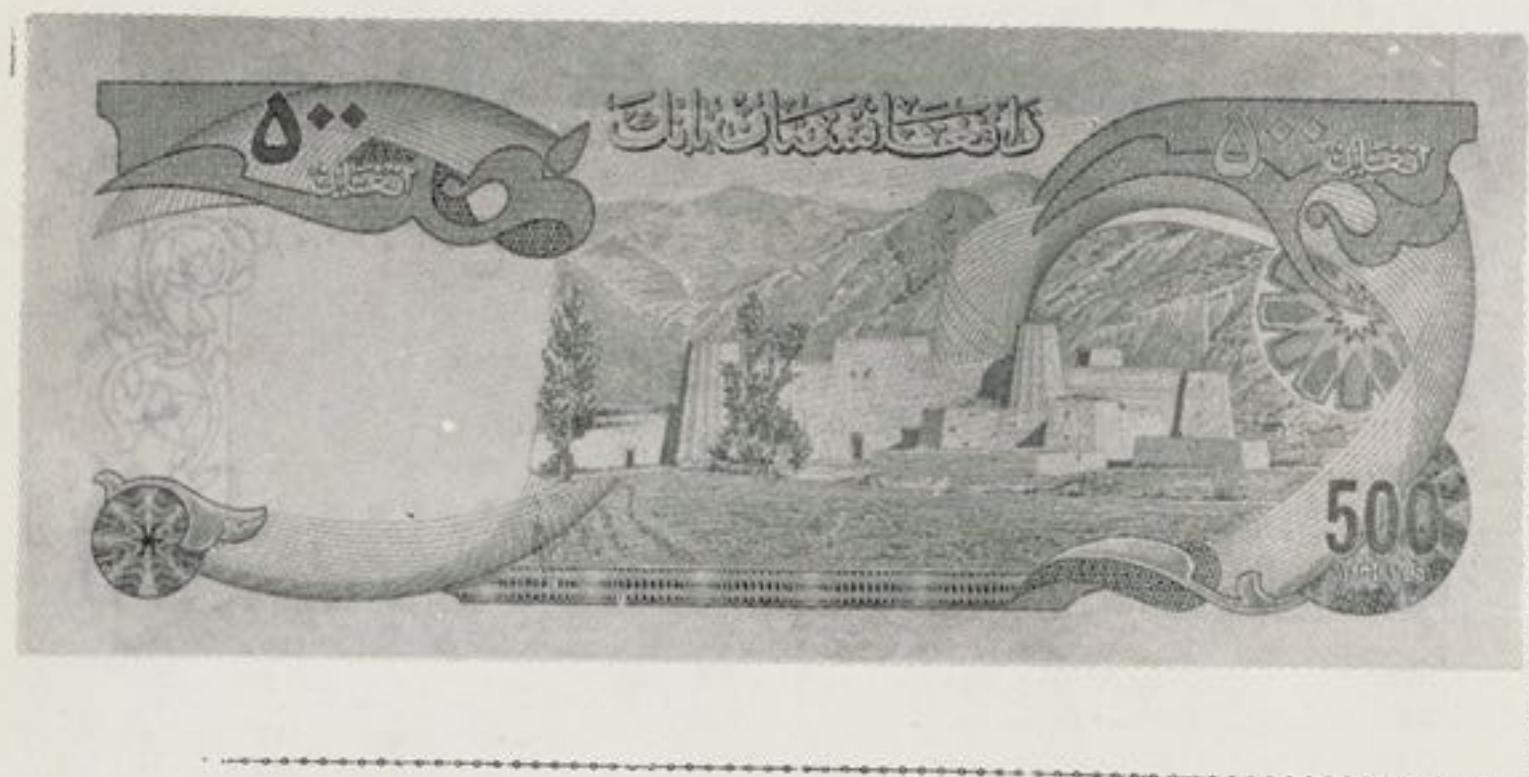
## بانکنوت .۵. افغانیکی به چلنده‌ی افتد

وستد استفاده نمایند دلخوا نیستان بانک نوی  
های جدید را از طریق پرداخت های یومی  
خوبی نظر به احتیاج و ضرورت که به مقدار  
باقی شیری خودکه ها و نمایندگی هامراجمه  
نفر مردم از هردو نوع نوی های جدید و  
سادق هنریت یول قانونی برای معاملات وداد  
هیتما یند .

باشه دوران گذشته این نوع بانکنوت نیز  
از هموطنان محترم تقاضا نیشود نایمتصد  
وش نمودن یک نوع نوی به نوع دیگر آن به  
ندرت و تبدله میباشد .

طوریکه به اطلاع عموم رسانیه شده است  
چه لش بانکنوت های طبع سابق در پیش از باشند  
هی طبع جدید دارای حکم واحد بولی و عین  
ندرت و تبدله میباشد .

موضوع جمیت آگام اطلاع گردید و فتوی  
بانکنوت مذکور جمیت معلومات بیشتر در  
جزاید کشور نشر میشود .



از اطیار نظریه معقول معلم صاحب که  
دارای تجاری آموزگاری است سپاسگزاری  
میکنم در همین اثنا معلم دیگری که فرمی  
هدایت نام دارد در مورد این سوال نظریه اش  
را چنین ابراز میدارد :

او صاف یک معلم خوب بقیده من ایست

که اعتماد پنفس داشته باشد از قوه اسلام

خوب برخور دار باشد برخورش باشگردان

دوستانه باشد تاشاگردان سوالات و مشکلات

شان را باجرات باوی در میان گذاشته بتواند

احساس خدمت بوطن در رگ و خونش ذرق شده

آن از هدایت رهنما بیان و مشوره معلم استفاده

اعظمی بنماید از جانب دیگر این نوع روش

معلم خوب میشود تاشاگردان اش وی را

بجای دوستی صمیمی یک معلم دلسوی

ویک رفیق دمساز قبول نماید و عند الموقعا

صفات فوق نمایند کی از یک معلم خوب گردد

میتواند .

بنویه میشوم که وقت زیاد معلمین و شاگردان

را گرفته ام و دامنه صحبت معلم اخی طولانی

شده است .

زایرو مزاحم شده صحبت را ختم میکنم .

در حاشیه این گزارش :

مورد توجه و مطالعه قرار داد:

نخست اینکه معلم عنصر یست که در شرک

و تکامل شخصیت معلمها زن رول بازی و عمدای

دارد یعنی معلم آموز گاریست که عمل وی در

ایجاد رشد شخصیت و تربیت شاگردان وی که

اداره نزدیک مملکت بست آنهاست تائید

باید برخوردار باشد طرز درست انتقال آنرا

مستقیم دارد زیرا سر پشمه معیار منجش

باشگردان سهل و ساده میسازد . اینگونه عمل

ترقی و تحول یک مملکت بصورت اساسی از

ازیکسو بشاگردان موقع میدهد تا بدین بیم

و هر اس هر نوع مشکلات خود را باوری در میان

کانون فرهنگی آغاز میگردد و پندریج سیر

تکامل و ترقی خود را میماید و بعد حلنه

میرسد که همین شاگردان امروز چرخ تاریخ

کشور را به پیش میراند و در هر نوع فعالیت

های ارزشمند آن سهم فعال و برجسته ای ایفا

میکند .

عامل دوم آنست که آموزش و پرورش معلم

خوب طوری باید صورت بگیرد که از هر

احاطه برای شاگردان مقید و سودمند واقع شود

یعنی طرز تدریس و افاده آن قسم صورت

بگیرد که شاگردان از آن بسیار کافی بیاندوزند

گفته بسته میکنم ورشته سخن را به معلم

ایجاد فضای صمیمیت و دمود کراییک در صنف

در تقویت روحیه و خلق جرات و قوه ابتکار

شاگردان امر ضروری است اینجین روحیه

و اینگذارم .

گشت و گذار در محیط نسبت و برخاست در  
مداول و مجامع - شترال دزمهماتیها و غرسیها  
ایجاد مینماید تا متحیث یک دختر با فقار متین  
پاکی کن و تعليمیافته شخصیت خوبیش را  
تبارز بدهیم و در روحیه دیگران روید و گدار  
ماباید تأثیر مثبت و نیکویی بجا بگذار و آداب  
و رفاقت مأمورد یستند و قبول همه واقع گردد  
هم دومن اینکه دنیال تقليه های بجا سخود  
سریعا وی بندو باریها در ویم ، بهتر است  
که گنجینه و آندوخته دخایر معنوی و علمی خود  
را بیش از پیش گسترش وسعت بخشم و  
لحظه ای از کسب و فیض فضل و دانش غافل  
نمایم زیرا انسان بزیور علم و معرفت آراسته  
نشود و سلاح علم و دانش در دست نداشته  
باشد سانظر یکه مقدور است مسؤولیت های  
خوبی را بینحی مطلوب و برآنده ای بفرجام  
رسانیه نمیتواند .

از وضع ملائمی کادر بحث عالیسترا ال  
دارند سجنین معلوم میشود که یک عدهی شان  
علاوه‌دان تاظل یات شان را در بازه بعضی  
و خود ساعت ابراز دارند - تخدست سوالیم را  
متوجه زیب‌النسیا بیکم که معلمه الجبر و مثلثات  
است هیئت‌نامه می‌برسم که یک معلم خوب باید  
ازجه و صافی برخور دار باشد و راز موقیت  
یک معلم خوب ازجه قرار است .

معلمه مذکور کویا در اتفاق درس است  
و مضماین را برای شاگردانش تدریس میکند  
باوقار و متناسب چنین جواب ارائه میدارد :  
یک معلم خوب را میتوان از دو نکاء

ایلیش

زوندون

مسئول مدیر :

علی محمد «بریالی»

همیتم ع.م عثمان زاده

دسته‌ولی مدیر دفتر تیلفون: ۳۶۸۴۹

دسته‌ولی مدیر دفتر تیلفون: ۳۱۹۶۰

سوچبورد ۳۶۸۵۱

دفتر ارتباطی تیلفون: ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تیلفون ۵۹

به: انصاری واب

داستراک بیه

به: مانندیو هیادو کنس ۲۴ دالر

دولتی مطبوعه



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**